

تروریسم پ ک ک و

زنان

حبیبه اوچال

نماینده مجلس قهرمان ماراش

تروریسم پ ک ک و زنان

حبیبہ اوچال
نماینده مجلس قهرمان ماراش

به مادران دیاربکر که چشم به راه فرزندانشان هستند؛ فرزندی که زندگی‌شان به سرقت رفته
است...

فهرست

۸..... مقدمه

فصل اول

- ۱۱..... جنسیت ، حقوق زنان و تحول زنان ترک/کرد در فرایند مدرنیزاسیون
- ۱۱..... جنسیت و مسئله زنان
- ۱۳..... ادیان و حقوق زنان
- ۱۳..... مروری بر وضعیت زنان و زنان کرد در روند تحول فرهنگی-اجتماعی ترکیه
- ۱۴..... پ ک ک و زنان کرد

بخش دوم

- ۱۹..... پ ک ک ، ترور و زنان
- ۱۹..... زنان شبه نظامی پ ک ک
- ۲۰..... جوخه های انتحار زنان
- ۲۱..... تبدیل مادری به هویت سیاسی
- ۲۳..... بازگشت به پدرسالاری
- ۲۴..... جنسیت زدایی یا «ستیزه جویی مقدس»
- ۲۵..... چرا زنان کرد به یک شبه نظامی تبدیل می شوند؟
- ۲۶..... ادعای هویت و ایدئولوژی پ.ک.ک بر اساس ناسیونالیسم قومی
- ۲۷..... به اصطلاح تأکید بر آزادی
- ۲۸..... جذابیت گفتمان فمینیستی
- ۳۰..... قهرمان سازی ها و ایده آل سازی ها: زیبا شدن یا خدایی شدن با مرگ
- ۳۱..... دلایل خانوادگی و فشار اجتماعی
- ۳۳..... فقر
- ۳۳..... سوء استفاده از رنج
- ۳۴..... گفتمان ضد داعش
- ۳۵..... سیاست پ ک ک در زمینه تبدیل زنان کرد
- ۳۶..... دشمنی خانواده یا خانواده سیاسی
- ۳۸..... ضد دین

قیمت رهایی و آزادی: آزار و سوء استفاده ۳۸
سوء استفاده سازمان از کودکان ۴۰

بخش سوم

گسترش منطقه سرزمینی پ ک ک: خط ح آ د پ - ح د پ یا «منطقه حقوقی» ۴۳
رابطه خط ح آ د پ - ح د پ با پ ک ک ۴۴
سازمانهای ح د پ مانند «مرکز استخدام اعضای سازمان پ ک ک» کار می کنند ۴۵
بازیهای سیاه نمایی ۴۶
موضوع زنان ، جنسیت و خانواده ۴۸
سوء استفاده از زنان ۵۰

بخش چهارم

رویای تروریستی سازمان: مادران دیاربکر ۵۱
قدرت مادران ۵۱
«من پرونده کردستان شما را آغاز خواهم کرد! .. فرزندان مان را بدهید»: تحصن مادران دیاربکر در
مقابل ریاست استانی ح د پ ۵۲

بخش پنجم

کشتن دانش: معلمانی که توسط پ ک ک شهید شده اند ۵۵

بخش ششم

به سوی پایان: نجات یافتن از شر نجات دهندگان ۵۸
ناامیدی و از هم پاشیدگی ۵۸
نجات یافتیم از دست ناجیان: فرار زنان از ترور و روی آوردن به حیات ۶۱
«برخی از ما آزادتر از دیگران هستیم» ۶۲

نتیجه و توصیه ها ۶۶
منابع ۷۰

مقدمه

ترکیه سالهاست که با بلای تروریسم مبارزه می کند. سازمان تروریستی پ.ک.ک تاکنون خود را در قالب اشکالی مانند: آزادی خواه، مبارز استقلال و مدافع حقوق زنان معرفی کرد. اگرچه ایالات متحده و کشورهای اروپایی با تلاش های ترکیه پ.ک.ک را به عنوان یک سازمان تروریستی به رسمیت شناخته اند، اما نمی توان گفت که این امر به طور کامل در عملکردها منعکس شده است. پس از شناخته شدن به عنوان یک سازمان تروریستی، پ.ک.ک فعالیت های خود را با نام ها و ساختارهای قانونی دیگر در ترکیه و خارج از کشور ادامه داده است تا بتواند بر این مشکل فائق آید. به این ترتیب، سازمان هم از شکل غیرقانونی خود رهایی می یابد و هم با دادن این پیام که عملیات علیه وی سیاسی است، موقعیت های جدیدی کسب می کند. در واقع می توان گفت که سازمان تروریستی، راهبرد مشابهی را در مورد زنان و آزادی زنان نیز تعیین کرده است.

سازمان های تروریستی ساختارهایی هستند که از نظر طبیعت، دارای روابط پیچیده ای هستند، محاسبات مختلفی در رابطه با منافع خود دارند و گاهی اوقات در توافق و اغلب در تضاد با هم می باشند. سازمان های تروریستی ساختار شفاف و قابل نظارت ندارند، اگرچه برخی مفاهیم و ایده ها را در بر می گیرند که برای مخاطبینشان در سخنرانی های رسمی، جذاب خواهد بود. در این مرحله، این موضوع را نباید نادیده گرفت که آنها ارتباطات دیگری را برای منافع خود ایجاد می کنند، دستور کارهای ویژه دیگری خلق می کنند و تحت کنترل سازمان ها یا کشورهای دیگر قرار می گیرند. مشخص است که سازمان تروریستی پ.ک.ک در زمان های مختلف با ساختارهای مختلف در تماس بوده و موقعیت های مناسب برای این ارتباطات را تعیین کرده است. پ.ک.ک از روزی که تأسیس شد، سعی کرد هدف اصلی خود را با موضوعات مدرن در دستور کار خود پنهان کند.

در مورد آزادی صحبت کرد، اما هم آزادی و هم امنیت افراد را نادیده گرفت. همچنین به نام به اصطلاح "آزادسازی"، خانواده و ارزشهای خانوادگی را که سنگ بنای جامعه هستند، بقایای "نظم فئودالی" می داند و با آنها مخالفت می کند و فرزندان را از خانواده هایشان جدا می کند. در مورد

آزادی زنان صحبت کرد ، اما همه را با کشتارهای خود رنج داد. همه مقوله های خانوادگی مانند مادر ، پدر ، خواهر را حذف کرد و فقط مقوله "مبارز سازمان" را جایگزین آن کرد.

با ربودن دختران در سنین پایین ، زندگی مادران و زنان شرکت کننده در سازمان را به سیاه چال تبدیل کرد. بسیاری از زنانی که به عنوان شبه نظامی در سازمان عضویت داشتند در اولین فرصت سازمان را ترک کردند و زندگی در آنجا را یک کابوس توصیف کردند و آشکارا اعلام کردند که حتی بدترین زندگی خانوادگی بهتر از زندگی ای است که پ ک ک برای آنها مناسب می دانست. در حالی که پ ک ک در مورد آزادسازی و رهایی صحبت می کرد ، کسانی که سازمان را ترک کردند افشا کردند که کادر اجرایی در سازمان چه نوع هژمونی ایجاد کرده و چگونه یک شیوه مدیریتی استبدادی از خود نشان دادند. برخی از کسانی که سازمان را ترک کردند اظهار داشتند که اگرچه به طور کامل از ایدئولوژی قومی جدا نشده اند ، اما زنان سازمان مورد سوء استفاده ، تحقیر ، آزار و اذیت و حتی بدتر از اینها از سوی مدیران ارشد سازمان قرار گرفته اند.

وقتی به ساختار خانوادگی افرادی که توسط گروه تروریستی پ.ک.ک قاچاق و به کوه ها برده می شوند نگاه می کنیم دیده می شود که فرزندان خانواده هایی هستند که طلاق ، بی تفاوتی ، فشار شدید و فقر را تجربه می کنند و نمی توانند حمایت مورد نیاز خود را در اطراف خود بیابند و این سازمان فرزندان این خانواده ها را فریب داده و مورد سوء استفاده قرار می دهد. به ویژه دختران خانواده های فقیر با وعده های شغل ، حقوق و آزادی فریفته و ربوده شده اند. پسران و دختران در سنین کودکی مدارس و خانواده های خود را ترک کرده ، به سازمان تروریستی پیوسته و مورد سوء استفاده سازمان قرار گرفته اند. ح د پ و انجمن ها و سازمان هایی که با آن همکاری دارند تقریباً به عنوان مراکز جذب و آماده سازی برای سازمان عمل کرده اند. مادران دیاربکر که با آنها مصاحبه کرده ایم و دخترانمان که از پ.ک.ک جدا شده اند این را به وضوح نشان دادند. مبارزه با تروریسم باید یک موضوع فراسیاسی باشد. همه کسانی که به این کشور ، این ملت و ارزشهای این ملت وفادار هستند ، از هر طیف باید وظیفه خود بدانند که به وظیفه خود در مبارزه با تروریسم عمل کرده و به نیروهای دولتی و امنیتی ما کمک کنند. تنها زمانی می توان با تروریسم مقابله کرد که چنین آگاهی و عزم راسخی داشته باشیم و مسائلی را که منجر به تروریسم می شود درک کرده و راه حل های مناسب را بیابیم. در سایه تروریسم ، ما نه می توانیم مسائل را به درستی مورد بحث قرار دهیم و نه می توانیم اصلاحاتی را که می خواهیم در هر زمینه ای انجام دهیم ، به اجرا بگذاریم. وقتی مردم ، احزاب سیاسی ، سازمان های غیردولتی ، سازمان های زنان و سازمان های بین المللی این موضوع را درک کنند ، ما گام بسیار مهمی در شکست تروریسم به عنوان یک کشور برداشته ایم.

همانطور که تصور می شود ، زنان نه به این دلیل که ایدئولوژی پ ک ک را پذیرفته اند ، بلکه به این دلیل که در شرایطی زندگی می کنند که به سازمان اجازه می دهد آنها را فریب دهد ، و به این دلیل که در منطقه ای هستند که واحدهای جذب نیرو می توانند به آنها دسترسی داشته باشند و نیز واجد ویژگی های مورد نظر می باشند. بخش قابل توجهی از آنها بلافاصله پس از مشارکت متوجه اشتباه خود می شوند و از آن پشیمان می شوند. به همین دلیل ، حذف محیط های کنترل شده توسط سازمان بسیار مهم است.

این مطالعه به عنوان محصول عزمی برای افشای چهره واقعی سازمان تروریستی ظاهر شد. در این زمینه ، ما می خواستیم حقایق مربوط به گفتمان سازمان تروریستی در مورد زنان و دیدگاه های آن در مورد زنان و خانواده را که جامعه را تخریب می کند ، بررسی و افشا کنیم. در مطالعه ما با

عنوان تروریسم پ ک ک و زنان ، ما از سایر مطالعات انجام شده تا کنون ، گزارش واحدهای خود در زمینه امنیت ، کیفرخواست دادگاه ، نشریات سازمان تروریستی و اخبار رسانه ها استفاده کرده ایم. ما سعی کردیم اطلاعات پراکنده را جمع آوری کرده و در پس زمینه هایی که می دانیم درست است ، تفسیر کنیم. می توانیم بگوییم که آنچه این مطالعه را منحصر به فرد می کند عبارت است از آشکارسازی موضع ریاکارانه سازمان تروریستی پ.ک.ک نسبت به زنان بر اساس گفتمانهای خود آنها ، مصاحبه هایی که با مادران دیاربکر و شبه نظامیان سابق جدا شده از سازمان داشته ایم و نتایجی که از آنها جمع آوری کرده ایم. نسخه جامع تری از این مطالعه به عنوان کتاب در روزهای آینده منتشر می شود.

امیدوارم کار ما از نظر آشکارسازی چهره های واقعی سازمان تروریستی پ.ک.ک و حوزه قانونی آن یعنی احزاب پیرو خط فکری ح د پ، در رابطه با زنان ، خانواده و جنسیت مفید واقع شود.

بخش اول

جنسیت ، حقوق زنان و تحول زنان ترک/کرد در فرایند مدرنیزاسیون

جنسیت و مسئله زنان

اگرچه زنانگی و مردانگی تفاوت های بیولوژیکی انسان ها هستند ، اما هر فرهنگ معانی مختلفی را به این تفاوت ها نسبت داده است. هر فرهنگ دارای نقش ها ، مسئولیت ها و الگوهای رفتاری خاصی است که توسط زنانگی و مردانگی تعیین می شود و شیوه های زندگی زنانه و مردانه توسط فرهنگ ها تعیین می شود. بنابراین ، همانگونه که نقش های جنسیتی در جوامع می توانند تفاوت داشته باشند، این نقش ها نیز ممکن است با تغییر جامعه تغییر کنند. اگرچه این جنسیت که جنسیت اجتماعی نامیده می شود مانند جنسیت بیولوژیکی ذاتی نیست ، اما نمی توان گفت که کاملاً با جنسیت بیولوژیکی متفاوت است. این ادعای ضد و نقیض است که بگوییم جنسیت و نگرشها در مورد جنسیت کاملاً تحت تأثیر عوامل بیرونی شکل می گیرد یا اینکه استدلال شود که عوامل زیستی-فیزیولوژیکی و زیست روانشناختی در شکل گیری جنسیت تأثیری ندارند. زیرا این مدعا مانند آن است که ادعا کنیم آب ذاتاً خشک است اما به دلیل تماس با خاک مرطوب می شود. به هر حال ، آنچه ما جنسیت می نامیم بر اساس جنسیت بیولوژیکی ساخته شده است و مقوله جدید یا متفاوتی را ایجاد نمی کند.

اگر قصد ما از جنسیت اجتماعی ، تأثیر فرهنگ یک جامعه بر تجربه جنسیت است ، در آن شکی نیست ، اما اگر فراتر برویم و بخواهیم بگوییم که انسان تمامی موضوعات مرتبط با جنسیت را تحت تأثیر فرهنگ اخذ می کند و هیچگونه نقش جنسیتی ای غیر از آن وجود ندارد ، هر چیزی را که به یک مرد نسبت می دهیم می توان به زن نیز نسبت داد (یا برعکس) و نیز گفته شود که هر دو جنس می تواند نقش محوله به جنس دیگر را نیز ایفا کند، البته که قبول این ادعا، شکلهی ساختار خانواده و جامعه و پرورش افراد بر مبنای این درک امکانپذیر نیست. این درک ، که ادعا می کند درک جنسیت به طور کامل توسط فرهنگ های درون جامعه ایجاد می شود ، پروژه ای برای جنسیت زدایی و یکسانسازی است. این پروژه ممکن است منجر به از بین رفتن بسیاری از ارزش ها و ثروت های انسانی و محیط های اجتماعی ای شود که کودکان در آنها رشد کرده و به انسان

تبدیل می شوند. همانطور که در هر زمینه ای ، ممکن است در قضاوت های ما در مورد جنسیت افراط و تفریط وجود داشته باشد ، اما توصیف رفتارها ، نگرش ها ، واکنش ها و باورها در مورد تفاوت بین جنسیت ها به عنوان تعصب ، ایجاد درک جدیدی از جنسیت است. این؛ توسعه درک سرمایه داری جهانی از تولید یک نوع مصرف کننده جهانی در زمینه جنسیت است ، که هدف آن تولید نژادی است که از همه نظر مشابه است و تفاوت موجود در خلقت طبیعی را از بین می برد. زیرا این درک تک جنسی باعث حذف خانواده و ارزشهای تولید شده در محیط خانواده و اثر محافظتی خانواده در برابر انواع خطرات می شود و هر فرد را تنها با ارزشی که در بازار کار و اقتصاد دارد قیمتگذاری می کند. همانطور که در بخشهای بعدی بحث خواهیم کرد ، چنین درک جنسیتی با اهداف سازمان تروریستی پ.ک.ک.ک منطبق است. از آنجا که پ ک ک در حال حاضر خود را برای جهانی بدون زن و شوهر ، مادر و پدر آماده می کند. به همین دلیل است که پ ک ک با توهین به ارزش های سنتی جامعه کرد و تأکید مداوم بر آزادی، دختران را به هویت عاری از جنسیت دعوت می کند.

این درست است که نگرشهای جنسیتی از فرهنگ ناشی می شود و برخی از مکتوباتی که از فرهنگ نشأت می گیرند منجر به تحقیر زنان و در مواردی مظلومیت یا سرکوب آنها می شوند. کاری که باید انجام شود این است که تصورات نادرست منتسب به جنسیت را که منجر به ستم یا آزار یکی از جنس ها می شود ، شناسایی و حذف کنیم. اما در اینجا باید مراقب بود. در حقیقت ، در حین انجام این کار ، نباید در سادگی تقلیل یک جنسیت به موقعیت مجرم و دیگری به موقعیت بی گناه گرفتار شویم. به جای قضاوت حقوق زنان امروز با مقایسه آنها با برخی از عناصر فرهنگ و سنتمان ؛ ما باید به حقوق مزبور در بستر مفاهیمی مانند ذات طبیعی و وضعیت انسانی ، عدالت ، سنت فکر کنیم. زیرا واضح است که اتهام گروهی و جنسیتی با ارائه یک واقعیت تاریخی و اجتماعی فاصله دارد.

همانطور که سازمان تروریستی پ.ک.ک.ک و عقبه های سیاسی آن در هر فرصتی این کار را انجام می دهند ، این واقعیت که مردان همیشه بخشی از سلطه هستند و زنان همیشه دریافت کننده منفعل سیاست هستند و این که همیشه به عنوان یک منطقه مشکل تعریف می شود نشان می دهد که وضعیت واقعی جامعه و زنان در جامعه درک نمی شوند. این ممکن است منجر به خصومت در بین اعضای جامعه و تعریف و طبقه بندی جنسیتی جرایم شود. در حقیقت ، مثالهایی هم در تاریخ وجود دارد که زنان بخشی از سلطه هستند. همچنین این مسئله به معنی بی عدالتی در حق زنان است.

در هر جامعه ای زنانی هستند که در خط مقدم هستند ، راهنمایی می کنند ، رهبری می کنند ، به آنها اختیار داده می شود تا نحوه رفتار و ظاهر مناسب را تعیین کنند و به آنها نقش بازتولید فرهنگ و ارزش ها داده می شود. به عبارت دیگر ، زنان و مردان در حفظ قدرت اجتماعی سهمی دارند. در این مرحله ، مطرح ساختن زنان صرفاً در مباحث جنسیتی ممکن است باعث پنهان و بی اهمیت جلوه دادن نقش ها ، وابستگی ها و دستاوردهای دیگر آنها شود و این وضعیت قابل اعتراضی است. این واقعیت که زنان فقط با زنانگی خود به میدان می آیند و به عنوان یک مشکل ممکن است باعث پنهان شدن و پوشاندن نقش آنها در جامعه شود. به همین دلیل ، مسئله زنان باید همراه با هویت های مختلف آن مانند فرد بودن و عضویت در جامعه ، بدون غفلت از زمینه جنسیتی مورد ارزیابی قرار گیرد.

ادیان و حقوق زنان

واقعیت مشترکی که در متون اصلی مکاشفه یهودیت ، مسیحیت و اسلام مشاهده می شود ، حتی اگر با اصطلاحات مختلف بیان شود ، این است که حضرت آدم و حوا از یک ذات یکسان ، از ذات بشریت خلق شده اند. اگرچه در یهودیت و مسیحیت عبارات ضد زن در متونی وجود دارد که تصور می شود وحی را منعکس می کند ، اما این موارد از بازتاب ماهیت وحی الهی فاصله زیادی دارد. از آنجا که این متون همچنین شامل تعداد قابل توجهی از اظهارات مثبت در مورد زنان است. بنابراین ، ارزیابی متون بر اساس ادیان با رویکرد جزء محور صحیح نخواهد بود. خواندن این متون به همراه متون دیگر ، با توجه به بافت تاریخی ، ساختار اجتماعی و زمینه هایی که مفاهیم در زمان ظهور یا نزول آنها مورد استفاده قرار گرفته است ، هدف ادیان و وضعیت زنان در دوره های ظهور ادیان را باید با وضعیت زنان در جوامع دیگر مقایسه کرد.

مقایسه وضعیت زنان قبل از اسلام و وضعیت حضرت محمد (ص) به وضوح دستاوردهای زنان و دلیل گرایش آنها به اسلام را نشان می دهد. همانطور که بسیاری از تحقیقات نشان داده اند ، بخش قابل توجهی از نگرش ها و درک های منفی در مورد زنان در دوره های بعد در جوامع مسلمان با تأثیر عوامل بسیاری که هیچ ارتباطی با اصل دین ندارند ، پدیدار شد. انحراف از اهداف قرآن و پیامبر ما در مورد حقوق بشر و حقوق زنان به دلیل عدم درک مردم از اصل پیام ارائه شده در متون وحی و نگرش های خودخواهانه و منفعت طلبانه آنها است.

مروری بر وضعیت زنان و زنان کرد در روند تحول فرهنگی-اجتماعی ترکیه

هم در جهان اسلام و هم در کشور ما مشکلات مهمی در ارتباط با زنان وجود دارد. متأسفانه درک های اقتدارگرایانه و توتالیتر از مدرنیزاسیون ، عمدتاً با هدف دگرگونی زنان (لباس پوشیدن و غیره) ، کنترل آنها و تغییر جامعه از طریق آنها انجام شد. در این مرحله ، جوامع مسلمان نمی توانند فرصتی برای استفاده از پویایی در فرهنگ های خود بیابند و بر این اساس دیدگاه انتقادی در مورد سنت های خود ایجاد کنند. از آنجایی که زنان به عنوان حاملان جامعه و ارزشهای سنتی آن در نظر گرفته می شوند ، تغییر زنان معادل تغییر جامعه تلقی می شد و از این طریق ، هدف نوسازی از طریق زنان محقق شد. در نتیجه ، هر بحثی در مورد زنان در ترکیه نمی تواند از چنگال مدرنیته-ارتجاع ، نوآوری-محافظه کاری ، سکولاریسم-دین گرایی خارج شود. در نتیجه ، بسیاری از مردم به نظرات تحمیل شده به آنها واکنش نشان دادند ، یا به عنوان طرد مطلق یا پذیرش مطلق.

در نتیجه استراتژی اساسی جنگی که با دیدگاه روشن بینانه و اثبات گرایانه در غرب تعیین شده است ، اگرچه زنان به عنوان میدان جنگ سیاسی و مناسب ترین منطقه برای انتقال ارزش های مدرن شناخته می شوند ، اما جوامع مسلمان درک درستی در این زمینه ایجاد نکرده اند. امروزه متأسفانه به دلیل این رفتار های واکنشی ، نمی توانیم مسایل مربوط به زنان را با خونسردی مورد ارزیابی و بحث قرار دهیم. راه حل های تک رنگ تولید شده توسط دیدگاه های ایدئولوژیکی با واقعیت اجتماعی چند رنگ متناسب نیست.

سازمان تروریستی زنان را "آزاد می کند" و آنها را از خانواده ، ارزش ها و ارتباطات آنها دور می کند ، نشان می دهد که وقتی اسلحه ای در دست می گیرند نجات می یابند و دائماً از تصاویری از زنان که با اسلحه خود در کوهستان ها قدم می زنند استفاده می کنند. شکل معمولی کار آن است که یک زن در محیط خانوادگی ، موسسات آموزشی و محیط طبیعی اجتماعی خود رشد کند و شایستگی تعیین سرنوشت و آینده خود را کسب کند. با این حال ، پ ک ک می گوید زنان تنها با عضویت در

یک سازمان تروریستی و دور شدن از خانواده ، محیط طبیعی اجتماعی و محیط آموزشی می توانند آزاد شوند و نجات پیدا کنند. لباس زنان زنان را آزاد نمی کند و این واقعیت که زنان در برابر ارزش های جامعه خود مسلح شده و به عنصری از وحشت تبدیل شده اند ، او را همانطور که سازمان تروریستی ادعا می کند ، آزاد نمی کند و حتی بیشتر او را به بردگی می گیرد. مرزهایی که پ ک ک برای زنان مناسب می داند و رفتارهایی که مناسب می داند با درک رئیس سازمان تروریستی ، عبدالله اوجالان ، از گذشته مارکسیستی او و سپس از موضع ایدئولوژیک او مبتنی بر ایدئولوژی فمینیستی تعیین می شود. در این مرحله ، زندگی مبتنی بر تروریسم ، ستیزه جویی ، خشونت ،

سازمان تروریستی زنان را "آزاد می کند" و آنها را از خانواده ، ارزش ها و ارتباطات آنها دور می کند ، نشان می دهد که وقتی اسلحه ای در دست می گیرند نجات می یابند و دائماً از تصاویری از زنان که با اسلحه خود در کوهستان ها قدم می زنند استفاده می کند. شکل معمولی کار آن است که یک زن در محیط خانوادگی ، موسسات آموزشی و محیط طبیعی اجتماعی خود رشد کند و شایستگی تعیین سرنوشت و آینده خود را کسب کند. با این حال ، پ ک ک می گوید زنان تنها با عضویت در یک سازمان تروریستی و دور شدن از خانواده ، محیط اجتماعی طبیعی و محیط آموزشی می توانند آزاد و نجات پیدا کنند.

خانواده ستیزی و بیگانگی از جامعه تحت عنوان آواز آزادی به زنان ارائه می شود. در اولین سالهای تأسیس جمهوری ، پیامهایی در مورد ساختار ایدئولوژیک دولت از طریق تصویر "زنان ترک معاصر" که منعکس کننده پوشش و رفتار به سبک غربی بود ، ارائه شد و سبک های لباس که نشان دهنده درک سنتی زنان بود ، کاملاً سرکوب شد یا مانند دیگر مسائل به پس زمینه رانده شد. هدف این رویکرد که مدرنیزاسیون را با غرب برابر می داند ، تضمین نوآوری و گسست از طریق زنان بود.

اگرچه ساختار اجتماعی ما ، که از یک امپراتوری چند فرهنگی ، چند مذهبی و چند زبانه به ارث رسیده بود ، در دوره جمهوری خواهان ادامه داشت ، این وضعیت جامعه در فرایند تبدیل شدن به یک دولت-ملت ، مورد توجه قرار نگرفت، رشد اقتصادی متوازن بین مناطق حاصل نشد و ارزشها و هویتهایی که گروههای مختلف بر اساس آنها بنا شده اند با ارزشهای جمهوری پیوند داده نشد و به همین دلیل ، دولت و ملت ما مدتهاست با مشکل تروریسم و خشونت سروکار دارند. ممنوعیت های بی معنی در بیان باورها و هویت های فرهنگی مانع ادغام مردم با دولت شد. فراموش شده است که تغییرات اجتماعی پویایی خاص خود را دارد و رشدی که باید در قالب توسعه و عدالت اجتماعی صورت گیرد به رشد اقتصادی و قدرت ایدئولوژی دولتی تقلیل یافته است. حال آنکه رشد واقعی ، یکپارچگی اجتماعی است که توسط رشد عدالت اجتماعی و دموکراسی به موازات رشد اقتصادی ایجاد می شود. امروزه ما با مشکلات ناشی از ناتوانی خود در دستیابی به این هدف در زمینه های مختلف روبرو هستیم.

پ ک ک و زنان کرد

نوسازی که از دهه ۱۹۵۰ تجربه شده است و تحولات اقتصادی همراه آن بر ساختار اجتماعی نیز تأثیر گذاشته است.

شهرنشینی ، مهاجرت به شهرها برای تحصیل و اشتغال منجر به ظهور خواسته ها و بازیگران سیاسی

جدیدی شده است. در این روند ، ساختارهای قبیله ای در مناطق تحت سیطره کردهای ما منحل شده و نخبگان قبیله ای در سیستم سیاسی جدید ادغام شده اند. سیستم سیاسی همچنین یک زبان سیاسی ایجاد کرده است که با ساختار آنجا سازگار است. کودکان نخبه کرد ، که برای تحصیل به شهرهای بزرگ می رفتند ، تحت تأثیر جنبش های چپ جوانان که در دهه ۱۹۶۰ در ترکیه به موازات اروپا شکل گرفت ، شعور هویتی خود را در چارچوب جدید چپ توسعه دادند. در مقالاتی که توسط نمایندگان چپ کردها در مورد این دوره نوشته شده است ، سیر وقایع تاریخی به زبانی ایدئولوژیک بیان شده است و شکل داستانی حاوی تبلیغات به خود می گیرد. در واقع ، این زبان یک زبان واکنشی است که در برابر زبانی ترجیح داده شده توسط کسانی که هویت ملی رسمی را ایجاد می کنند ، توسعه یافته و هنگامی که رنگ ایدئولوژیک به خود می گیرد ، سخت می شود و به ندرت با واقعیت مطابقت دارد. بنابراین ، هویت جدید کردی در دوران معاصر که متفاوت از هویت سنتی ایجاد شده بود ، با حمایت ایدئولوژیک ارائه شده توسط ایدئولوژی مارکسیستی شکل گرفت. سازمان تروریستی پ ک ک ، در سال ۱۹۷۸ تأسیس شد. افکار او در مورد خانواده ، زنان ، جامعه و اموال کاملاً تحت تأثیر مارکسیسم است. یکی از بارزترین ویژگی های آن مخالفت با خانواده است.

برای شناسایی مشکلاتی که زنان تجربه می کنند و یافتن راه حل های مناسب برای آنها ، باید از مرزهای محدود دیدگاه های ایدئولوژیک فراتر رفت. زیرا دیدگاه ایدئولوژیک همیشه دارای پیش داوری است که فقط به محل خاصی به عنوان منبع مشکل اشاره می کند و همچنین تنها یک راه حل را تحمیل می کند و راه حل های دیگر را نمی پذیرد. رادیکالیسم پ ک ک همچنین منبع معضل مربوط به زنان را از یک مکان واحد یاد می کند و همچنین فکر می کند که هیچ راه حل دیگری غیر از راه حلی که توسط سازمان تحمیل شده است وجود ندارد. با این حال ، تصور اینکه مشکلات اجتماعی تنها یک منشأ دارند ، محصول یک دیدگاه تمامیت خواه است. زیرا مشکلات اجتماعی ؛ منابع بسیاری از فرهنگ تا اقتصاد ، از دین تا سیاست و حقوق دارد. به همین ترتیب ، واضح است که اینها را نمی توان با یک دیدگاه واحد حل کرد. در حقیقت ، معلوم شد که همه کشورهای سوسیالیستی که دیدگاه مارکسیستی و راه حل های پیشنهادی مدنظر اوجالان را مطرح کرده و به ایدئولوژی رسمی تبدیل کردند دچار اشتباه شده اند و مواردی که بعنوان راه حل ارائه شد بعداً مشکل ساز شد.

امروزه ما می دانیم که زنان درون سازمان های تروریستی که با شعارهایی زنان و آزادسازی زنان راه اندازی شده اند ، در معرض محرومیت بیشتر ، تبعیض ، حتی خشونت ، آزار و اذیت و گاهی تجاوز قرار می گیرند و عملاً به بردگی گرفته می شوند. این سازمانها ، که در اینجا در مثال سازمان تروریستی پ.ک.ک بحث خواهیم کرد ، سعی کردند ویژگیهای جدایی طلبانه ، نژادپرستانه ، فئودالیستی و زن ستیزانه خود را با انتساب خود به برخی از جنبشهای ایدئولوژیکی مانند مارکسیسم مخفی کنند. در دوره های بعد ، با بی اعتبار شدن این ایدئولوژی ها در نتیجه فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی ، آنها خود را به عنوان مبارزان دموکراسی و آزادی معرفی کردند تا در حوزه مدنی و سیاست برای خود فضایی ایجاد کنند ، حوزه حاکمیت خود را گسترش دهند و " با نظم نوین جهانی سازگاری " یابند ؛ آنها برای پنهان کردن اهداف واقعی خود ، از کنفدراسیون دموکراتیک و فمینیسم دفاع کردند و تأکید کردند که زنان موضوع اصلی هستند. آنها از ساختارها و انجمن های سیاسی فعال در زمینه حقوقی حمایت کردند. در این زمینه ، تجدید پایگاه ایدئولوژیک سازمان تروریستی مطابق دستور کار ، تغییرات و دگرگونی هایی را در حوزه گفتمان آن ایجاد کرده است.

در این دوره جدید ، اوجالان ، رهبر سازمان و پیروانش خود را مخالف سرمایه داری معرفی کردند. هنگامی که "انترناسیونالیسم پرولتاری" که سازمان در ابتدا مطرح کرد و زمینه جهانی ارائه آن ارزش خود را از دست داد ، سعی شد خلاء ایجاد شده توسط این موضوع را با موضوعات اجتماعی جدیدی مانند "تعادل محیطی" ، "آزادی زنان" پر کنند. "مشارکت برابر زنان" و فضای جهانی بودن بوسیله آنها ایجاد شده است. در دهه ۱۹۹۰ ، مبارزات زنان برای برابری درون سازمانی به گفتمان "مشارکت عملی زنان در قدرت" در دوره جدید تبدیل شد. در برخی مطالعات ، تغییر نگاه اوجالان ، رئیس سازمان تروریستی پ.ک.ک ، نسبت به زنان در دهه ۱۹۹۰ آغاز شد و از این زمان ، این حزب گفتمان "رهایی زنان" را رها کرد و به عنوان بازتاب مبارزه قدرت درون سازمانی ، سعی کرد ساختاری ایجاد کند که زنان را در مرکز آن قرار دهد، بر هدفی مبتنی بر دگرگونسازی روابط جنسیتی تمرکز کند و در این بستر تاکید می کند که هدفش تغییر ساختار اجتماعی کردها است. سازمان تروریستی پ.ک.ک در این دوره اقداماتی را برای ایجاد تصویر قدرت از زنان انجام داد. یکی از این موارد تأسیس اتحادیه زنان در درون سازمان در سال ۱۹۹۷ بود که فقط از زنان عضو سازمان تشکیل شده بود و ادعا می شد که توسط مبارزان زن رهبری می شوند.

هویت جدید مدنظر پ.ک.ک برای زنان ، هویتی تجددخواه اما فاقد یکدستی و انسجام و هویتی تکه تکه بود که یکی از اجزای مهم آن ستیزه جویی به عنوان یک هویت درهم تنیده شده است. معلوم نیست چگونه زنی که در دوره قبل به عنوان "تخریب کننده" ، "تحریف گر" و "مانع انقلابی" شناخته می شد در عصر جدید بدون تغییر ساختار اساسی و شیوه مدیریت در سازمان ، به یک "زن رهایی بخش" تبدیل شد. زیرا در اینجا می بینیم که سعی می شود آزادی - که حوزه وسیعی را در بر می گیرد- با هویت عضویت در یک سازمان و جنگجویی توضیح داده شود و سایر امکانات برای آزادی رد می شود.

امروزه ما می دانیم که زنان درون سازمان های تروریستی که با شعار آزادی زنان و آزادی زنان راه اندازی شده اند ، در معرض محرومیت بیشتر ، تبعیض ، حتی خشونت ، آزار و اذیت و گاهی تجاوز قرار می گیرند و عملاً به بردگی گرفته می شوند.





واقعیتی که در هر دو دوره تغییر نکرده این است که زنان هیچ راهی برای آزادی ندارند ، مگر اینکه در یک ساختار بسته تبدیل به جنگجو شوند. در هر دو دوره ، این سازمان تواما دست به کشتار جمعی مردان و زنان زد ، مردم را از ابتدایی ترین حقوق خود محروم کرد و سعی در رعب و وحشت جامعه داشت. در سازمان تروریستی ، زنان از برخورد با چشم اندازهای جایگزین و شیوه های زندگی جایگزین محروم هستند ، زیرا در محیطی بسته به جهان خارج زندگی می کنند ، جایی که واقعیت واحدی ارائه می شود.

همانطور که در هر جامعه ای وجود دارد ، هیچ زن کرد متجانس یا یک مقوله متجانس زن کرد بگونه ای که توسط پ ک ک یا عقبه های سیاسی آن ادعا شده در جامعه ترکیه وجود ندارد. زنان کرد نیز مانند زنان ترک ، دارای طبقات اجتماعی متفاوت و درک متفاوتی هستند. بین زنان طبقه نخبه و زنان فقیر تفاوت وجود دارد. با این حال ، مشکلاتی وجود دارد که همه زنان ساکن در جامعه ترکیه با آن روبرو هستند و سیاست باید آنها را حل کند. نسبت دادن این مشکلات فقط به زنان کرد یا تشخیص سطحی پیشداورانه در مورد منبع آنها یک داستان ایدئولوژیک-سیاسی است و با واقعیت مطابقت ندارد. زنان کرد به اندازه زنان سایر مناطق ترکیه دارای عقل سلیم هستند و از اینکه مشکلاتشان به عنوان یک گفتمان ایدئولوژیک تکرار شده و به عنوان یک منطقه مشکل ساز نشان داده می شود ، ناراحت هستند. زیرا فکر می کنند که این وضعیت به حل مشکلات آنها کمک نمی کند ، برعکس ، مشکل را عمیق تر می کند.

صرف نظر از اعضای سازمان یا کسانی که در حزب سیاسی کار می کنند ، مشاهده می شود که زنان منطقه سعی در به حاشیه راندن زنان مناطق دیگر ندارند و ضمن بیان مشکلات خود از شیوه های سیاسی آنها انتقاد نمی کنند. به همین دلیل ، به اعتقاد این زنان ، مسئول نارضایتی هایی که آنها تجربه کرده اند یک گروه یا ساختار سیاسی به معنای مطلق نیست. مهمترین نکته این است که انتقادات به عنوان دیگری بودن ، به عنوان یک "ماهیت تغییر ناپذیر" ظاهر نمی شود. انتقادات بیشتر به سیاستهای اقتصادی ، وضعیت اقتصادی و اجتماعی مردم ، ممنوعیت زبان کردی توسط کودتاگران ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۳ (که دیگر وجود ندارد) ، نابرابری درآمد بین مناطق ، بیکاری ، فرصتهای آموزشی و غیره است. این مسئله از طریق مشکلاتی مانند مهاجرت و ناتوانی در سازگاری با محل جدید نشان داده می شود. البته ، ما می توانیم پیش داوری های لفاظی ایدئولوژیک را در تبلیغات

سازمان به این موارد اضافه کنیم.

در بسیاری از مطالعات انجام شده در خارج از کشور و اخبار منعکس شده در رسانه ها ، تروریست های زن پ ک ک در چارچوب مفهومی که توسط ایدئولوژی هایی چون مارکسیسم ، سوسیالیسم و اکنون فمینیسم و غیره تعیین می شود مطرح شده و به طرز ماهرانه ای با تصویر "مبارز حقوق زنان" تزیین داده می شوند. به نظر می رسد بخش قابل توجهی از این مطالعات بخشی از استراتژی ترسیم شده برای پ ک ک است. این مطالعات به این واقعیت نمی پردازد که سازمان تروریستی معلمان زن را می کشد و از تحصیل دختران و پسران با کشتن معلمان جلوگیری می کند ، دختران خردسال را به صورت قاچاق به کوهها می برد ، در اردوگاه های تروریستی آزار و اذیت و سوء استفاده های انجام می شود و فریاد مادرانی را که فرزندانش ربوده شده اند نادیده می گیرد. سعی می شود اردوگاه های تروریستی به عنوان ورزش کوهنوردی یا اردوی پیشاهنگی نشان داده شود.

بخش دوم

پک ک، تروریسم و زنان

سازمانهای اصلی پک که زنان در آن عضو سازمان هستند می توانند به شرح زیر فهرست شوند: چریکهای تامیل، نیروهای مسلح انقلابی کلمبیا، نیروهای مسلح سندینیستا نیکاراگوئه. به همین ترتیب، مشخص شده است که اعضای سازمان زنان در اقدامات سازمان های تروریستی مذهبی مانند داعش و القاعده شرکت می کنند. سازمان هایی که به انجام اقدامات تروریستی در سایر نقاط جهان معروف هستند، همچنین دارای اعضای سازمان های زنان هستند. اگرچه تعداد زیادی از مبارزان زن در سازمان موسوم به چریک های تامیل وجود دارند، اما مهم است که بدانیم این بدان معناست که زنان به طور موقت نقش مردان را برای مدت معینی بر عهده می گیرند، هیچ تغییری در ساختار سازمان ایجاد نمی شود و سازماندهی یا تحولی به نفع زنان صورت نمی گیرد و زنان پس از پایان کشمکش ها به نقش سنتی خود باز می گردند. وقتی صحبت از سازمان تروریستی پک ک می شود، زنان از سوء استفاده، آزار و تحقیر شکایت می کنند، زیرا مردان معمولاً در این سازمان حرفی برای گفتن دارند. علاوه بر این، گنجاندن زنان در سازمان تروریستی باعث تغییر در ساختار مدیریتی سازمان نمی شود، برعکس، به جای تغییر خود سازمان، قابل درک است که هدف آن تغییر زنان در راستای اهداف سازمان است.

زنان شبه نظامی پک ک

مانند دیگر سازمان های تروریستی، سازمان تروریستی پک ک زنان را تشویق می کند تا به این سازمان بپیوندند زیرا عملکرد بیشتری دارند. از آنجا که سازمان های تروریستی همیشه شبه نظامیان زن را از نظر پشتیبانی لجستیکی، جذب مردان و زنان برای سازمان، انجام تحقیقات اولیه برای این عملیات و در نهایت ثبات عاطفی مورد نیاز برای تحقق عملیات مفیدتر می دانند. سازمان تروریستی پک ک، همراه با دیگر سازمان های تروریستی که عقبه آن هستند، از تصویر زنان برای نشان دادن خود به عنوان مدافع ارزش های معاصر مانند آزادی و حقوق زنان استفاده می کند. لفاظی های پک ک در مورد زنان و وعده های آن برای نجات و آزادسازی آنها نیز در عضویت زنان در این

سازمان موثر بود.

سازمان تروریستی پ.ک.ک.ک اکثراً از زنان عضو این سازمان در اقدامات خود استفاده می‌کند. مشخص است که سازمان تروریستی پ.ک.ک.ک ، که با اقدامات خونین خود شناخته می‌شود، به منظور ایجاد یک تصویر مثبت به ویژه در کشورهای غربی تصویر "زن کردی که شبیه یک زن غربی است" را به نمایش گذاشت و گفتمان های ایدئولوژی فمینیستی را اخذ کرد تا از این طریق خود را به عنوان یک مبارز به اصطلاح آزادی نشان دهد.

با توجه به سخنرانی های اوجالان ، رئیس این سازمان در سال ۱۹۸۷ که در آن از وجود زنان در سازمان تروریستی پ.ک.ک.ک و برخی مشکلات در این زمینه نام برده ، فهمیده می‌شود که پیش از سال ۱۹۹۰ در پ.ک.ک.ک شبه نظامیان زن وجود داشته اند. با این حال ، تا آن زمان ، ساختار جداگانه ای برای زنان وجود نداشت. اولین سازمان مستقل زنان در ساختار سازمان تروریستی پ.ک.ک.ک در سال ۱۹۸۷ با تأسیس "اتحادیه زنان میهن پرست کردستان" در بدنه جبهه آزادیبخش ملی کردستان در اروپا آغاز شد. تظاهرات سازماندهی شده توسط اتحادیه زنان میهن پرست کردستان در اروپا در تشویق مشارکت زنان در سازمان و همچنین برجسته کردن حضور زنان در پ.ک.ک.ک موثر بوده است. زیرا تظاهرات در اروپا و ساختارهای آنجا در ایجاد تصور غلط از مشروعیت و قدرت بر مردم موثر است. براساس برتری غرب در زمینه های اقتصادی و علمی ، این ایده مطرح می‌شود که ساختارها یا رویدادهای اجتماعی در آنجا دارای قدرت نفوذ خاصی هستند. بسیاری از مردم تصور می‌کردند که غرب اجازه شکل گیری سازمانی غلط را نمی‌دهد یا به ساختارهای ایدئولوژیکی در اروپا قدرتی خاص نسبت داده می‌شود و این قدرت عقبه ها و مراکز خود را در ترکیه نیز تقویت می‌کند. سهم دیگر ساختار اروپا در سازمان تروریستی پ.ک.ک.ک این بود که به آنها اجازه داده شد چهره ای متفاوت از خود نشان دهند و علیه دولت ترکیه لابی کنند.

در سالهای تأسیس سازمان تروریستی پ.ک.ک.ک ، تعداد زنان زن این سازمان بسیار کم بود. مشاهده می‌شود که مشارکت زنان در سازمان بین سالهای ۱۹۹۰-۱۹۹۳ تشدید شده است. اگرچه تعداد زنان در این سازمان پس از سال ۱۹۹۳ کاهش یافت ، اما دوباره شروع به افزایش کرد و در سال ۱۹۹۹ ، هنگامی که رهبر سازمان تروریستی ، اوجالان ، دستگیر شد ، به بالاترین سطح خود رسید. از دهه ۱۹۹۰ ، زنان در اردوگاه های سازمان دیده می‌شوند. تحقیقات نشان می‌دهد که تعداد اعضای زن سازمان در پ.ک.ک.ک بین ۱۲ تا ۱۸ درصد متغیر است. میانگین سنی زنان عضو سازمان ۱۷.۰۳ است. اسامی سه زن شبه نظامی که در ۱۲ سالگی به سازمان تروریستی پیوسته اند نوژین ، الیف و روزین است. براساس اطلاعاتی که در دست داریم ، مسن ترین زنانی که به پ.ک.ک.ک پیوسته اند ، ایپک است که در ۲۶ سالگی به این سازمان پیوسته است. در میان مبارزان زن ، برفه یکی از کسانی است که بیشترین مدت (۲۸ سال) در پ.ک.ک.ک ماند.

جوخه های انتحار زنان

سازمان های تروریستی عموماً از زنان اعضای این سازمان در اقدامات انتحاری خود استفاده می‌کنند زیرا آنها بدون جلب توجه ، اقدامات خود را انجام می‌دهند. در واقع ، جنگجویان مرد همیشه بیشتر در معرض خطر لو رفتن می‌باشند. شبه نظامیان زن در جنگجویان تامیل که برای استقلال سریلانکا می‌جنگند ، آموزش های ویژه ای برای حملات انتحاری دریافت کردند و یاد گرفتند چگونه در حالی که بمب ها را زیر لباس خود حمل می‌کنند ، خود را زن باردار جلوه دهند. این سازمان با تکرار مکرر پیکارجویان زن را تلقین می‌کرد که آنها یکبار در زندگی خواهند

مرد و آنها باید این کار را برای یک امر مقدس انجام دهند. تبلیغات مشابهی توسط شبه نظامیان زن توسط سازمان تروریستی پ.ک.ک انجام شد، این سازمان حملات انتحاری را از طریق مبارزان زن انجام داد، می دانیم که پ.ک.ک بعداً زنانی را که در این نوع خودکشی جان باختند به عنوان قهرمان جلوه داد و با افسانه سازی آنها را با الهه های دوران قدیم مقایسه کرد.

دلایل روانی اجتماعی وجود دارد که چرا زنان به عنوان بمب گذار انتحاری در درون سازمان تروریستی انتخاب می شوند. بنابراین، این سازمان قصد دارد با اشاره به جایگاه زنان در فرهنگ سنتی، حس انتقام جویی را در روح جوانان کرد و مشارکت بیشتر در سازمان را تضمین کند. به منظور مشروعیت بخشیدن به اقدامات انتحاری، زنان انتحاری به عنوان "قهرمان" و "منجیان شرافت زنان کرد" مورد تجلیل قرار گرفتند. سازمان تروریستی پ.ک.ک، در چهارمین کنفرانس خود که در سال ۱۹۹۶ برگزار شد، تصمیم به انجام اقدامات انتحاری گرفت. بر اساس این تصمیم، زیلان، یک زن مبارز تروریست که با انفجار بمب هایی که در سال ۱۹۹۶ در بدن خود جاسازی کرده بود خودکشی کرد، در متون تولید شده توسط پ.ک.ک با تشبیه به الهه عصر اساطیری یعنی "ایشتر" به عنوان موجودی مافوق بشری به تصویر کشیده شده و به عنوان الگویی برای زنان کرد ارائه می شود. پیوستن زنان به این سازمان برای رهایی و آزادی کامل آنها کافی نیست بلکه زنان باید "تبدیل به الهه شوند" و در یک اقدام انتحاری بمیرند. مشاهده می شود که این سازمان، که بین سالهای ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۹ در مجموع ۲۱ مورد عملیات انتحاری انجام داده است، نقشهای بیشتری را در اقدامات انتحاری به زنان اختصاص داده و زنانی را که در چنین اقداماتی جان خود را از دست داده اند، به عنوان قهرمان و الگو معرفی و مطرح کرده است.

رهبر سازمان، عبدالله اوجالان، دائماً خود را تنها فردی معرفی کرد که طرف توجه عشق زنانش قرار گرفته و می خواست آنها در حد عشق به سازمان وفاداری داشته باشند. بنابراین، زنان مجبور به انجام اقدامات ابراز وفاداری شدند. دلیل اکثریت زنان در اقدامات انتحاری این است که آنها در اثبات تعهد خود به سازمان مشکل دارند. زیرا اوجالان به طور مداوم معنای "عشق در حد مرگ" را توضیح می دهد. اگر زن از شرکت در اقدام به خودکشی خودداری کند، خطر متهم شدن به ضعف و سستی وجود دارد. این وضعیت را می توان یکی از دلایلی دانست که بسیاری از زنان در دهه ۱۹۹۰ به عنوان عامل انتحاری تعیین شدند.

پ.آ.، که با او خصوصی صحبت کردیم، گفت که به آنها گفته شده است که چگونه در هنگام مواجه شدن با سربازان ترک در اردوگاه های سازمان تروریستی پ.ک.ک چگونه خود را از بین ببرند. سازمان تروریستی پ.ک.ک می خواهد اعتقادات مذهبی ستیزه جویان را به طور کامل از بین ببرد تا از عقب نشینی آنها از اقدامات انتحاری به دلیل نگرانی های مذهبی جلوگیری کند:

"به محض اینکه متوجه شدیم که توسط سربازان ترک اسیر خواهیم شد، به ما گفته شد که چگونه خود را از بین ببریم. وقتی می گوئیم خودکشی گناه است، می گویند: "آنچه آنها با شما می کنند بیشتر گناه است. گناه را داخل این مسئله نکنید، خدا فقط یک انرژی است. اگر خدا وجود دارد، چرا بسیاری از مردم کشته می شوند، ما نیز مجبور به جنگ نمی شدیم."

تبدیل مادری به هویت سیاسی

یکی از مهمترین ناسازگاری ها در گفتارها و اقدامات سازمان تروریستی پ.ک.ک این است که برخی از زنان را با استفاده از چهره های رزمنده، رهایی بخش، آزادکننده و رفیق با حقوق زنان و تصور برابری پیوند می دهد، در حالی که در ارتباط با برخی دیگر با استفاده از اصطلاحاتی وام گرفته شده

از سنت مانند "مادر"، "آبجی"، "خواهر" و دادن هویت سیاسی تلاش می کند تا فکر قربانی بودن و زیان‌دیدگی را ایجاد نماید. مشاهده می شود که این امر به ویژه در افرادی که بین سالهای ۱۹۹۲-۱۹۹۳ در تظاهرات به عنوان مادر شرکت کرده اند اغلب مورد استفاده قرار می گیرد. سازمان؛ زنان، دختران، جوانان و کودکان خردسال را در شهرها به خیابان‌ها آورد و با استفاده از زنانگی و شخصیت مادری آنها پیام داد. این افراد در اعتصاب غذا شرکت کردند و در جشن‌های نوروزی حضور داشتند. در تظاهرات این سالها دیده می شود که تصویر خواهر و مادر به طور گسترده مورد استفاده قرار می گیرد.

در سالهای بعد، مرحله دیگری آغاز شد و مادران ستیزه جویان ربوده شده در کوه به عنوان "قربانی" معرفی شدند. به این ترتیب، آنها می خواستند به مخاطبان بیشتری دسترسی پیدا کنند و این پیام را بدهند که از حمایت جمعی مخاطبان گسترده ای برخوردار هستند. مادران شنبه، مادران صلح یا زنانی که به عنوان مادر در تظاهرات مورد حمایت سازمان برای جلوگیری از مداخله نیروهای امنیتی حضور یافتند، تناقض رفتاری سازمان را نشان می دهند. این مادران، که به شخصیت‌های سیاسی-ایدئولوژیک تبدیل شده و از یک نمایش به نمایش دیگر می دویند، دیگر مادرانی نیستند که طبق تعاریف سنتی به کارهای خانه و مراقبت و آموزش فرزندان خود مشغول باشند و این وضعیت، نشانگر به رسمیت شناخته شدن هویت سنتی مادری از سوی سازمان نیز نیست. زیرا وقتی در روال عادی زندگی به این مسئله فکر می کنیم، به سختی می توان گفت که این زنان با حس مادری و اراده طبیعی خود در این میتینگها شرکت می کنند. نام "مادران شنبه" یک نام طبیعی نیست که از یویایی داخلی خود ترکیه تولید شده باشد. زیرا طبق سنت ما، مادر با رفتن فرزند خود به یک سازمان غیرقانونی موافقت نمی کند و همچنین از اقدامات سازمان غیرقانونی حمایت نمی کند. مادران شنبه ظاهراً از مادرانی الهام گرفته شده که در میدان پلازا مایو گردهم آمده بودند تا حق و حقوق فرزندان خود را که توسط حکومت نظامی آرژانتین کشته شده اند



بازگشت به پدرسالاری

در سالهای پس از تأسیس پ.ک.ک ، ایده اصلی عبدالله اوجالان ، رئیس سازمان ، برکشتن مردی است که خود را با دولت شناسایی می کند. آنچه در اینجا مورد انتقاد قرار می گیرد ، نقش قدیمی است که به مرد متحمل شده است. اما او این را به عنوان اصل اساسی سوسیالیسم مطرح می کند. پیش از این همه مفاهیم خود را از ادبیات اندیشه مارکسیستی-سوسیالیستی گرفته است. بنابراین ، تحول ها در اندیشه و گفتمان او نیز تحول مربوط به دگرگونی اندیشه سوسیالیستی و ایدئولوژی چپ گرای جدید است. دیدن آثار ساختن یک مردسالاری جدید مستحکم تر شده ، به جای مردانگی کشته شده ای که اوجالان از آن صحبت می کند ، دشوار نیست. زیرا اوجالان در جاهای دیگر از زبان جنسیتی استفاده می کند و زنانگی و مردانگی را دو ذات مجزا می داند. او درباره مردانی صحبت می کند که مردانگی واقعی خود را در مبارزه با اجتناب از رفتارهایی که مردانگی کاذب را بیان می کنند ، به دست می آورند. به گفته وی ، مرد کرد در حالی که مشغول کار خود است ، به عبارت دیگر ، "در حالی که هنوز شبه نظامی نیست" مردانگی خود را فقط در برابر زنان نشان می دهد و "خاصیت زنانه می شود".

این به معنای داشتن قدرت در یک منطقه نسبتاً کوچک است. این توضیح مردانگی که او آن را مردانگی کاذب می نامد ، در واقع به معنای استقرار قدرت در یک منطقه کوچک است. اوجالان فکر می کند که مرد به عنوان یک شبه نظامی از شر این مردانگی کاذب خلاص شده و به یک مرد واقعی تبدیل می شود و بنابراین واقعاً مقتدر خواهد بود. از طرف دیگر زن تا زمانی که شبه نظامی روی نیارود و در خانواده در کارش مشغول باشد برای مرد «همسر» است. "ستیزه جویی" او و عضویت در سازمان او را از همسر بودن نجات خواهد داد.

با وجود تبلیغات سازمان تروریستی پ.ک.ک در باره آزادی زنان در درون خود یک رفتار مردسالارانه را نشان می دهد. برخی از اعضای سازمان تروریستی می گویند که همه چیز در ساختار فئودالی است در سازمان تروریستی نیز یافت می شود و پ ک ک نیز در نهایت "تحت سلطه مردان" است ، او می گوید این سازمانی است که در آن یک میل و اشتیاق لحظه ای وجود دارد که در آن عشق و محبت وجود ندارد. در روابط عاشقانه بین اعضای سازمان ، اعضای زن سازمان متهم به اغواء مردان می شوند و مجازات می شوند. در واقع ، این نشان می دهد که این سازمان از "ارزش های فئودالی" که ظاهراً با آن می جنگید فراتر نرفت و نمی خواست بیرون برود. زیرا توانایی سازمان در جذب اعضا بستگی به تحصیل نکردن افراد و به عبارتی ادامه ساختار فئودالی دارد. پ.ک.ک که سازمان را ترک کرد ، اظهار می کند که طرف زنان به عنوان یک مجرم بالقوه در هر حادثه دیده می شود: "فرض کنید من کسی را دوست داشتم ، عاشق شدم. این معلوم بود ، آنها رفتند و به مدیریت گفتند. جلسه دادگاه برگزار می شود زیر سوال می رویم و ما دستگیر می شویم. برای من حکم اعدام صادر می شود ، مرد آزاد شود به او وظیفه جدیدی داده می شود. زنان همیشه ناقص و متهم دیده می شوند، اعدام می شوند.

در سال ۲۰۱۷ ، یکی از اعضای پ ک ک به صراحت اعلام کرد که تسلط مردان در سازمان در هر فرصتی خود را نشان می دهد:

"من در داخل سازمان و در جنبش حزبی مورد تبعیض جنسیتی قرار گرفته ام. موفقیت زنان مورد استقبال قرار نمی گرفت. من یک مبارز زن موفق در درون سازمان بودم و مردان همکاری مبارز

من از موفقیت من خوششان نیآمده است.

وقتی وارد یک درگیری خطرناک می شویم و زنده می مانیم، رفیق مبارز مرد من، با فکر کردن احتمال ارتقا یافتن موقعیت من در سازمان، به من گفت: "ای کاش همه ما در آنجا می مردیم." هدف قرار دادن معلمان سازمان و موسسات آموزشی به این معنی است که سازمان نمی خواهد زنان از این ساختار فئودالی خارج شوند.

جنسیت زدایی یا "ستیزه جویی مقدس"

در حالی که پ. ک. ک با ارزش های سنتی جنگ می کند، از سوی دیگر برای مشروعیت دادن به اقدامات خود از ارزش های سنتی استفاده می کند. اگرچه سازمان تروریستی علیه هر نوع مقدسات، ارزشهای خانوادگی و مفهوم ناموس جنگ کرده است و ایدئولوژی فمینیستی را برای خود مبنایی قرار داده است، اما ادعا می کند زنان که با تهیه یک پناهگاه کاذب به کوه می آیند خواهران خود هستند و خواهران برای برطرف کردن دغدغه های خانواده ها و برای محافظت از آبروی جامعه در آنجا حضور دارند. در این مورد، او می خواهد خانواده ها با استفاده از گفتمان ها در سنتی که به آن تعلق دارند، این وضعیت را بپذیرند. این مکانیسم دفاعی که توسط سازمان تروریستی ایجاد شده است، غیر از قانع کننده بودن، نشان می دهد که خانواده ها نگران وضعیت دختران خود هستند که به همراه مردان تروریست به کوه رفته و در آنجا بوده اند. در غیر این صورت، به نظر نمی رسد که این سازمان که هدف آن آزادی زنان است، فعالیت های خود را در چارچوبی مقدس قرار دهد. زیرا بر اساس درک فعلی در منطقه، تحمل شرایط برای خانواده سخت است تا زنان و دختران بدون اطلاع از خانواده از خانه خارج شوند. اعضای سازمان که ملاقات زنان با مردان را در زندگی عادی روزمره خود نمی پذیرند، یا مردانی که نماینده تشکیلات سیاسی قانونی هستند که شاخه سازمان است، روابط بین زنان و مردان در سازمان را به عنوان یک فعالیت ایدئولوژیک بیان می کنند یا آن را با بیان اینکه زنان را تحت حمایت "هدف مقدس" خود قرار می دهند، مشروعیت می بخشند. برخی از زنانی که در فعالیتهای سیاسی قانونی شرکت دارند، هنگام شرکت در فعالیتهای حزبی، رعایت قوانین سنتی زندگی عادی را ضروری نمی دانند. و آنها تصور می کنند که هنگام دست دادن با مردانی که در این فعالیت "برادر" خود می دانند، وضوی آنها باطل نمی کند.

پ. ک. ک با روی آوردن به فمینیسم رادیکال؛ ازدواج، روابط خانوادگی، خویشاوندی و عشقی غیر

اگرچه سازمان تروریستی با انواع مقدسات، ارزشهای خانوادگی و مفهوم ناموس جنگ کرده است اگرچه او ایدئولوژی فمینیستی را مبنایی برای خود قرار داد، اما استدلال می کند زنانی که برای رفع نگرانی خانواده ها با ساختن پناهگاهی دروغین به کوه رفته اند، خواهر و آجی ها هستند و آنها برای حفظ ناموس جامعه در آنجا حضور دارند.

از همبستگی ایدئولوژیکی را در طول جنگ ممنوع کرد و مدعی شد که چنین روابطی به سیستم جنسیتی دامن می زند.

سازمان تروریستی که از آزادی و آزادی زنان دفاع می کند، ممنوعیت روابط عاطفی که به عنوان بهای آزادی وضع شده است در واقع می تواند گامی فمینیستی تلقی شود. اگرچه روابط عاطفی ممنوع است، اما نمی توان گفت که به طور کامل از بین رفته است. زیرا نمی توان با ممنوعیت از احساسات مردم جلوگیری کرد. گ. در جلسه ما این موضوع را به شرح زیر ذکر کرد:

"شما نمی توانید تحت تأثیر هیچ مردی قرار بگیرید و یک مرد نمی تواند تحت تأثیر شما قرار گیرد. این ممنوع است. اما شما نمی توانید احساسات خود را از بین ببرید، تحت تأثیر قرار می گیرید. همه جا همینطور است، قانون طبیعت است. چیزی است که خدا خلق کرده است. اما آنها ممنوع هستند. به عنوان مثال، من دو نفر را دیدم که نسبت به یکدیگر احساس عاطفی پاکی داشتند و آنها نیز خودکشی کردند. آنها بمب های خود را منفجر کردند و در طرف سوریه خودکشی کردند. چرا؟ آنها احساس گرایی را با جنسیت برابر می دانند. اما نباید باشد. کسانی که خودکشی کردند جواناتر بودند."

چرا زنان کرد به یک شبه نظامی تبدیل می شوند؟

شبه نظامی شخصی که بدون چون و چرا از یک ایده خاص دفاع می کند و با توسل به زور و خشونت از راه های غیرقانونی برای آن ایده می جنگد. ستیزه جویی همچنین شامل رادیکالیزاسیون نیز می شود. دلایل زیادی برای پیوستن به سازمان های تروریستی و به عبارت دیگر ستیزه جو شدن وجود دارد. برخی از این دلایل به عنوان جذاب و برخی دیگر به عنوان دلایل دافعه توضیح داده می شوند. عوامل فشار اغلب مربوط به مشکلات روانی و اجتماعی افراد است. از نظر بحث مورد نظر، مشکلات شخصی و خانوادگی، نوجوانی، تنهایی، فقر، فشار اجتماعی را در نظر بگیریم، می توان از جمله دلایل محرک نام برد. مسائلی مانند تأکید سازمان تروریستی بر هویت، آزادی، حضور همسالان یا خویشاوندان در سازمان، فمینیسم و خدایی شدن زنان از جمله دلایل جذاب است.

پ.ک.ک از طریق سازمان های محلی خود افرادی را که واجد شرایط عضویت در این سازمان هستند، شناسایی می کند. با جمع آوری اطلاعات در مورد این افراد که از طریق گردآورندگان در منطقه شناسایی کرده اند، اطلاعات را جمع آوری می کند. در نتیجه تحقیق و جمع آوری اطلاعات، فردی از سازمان به افرادی که در نتیجه تحقیقات از بین دیگران تعیین شده اند نزدیک می شوند و برای مشارکت فرد در سازمان شروع به کار می کنند. این فرایند منجر به پیوستن فرد به سازمان می شود.

در تحقیقات پیرامون دلایل پیوستن به سازمان تروریستی پ.ک.ک، دلایلی که در وهله اول صورت می گیرد به شرح زیر است: درک هویت و ناسیونالیسم کرد تحت ستم، روانشناسی جوانان، تجارب آسیب زای زندگی، فقر و بیکاری، تأثیر دوست، محیط و معشوق و موقعیت ثانویه زن. اینها مشکلاتی است که در معرض نفوذ تبلیغات سازمان در منطقه یا تماس های استخدام کنندگان قرار دارد. سازمان تروریستی؛ از مشکلات مربوط به زنان سوء استفاده کرده است، که برخی از آنها با توسعه، شهرنشینی و بین المللی شدن در زمینه های آموزشی، اقتصادی و فرهنگی، برای منافع خود از بین خواهند رفت. با این حال، اقدامات و تبلیغات سازمان تروریستی فقط چنین مشکلاتی را عمیق تر و بیشتر کرده است.

در مصاحبه های انجام شده با زنانی که به سازمان پیوسته و سپس پشیمان شده و سازمان را ترک کرده اند، مشاهده می شود که اکثر زنان نه به دلیل پذیرش ایدئولوژی سازمان، بلکه به دلایل

در مصاحبه با زنانی که به سازمان پیوستند و سپس پشیمان شده و سازمان را ترک کردند، این به این دلیل نبود که اکثر زنان ایدئولوژی سازمان را پذیرفته بودند، مشاهده می شود که آنها به دلایل مختلف و تأثیر مجموعه داران سازمان در منطقه به سازمان پیوسته اند.



مختلف و تحت تأثیر برگزارکنندگان در منطقه به سازمان ملحق شده اند. در دوره ای که سازمان از آن به عنوان عدم تعارض نام می برد و از آنجایی که اعضای سازمان امکان فعالیت آسان تری داشتند، مشارکت در سازمان بیشتر بود.

ادعای هویت و ایدئولوژی پ.ک.ک بر اساس ناسیونالیسم قومی

متون پ.ک.ک دائماً تأکید می کنند که "مردم کرد مظلوم هستند" و "پ.ک.ک سازمانی است که از حقوق و آزادی مردم کرد دفاع می کند" و بنابراین "باید از سلاح استفاده کند". تفاوت پ.ک.ک با شورش های مشابهی که در دوره های گذشته به وجود آمد این است که سعی می کند با تأکید بر "هویت کرد" با ریشه های تاریخی، ابعاد سیاسی و اجتماعی، داستانی جدید خلق کند. دیده می شود که پ.ک.ک ضمن بیان ادعای هویت خود از زنان و تصویر زنان کرد استفاده می کند. در اینجا، توضیحات پ.ک.ک از هویت کرد با تکرارهای منفی مانند ظلم و بردگی، بیان واقعیت نیست. از سوی دیگر، ذکر مداوم هویتی با ویژگی های منفی، آن را به یک ساختار ایدئولوژیک تبدیل می کند تا به یک ساختار فرهنگی.

مشاهده شده است که شهروندان کرد ما از مناطقی که در آن زندگی می کنند به مناطق دیگر مهاجرت کرده اند و در نیاز به برقراری مجدد ارتباط با هویت گروهی خود، که "فکر می کنند در محیطی که آنها بیگانه می دانند، آنها را از دست داده اند"، رادیکالیزه شده اند. مهمترین علامت رادیکالیزاسیون کسانی که در این وضعیت هستند افزایش علاقه به نشریات رادیکال در استانهایی که مهاجرت کرده اند است. با این حال، نکته جالب در اینجا این است که سطح تحصیلات و تعداد خوانندگان روزنامه های رادیکال نسبت معکوس دارند. با افزایش سطح تحصیلات، میزان مطالعه این نشریات کاهش می یابد.

برادران و خواهران کرد ما قرن ها با هویت های دیگر در این سرزمین روابط توسعه یافته و ریشه دار داشته اند. وقتی به جغرافیای باقی مانده عثمانی نگاه می کنیم، اگرچه هویت های قومی و مذهبی متفاوتی وجود دارد، اما روابط عمیقی بین این هویت ها وجود دارد. ناسیونالیسم هویت قومی به نمایندگی از کردها، علیرغم کردها، این روابط را تضعیف کرده و یکپارچگی ملت ما را تهدید می کند. بنابراین، به نظر نمی رسد که برای درک سیاسی که بر هویت قومی تمرکز دارد راه حل

هایی برای مشکلات اجتماعی پیدا شود.

مشاهده می شود که تأکید سازمان تروریستی بر هویت و گفتمان های ملی گرایانه بیشترین بی سوادی را به خود اختصاص داده است. در تحقیقی که در سال ۱۹۹۵ انجام شد مشخص شد که بیشترین بازتاب تبلیغات درون سازمان، بر روی افرادی که تحصیلات پایین دارند تاثیرگذار بود. با توجه به اینکه زنان از نظر دسترسی به آموزش و پرورش گروهی محروم تر هستند، دلیل اکثریت زنان درون سازمان و معنای پیامها و گفتارهای رهبر سازمان نسبت به زنان را می توان به راحتی درک کرد. این وضعیت همچنین دلیل اینکه سازمان تروریستی مدارس و معلمان را هدف قرار می دهد آشکارا نشان می دهد.

مشخص است که سازمان های تروریستی در بسیاری از نقاط جهان از "استقلال"، "آزادی"، "آزادی زنان" یا "حقوق زنان" و "برابری جنسیتی" به عنوان پوششی استفاده می کنند تا زنان را رادیکالیزه کرده و آنها را به ستیزه جویان سازمان تبدیل کنند. با این حال، با نگاهی به اطلاعات ارائه شده توسط کسانی که از سازمان خارج شده اند و آنچه در رسانه ها نوشته شده است، می توان فهمید که این یک توهم است که سازمان های تروریستی به طور کلی از زنان سوء استفاده می کنند و از آزادی زنان کسب درآمد می کنند.

به اصطلاح تأکید بر آزادی

مفاهیمی مانند آزادی و آزاد بودن اغلب در گفتمان پ.ک.ک و شبه نظامیانی که به پ.ک.ک پیوستند استفاده می شود. این سازمان تعریف آزادی را غیر از جنگ بی معنی می داند، آزادی را با "جنگ" می شناسد و اقدامات خود را در آزادی کامل می بیند. عبدالله اوجالان در یکی از سخنرانی های خود به این موضوع اشاره می کند:

"همه احترام و آزادی می خواهند. سپس این؛ تلاش نظری، عملی و سیاسی باید نشان داده شود. پس تلاش نظری، عملی و سیاسی این باید نشان داده شود. آزادی مانند ترشی ساخته نمی شود. آزادی به طور خود به خود یا به عنوان معده ترشح آب حاصل نمی شود. آزادی می تواند در نتیجه مبارزات سیاسی وسیع و فعالیت نظری ایجاد شود."

با این حال، نمی توان گفت که معنای آزادی در گفتمانهای پ.ک.ک و شرکت کنندگان در آن بسیار واضح است و همیشه با یکدیگر منطبق نیست. زیرا آزادی که پ.ک.ک بارها به آن معانی سیاسی نسبت داده و در چارچوب جنگ و درگیری و ستیزه جویی و به حاشیه راندن عده ای از آن یاد کرده است حداقل از نظر برخی از زنانی که به پ.ک.ک پیوسته اند، آزادی فردی به معنای دور شدن از محیط های سرکوبگر و آزادانه عمل است. زیرا کسانی که از پ.ک.ک جدا شده اند تأکید می کنند که برای رهایی از محیط ظالمانه خانواده به این سازمان ملحق شده اند و به خواست خود بدون برخورد با هیچ مانعی به صورت فردی راحت تر عمل می کنند. در عین حال، آنها اعلام می کنند که پ.ک.ک را ترک کردند زیرا با نگرش سرکوبگرانه، تحقیرآمیزتر و برده کننده تر روبرو بودند.

در ملاقات خصوصی با مادر سونگول اکباش که توسط پ.ک.ک ربوده شده بود داشتیم چنین پفت: دخترم پس از ربوده شدن از خانه در نامه ای نوشته بود: "من به آزادی خود می روم!" با این حال، سخنان مادر نشان می دهد که نامه ها توسط شخص دیگری نوشته و تکثیر شده است: "وقتی به خانه رفتم، خواهر و پدرش خواب بودند، او در خانه نیست. شوهرم گفت شاید با یکی از دوستان است، من به بیمارستان پیامبر سلیمان رفتم، آنجا هم نبود. دیگر دخترم که در خانه بود با من تماس گرفت و گفت که او نامه ای نوشته: "مامان، من به آزادی خود می روم!" دوقلوهایش

گفتند که این نامه سونگول نیست. اینها فتوکپی هستند و آن را به کودکان می دهند تا بتوانند هنگام خروج آن را در خانه بگذارند."

در اینجا یک کنایه آشکار وجود دارد. زیرا شخصی که به آزادی می رود حتی اجازه ندارد خواسته های خود را برای آزادی بیان کند. به عقیده پ.ک.ک، "آزادی" چیزی نیست که زنان بتوانند به تنهایی بدانند و مطالبه کنند. این سازمان است که می داند آزادی چیست و آن را می طلبد.

جذابیت گفتمان فمینیستی

مشکل زنان در سالهای قبل از ۱۹۸۰، یک فانتزی خاص برای زنان تحصیل کرده طبقه متوسط بود که متحد مدرنیزاسیون بودند که از طریق خواندن منابع غربی کشف شد، نه جنبشی که از تجربیات افراد در پایه سازمان ها پدید آمد. مسئله زنان بیشتر در قالب فمینیسم دولتی به عنوان بخشی از مبارزه با "عقب ماندگی" و پروژه روشنگری ظاهر شد.

فمینیسم در بیشتر موارد نقش نیروی تسکین دهنده و شفافبخش استعمار یا مهاجم امپریالیسم در دیگر کشورهای جهان را ایفا کرده است. این واقعیت که زنان نخبه حاکم در کشورهای استعمارگرا از حقوق زنان یا فمینیسم در کشورهای استعمارگر دفاع می کنند، معنایی فراتر از این ندارد. بهترین مثال در این مورد این است که لورا بوش، همسر رئیس جمهور سابق آمریکا که افغانستان و عراق را اشغال کرده است، یا فمینیست های نماینده نخبگان آمریکایی، از حقوق زنان در این کشورها دفاع می کنند. این مثال ها نشان می دهد که چگونه می توان فمینیسم را ابزار کرد.

جنبش فمینیستی در دهه ۱۹۸۰؛ مفاهیمی مانند جنسیت، نابرابری جنسیتی و جنسیت را به دستور کار سیاسی ترکیه قرار داد و آن را به عنوان یک مشکل یاد کرد. این بدان معناست که همه مشکلات زنان یکسان است و هیچ کشوری نمی تواند مشکلات خاص خود را داشته باشد. دلیل اصلی مطرح کردن مفهوم جنسیت در دستور کار، ایجاد افراد منزوی از جنسیت است. این به گفتمان پ.ک.ک به عنوان «جنگجویانی که به صفوف آن ها پیوستند»، بدون تبعیض بین زن و مرد، منتقل شد.

جایگاه مفهوم زن در اندیشه رادیکال فمینیستی بسیار شبیه موقعیت مرد در نظام مردسالارانه ای است که او مورد انتقاد قرار می دهد. جنسیت را به عنوان یک مقوله اصلی معرفی می کند که مقوله های دیگر مانند قومیت، طبقه، اعتقادات مذهبی و فرهنگ را در هر جامعه ای بی معنی می کند. بر این اساس، حالت زنانگی را یک کل همگن می داند و اشکال مختلف زنانگی را نادیده می گیرد یا حتی پنهان می کند.

فمینیسم، مانند دیگر رویکردهای ایدئولوژیکی، یکی از مواد اساسی مورد استفاده در تحول غالب شرق را تشکیل می داد که به عنوان "عقب مانده" در نظر گرفته شد. به قول ساچیکو موراتا، فمینیسم از همان ریشه امپریالیسم غربی سرچشمه می گیرد که به طور متناقض در فعالیت های مبلغین مسیحی در شرق نیز خودنمایی می کند. اما، باری که در چمدان مرد سفید بود، افق دید او را گسترده تر کرد و او را به سمت ماموریت های جدیدی برای خود سوق داد. «مسیحیت» که زمانی به عنوان یک گفتمان عالی دینی مطرح می شد جایگاه خود را سرمایه داری، علم پارادایم و فمینیسم واگذار کرده است. مانند بسیاری از رویکردهای اصلاح طلبانه دیگر در اندیشه غرب، فمینیسم مملو از ایده های "خوبی" برای دیگری بود، اگرچه مشخص نبود که این امر در جوامع خود چقدر خوب به وجود آمده است. با این حال، این "معنی دیگری ندارد جز خوبی که ارباب برای بردگان خود فکر می کرد. هیچ جامعه ای نمی تواند به تنهایی مفاهیم و ایده هایی را تولید



کند. نمی تواند مشکلات و راه حل ها را مطرح کند. او نمی تواند با وسایل شخصی خود کنار بیاید و نمی تواند خوب باشد. او فقط می تواند مفاهیمی را تولید کند، مشکلاتی را مطرح کرده و راه حل هایی را با اشکال مختلف نشان داده شده توسط غرب ارائه دهد. با این حال، بیماری او را می توان با روشی که غرب پیشنهاد کرده تشخیص داد و او می تواند با درمان پیشنهادی نجات یابد و بهبود یابد. در واقع، مشاهده می شود که همان گفتمان در افکار عبدالله اوجالان و پ.ک.ک برجسته تر است. تنها تفاوت آنها در این است که آنها می خواستند مردم خود را با این پیراهن بلند گفتاری که از غرب خریداری کرده بودند، بپوشند.

در پایان دهه ۱۹۷۰، مشاهده می شود که گفتمان فمینیستی و گفتمان سوسیالیستی-مارکسیستی با هم پردازش و موقعیت زنان در خانواده و جامعه با طبقه پرولتری مقایسه شده و با موضوع ستم مورد بحث قرار گرفته است. اثر عبدالله اوجالان رهبر سازمان با عنوان "کشتن یک مرد" (۱۹۹۰)، از جمله مواد آموزشی در اردوگاههای پ.ک.ک یا در فعالیتهای آموزشی شاخه های زنان ح.آ.د.پ که یک حزب سیاسی قانونی در آن زمان بود. این واقعیت که موضوعاتی مانند "ایدئولوژی آزادی زنان" و "نظریه جدایی از مردان" در میان پیش نویس های آموزشی مورد بحث از سال ۲۰۰۲ وجود دارد، به وضوح ایدئولوژی جنسیتی را که پ.ک.ک بر آن متکی است نشان می دهد.

با توجه به اینکه مقدس ترین وظیفه ای که برای زنان با مضمون «آزادی زنان» یا آزادی در داستان ایدئولوژیک پ.ک.ک محول شده است، مرگ در حین اقدام به خودکشی است، به نظر می رسد که حتی ستیزه جویی معمولی برای اطمینان از آزادی کامل زنان کافی نیست. بنابراین، می توان گفت که گفتمان فمینیستی به زبان پ.ک.ک در نتیجه تجدید نظر در نظریه های شناخته شده فمینیستی به دست آمده است. در حقیقت، به دلیل ارتباط پ.ک.ک یا ح.د.پ با تروریسم، برخی از سازمان های تروریستی فمینیست راه خود را از پ.ک.ک و حزب "منطقه قانونی" آن جدا کرده اند که قبلاً با الفاظ فمینیستی خود از آن استقبال کرده بودند. اعضای ح.د.پ همچنین به تفاوت بین گفتمان فمینیستی حزب و گفتمان فمینیستی شناخته شده توجه کردند و اظهار داشتند که گفتمان فمینیستی آنها دارای معنایی است که سعی می کند زنان را به کنشی بکشاند که توسط گفتمان ملی

گرای ایدئولوژیک تنظیم شده است. از آنجا که زنانگی در گفتمان پ.ک.ک به زنی تبدیل می شود که با مردن و جنگیدن به مردان خدمت می کند زنان در نظم مردسالارانه با وظیفه ای سنگین تر از زنانی که به مردان خدمت می کنند، فعال می شوند.

دادن جایگاه بیشتر به زنان مبارز در سازمان از سال ۱۹۹۰ و تأکید بر گفتمان فمینیستی توسط عبدالله اوجالان نباید تنها به عنوان عنصری از ایدئولوژی او تلقی شود. به گفته نوال ، که سازمان را ترک کرده ، این استراتژی اوجالان برای تقویت موقعیت خودش در سازمان بود. این یک نوع مبارزه قدرت برای اوجالان بود تا خود را تنها فردی نشان دهد که عاشق او شده و از او الگو گرفته شده است. نوال فکر می کند که گفتمان فمینیستی گفتمانی است که برای جلوگیری از عملکرد جمعی و وحدت سازمان ایجاد شده است:

"... نفرت جنسی ایجاد شد. از وحدت در برابر دشمن صحبت می شود. خصومت در همه فعالیتها منعکس شد. زن آماده و آموزش داده شد و مانند یک بمب به تیم مردان فرستاده شد. " باتوفا ، که با مشاهده تفاوت بین پ.ک.ک آرمانی اش با پ.ک.ک واقعی ، سازمان را ترک کرد ، می گوید که فمینیسم در این حزب تبدیل به وسیله شده بود و زن مظلوم سعی می کرد قدرت خود را به عنوان یک مبارز در محیط جنگ نشان دهد ، اما این به نوعی مردانگی و تقلید از مردان تبدیل شد:

"پس از ۱۹۹۸-۱۹۹۷ ، آزادی زنان به فمینیسم تبدیل شد و در پ ک ک گسترش یافت. این منجر به اشتباهات و بیماری های بزرگی شد. زن کرد ، که همیشه مورد ظلم قرار می گرفت و در سطوح زیرین دیده می شد ، سعی می کرد خود را به عنوان یک نیروی جنگنده در محیط حزب معرفی کند ، اما تا سال ۱۹۹۵ ، تقلید از مردان ، مردانگی و بعداً هنگام رفتن به مصاحبه های فمینیستی ، بیماریهای وحشتناکی ظاهر شد. با شعار "جنسیت خود را دوست داشته باشید" ، ایده پذیرش انواع اشتباهات نظامی-ملی و اجتماعی جنسیتی توسعه یافته است. "

از آنجا که زنانگی در گفتمان پ.ک.ک به زنی تبدیل می شود که با مردن و جنگیدن به مردان خدمت می کند زنان در نظم مردسالارانه با وظیفه ای سنگین تر از زنانی که به مردان خدمت می کنند، فعال می شوند..

قهرمان سازی ها و ایده آل سازی ها: زیبا شدن یا خدایی شدن با مرگ

زنان شبه نظامی که به این سازمان پیوسته بودند اظهار داشتند که آنها افکار ، ارزیابی ها ، انتقادات ، راه حل ها و استنباط های شخصی خود را قبل یا در اولین روزهای مشارکت در مورد رویدادها و پدیده های زندگی خود دارند ، اما در روزهای بعد به یک ربات تبدیل شدند که آنچه را سازمان از طریق شستشوی مغزی می گفت تکرار می کردند و حتی قدرت اعتراض و انتقاد را نداشتند. همه اینها عموماً اقدامات جهندهی ویژه جنبش های توده ای است که معمولاً با روشهای استبدادی اداره می شود.

پ.آ ، که ما در دیاربکر با او مصاحبه کردیم ، در مورد محتوای فعالیت آموزشی شبه نظامیان زن در این سازمان و چگونگی قهرمان سازی آنها از شبه نظامیان زن کشته شده در اعتراضات صحبت کرد: "من آموزش جامع تری را گذراندم که در مقایسه با آموزش قبلی ۴ ماه به طول انجامید. آنها در مورد زنانی صحبت می کردند که تاکنون در پ ک ک خدمت کرده اند و در زیر شکنجه در سیاه چال

دیاریکریا در اعتصاب غذا جان باختند و از آنها قهرمان سازی می کردند. " یک شاهد دیگر می گوید که اوجالان ، نه به تاریخ واقعی یا تاریخ مدرن امروز ، بلکه به اسطوره های غیرواقعی درباره زنان اشاره می کند و این مسئله، مانع از بحث درباره زنان در زمینه های واقعی می شود و زنان به اسطوره ای غیرتاریخی تبدیل می شوند:

"... مفاهیم و نمادهایی که توسط اوجالان و به تبع آن زنان مدیریت کننده هنگام بحث در مورد زنان مورد استفاده قرار می گیرد ، معاصر نیستند. به عنوان مثال ، در رابطه با الهه هایی که بیشتر آنها متعلق به دوره اساطیری هستند و معلوم نیست زندگی می کردند یا نه ، بحث شده است. اوجالان خیلی آگاهانه تاریخ زنان را از دوران زنبوبیا به یک دوره مستند نرساند. تاریخچه ای که قطعاً رخ داده باشد برای زنان در دستور کار قرار نگرفته است. به عنوان مثال ، انقلابهای دمکراتیک بورژوازی (انقلاب فرانسه) ، که من معتقدم برای زنان مهم است ، هرگز ذکر نشده است. به طرز عجیبی ، حتی دختران بی سواد درون پ ک ک بر سر ایشتار (الهه) دعوا می کنند ، در حالی که کلارا زتکین ، رزا لوکزامبورگ ، لیلیا قاسم و غیره. تقریباً هرگز ذکر نشده است. "

با این حال ، دیده می شود که عبارت "الهه" گاهی اوقات نه برای کسانی که در مناطق یا اقدامات دشوار ماموریت یافته اند ، بلکه از روی مزاح برای کسانی که به عنوان "پانوی جنگجو" در خانه های تجمع اوجالان حضور دارند استفاده می شود. تا جایی که از گفته ها مشخص است اوجالان از این بانوان یا الهه های مبارز برای تقویت موقعیت خود در سازمان استفاده می کند:

"... طیفی از اطرافیان اوجالان وجود دارد که به الهه ها معروف است. این بخش شامل زنانی است که در جنگ شرکت نکرده اند ، در خارج از مناطق دشوار ، به طور کلی در مقر ، اقامت داشته اند و به طور خاص از "خانه های تجمع" اوجالان عبور کرده اند. این زنان در داخل سازمان به موقعیت کاملی از امتیاز رسیدند. اوجالان از این زنان به عنوان ابزاری برای تحکیم موقعیت خود در برابر شورای ریاست استفاده کرد. برای این منظور ، ادبیات و درگیری جنسیتی مصنوعی ای ایجاد شد. "

دلایل خانوادگی و فشار اجتماعی

با توجه به این که بسیاری از زنان مبارز از بین زنان شکننده ای انتخاب شده بودند که دارای مشکلات تراوماتیک فردی یا خانوادگی بودند ، در نتیجه تبلیغات سنگین به این سازمان پیوسته و



هرگز اجازه خروج از سازمان را نداشتند ، اما با فرار از سازمان جدا شده بودند ، و جدا شده ها هم هنوز در ترس و وحشت بودند ، به راحتی می توان دریافت که تبلیغات برای آزادی یا رهایی زنان چه توهمی است.

مادرانی که در دیارپکر با آنها مصاحبه کرده ایم توجه خود را به مشکلات خانوادگی در ربوده شدن فرزندان خود جلب می کنند. فاطما آکباش به طور ضمنی جستجوی دخترش سونگل آکباش را به واکنش پدرش نسبت به اضافه کار او نسبت می دهد:

" در ابتدای خیابان ۱۰۰ متر با خانه ما فاصله نداشت. جایی در خیابان بود که لباس زنانه می فروخت ، او ۱۲ روز آنجا کار می کرد و پدرش نمی خواست او را بفرستد زیرا مجبور بود اضافه کار کند. این بار دخترم گفت شما تبعیض قائل می شوید مرا بفرستید. ظرف ۱۲ روز ، شناسنامه او را گرفتند و ثبت کردند. آنها عکسش را گرفتند ، بنابراین من گفتم ، آنها عکس تو را می گیرند ، نکنند به کوه یا جای دیگری بفرستند. "

تورکان موتلو جدا از همسرش در سلطان بیلی استانبول زندگی می کند. دخترش فارغ التحصیل دبیرستان است و در امتحانات دانشگاه شرکت کرد و در رشته معلمی قبول شد ، اما قبل از اینکه دانشگاه را شروع کند ، توسط پ ک ک از طریق ح د پ ربوده شد. هفت سال است که خبری از او نیست. خانواده متلاشی شده است. برخی از افرادی که می گویند از ح د پ هستند و می دانند که او جدا از شوهر زندگی می کند به بهانه آشتی دادن خانواده شوهرشان به خانه هایشان می آیند و با آنها آشنا می شوند. هیچ گاه ارتباط خود را با دختر خانواده که بعداً به پ.ک.ک پیوست ، قطع نمی کنند و در نهایت او را می ربایند. :

"قسم می خورم که من حتی ساختمان ح د پ را نمی شناختم. من چهار فرزند دارم ؛ دو دختر و دو پسر دارم. من از پدرش جدا شده ام. دخترم به مدرسه می رفت. یک روز ، دختر بزرگم تماس گرفت و گفت مادر ، دو مرد آمدند ، نمی دانم. سر و وضعشان مرتب بود و گفتند ، ما از ح د پ آمده ایم. (...) آنها سعی کردند مرا با پدر دخترم آشتی دهند و سپس با دخترم نیز صحبت کردند. دخترم عادت کرد. او یک یا دو بار در هفته دیر می آمد و شروع کرد به رفتن به آنجا. سپس دخترم بردند. بعد رفتم ، رفتم داخل آنها ، گفتم دخترم را نشانم بدهید. به من نشان ندادند سپس او را در تلویزیون در کوبانی دیدم. دخترم در وضع بدی بود ، اسلحه ای در دست داشت. سپس آنها مرا در باکرکوی گذاشتند ، و من گفتم ، اجازه دهید من به استانبول بروم. من هرگز دخترم را ندیدم. من فقط می دانم که به ح د پ سلطان بیلی می رفت. من یک هفته ساختمان آنها را ترک نکردم. آنها دو هفته بعد یک یادداشت از دخترم آوردند که از خواهرم ، برادرم و مادرم مراقبت کنید. بعد از آن تبدیل به یک خانواده متلاشی شدیم. ما دیگر یک خانواده نبودیم. فرزندان دیگر من نیز پیشرفت نکردند. دخترم نتوانست دوران کودکی و جوانی خود را بگذراند. ما چه گناهی داشتیم؟ "

گاهی اوقات ، والدین با کنترل بیش از حد فرزندان خود و تحت فشار قرار دادن آنها به کودک اجازه نمی دهند مشکلات زندگی ، خطرات ، زیبایی ها و خوب و بد محیط را کشف کنند و ببینند. گ. در حینی که تعریف می کند که چگونه اعضای پ ک ک ، از حادثه ای دردناک در خانواده اش در ۱۶ سالگی او سوء استفاده کردند و او را فریب دادند ، اظهار می دارد که نگرش اشتباه خانواده وی ، علاقه زیاد نسبت به او و کنترل بیش از حد موجب گول خوردنش شده است.

"حالا می گویم ای کاش آن زمان به والدینم گفته بودم. خواه ناخواه می ترسی و دچار تضاد می شوی. والدین من بیست سال صاحب بچه نشدند. بیست سال بعد ما سه خواهر به دنیا آمدیم ، من بزرگترینم. به همین دلیل من تحت فشار خانواده بزرگ شدم. تا سال دوم دبیرستان ، پدرم

مرا به مدرسه می برد. اگر آنها مرا تنها می گذاشتند ، اگر زندگی را می شناختم ، اگر مردم را می شناختم یا دوستانی داشتم ، شاید فریب نمی خوردم. چون آن وقت خودم را می شناختم. شاید فشار خانواده نیز موثر بود ، ناتوانی در بیرون رفتن ... این یک اتفاق لحظه ای بود ، تصمیمی که من از ترس گرفتم. (... سوار تاکسی شدیم. 'کجا می رویم؟' گفت. ما می رویم ، شما ملحق شدید ، مردی در تاکسی گفت ، اما من چیزی نمی دانستم. فشار خانواده نیز وجود دارد. بلند می شوی و می روی. اینطور شروع شد. فرض کنید من یک هوادار بودم ، یا شما واقعاً سازمان را می شناختید ، یا به عنوان مثال -نوروز- من چنین والدینی ندارم. بنابراین من خودم را درگیر کردم ، نمی دانم باید فشار خانواده را بگویم یا نه. به عنوان مثال ، وقتی من آن را اکنون تجزیه و تحلیل کردم ، متوجه آن عشق بیش از حد نشدم ، این فشار بود و زندگی من به نوعی خراب شد. رفتم پشیمان شدم آنچه دیدم ، آنچه تجربه کردم. "

فقر

مشخص است که پ ک ک دائماً از زبانی استفاده می کند که از فقر در منطقه سوء استفاده می کند و مشخص است که در گفتارهای رسمی خود چنین تبلیغ می کند که با تسلط پ ک ک بر منطقه مردم کرد از ظلم و ستم و فقر رهایی خواهند یافت. با این حال ، در مصاحبه های خصوصی ما مشخص می شود که جذب شبه نظامیان به پ ک ک تبدیل به یک بخش اقتصادی شده است و واسطه ها در ازای پیوستن به پ.ک.ک به خانواده های فقیر وعده پول زیادی می دهند. پ.آ. که با دیدن مادرش در میان مادران دیاربکر تسلیم شد ، در مصاحبه ما توجه خود را به این پدیده جلب کرد. طبق گزارش پ.آ ، کار دلالی به طور کامل در ساختمانهای ح د پ انجام می شد: "پس از فوت پدرم ، مادرم مجبور بود به تنهایی از ما مراقبت کند ، ما از طرف هیچ یک از بستگان خود حمایت نمی شدیم. ما به عنوان کارگر فصلی به استان ها می رفتیم و فندق و گوجه فرنگی جمع آوری می کردیم. زمستان ، مادرم قصد داشت خانه را نظافت کند. مادرم ما را با مشکلات زیادی بزرگ کرد. هیچ پولی به غیر از درآمد مادرم به خانه ما وارد نمی شد. ما در سن ۱۳-۱۴ سالگی با خواهر و برادرم شروع به کار کردیم. برادرم گاهی کفش واکس می زند و گاهی در بازار یا نجاری کار می کند (... دوستی داشتم به نام محمت ، که وقتی در کلاس های ششم و هفتم در کلاسهای تقویتی درس می خواندم با او آشنا شدم. در فیس بوک هم با او صحبت می کردیم. به او گفتم باید کارکنم تا پول به خانه بیاورم. او گفت که به ساختمان استانی ح د پ بروم ، من می توانستم اینجا چایی حاضر کنم و نظافت کنم ، و مثل شغل دولتی حقوق خوبی داشته باشم. با هم به ساختمان استانی ح د پ رفتیم. وقتی به آنجا رسیدیم ، آنها شروع به صحبت ایدئولوژیک کردند و گفتند که اگر به آنها ملحق شوم ، آنها می توانند کمک زیادی به خانواده من کنند. "

سوء استفاده از رنج

عملیات سازماندهی شده در منطقه در دوره های افزایش حوادث تروریستی ممکن است منجر به حوادث نامطلوب شود. این نوع رویدادها و دردی که در نتیجه آن تجربه می شود از جمله مواردی است که سازمان تروریستی و برنامه های سیاسی آن بیشتر از آن سوء استفاده می کنند. می دانیم که دولت ما در این زمینه حساسیت لازم را نشان داده است. با این حال ، پس از یک رویداد ، نهادهای مربوطه ایالت باید در کنار خانواده های آسیب دیده از رویداد باشند و این رویداد باید در اسرع وقت روشن شود و خانواده ها از نظر روانی و اقتصادی حمایت شوند. جنایات عمدی باید

افشا شود. سازمان تروریستی از چنین رویدادهایی برای تبلیغات و سوء استفاده و محاصره افرادی که بستگان خود را در چنین رویدادهایی از دست داده اند ، استفاده می کند.

اگرچه در خانواده وی هیچ کس نزدیک به پ ک ک نبود و پدرش کارمند دولت بود ، گ. در سن شانزده سالگی پس از چنین تصادفی که خانواده وی دچار آن شدند ، در نتیجه تبلیغات هواداران پ.ک.ک که او را محاصره کرده بودند فریب داده شده و به سازمان پیوست و پس از مدت طولانی ماندن در آنجا سازمان را ترک کرد:

"من ۱۶ ساله بودم. من هیچ وابستگی به سازمان نداشتم ، من در چنین خانواده ای پرورش یافته بودم. پدرم قبلاً کارمند دولت بود. من این را در بیانیه خود گفتم: پسر عمویم در سال ۲۰۱۳ توسط یک پانزر مورد اصابت قرار گرفت و او فوت کرد ، او ۱۹ ساله بود. پس از آن - آنها واقعاً به من دسترسی پیدا کردند - به قبرستان رفتیم. خواه ناخواه ، اعضای سازمان نیز به محل دفن می آمدند. سپس آنها به من دسترسی پیدا کردند که: "بیا ، برویم." نمی دانستم و آنها را نمی شناختم. یک شاگرد مدرسه بودم و گفتم: "نه"

علیرغم اینکه گ. پیشنهاد آنها را نپذیرفت ، افرادی که برای جذب اعضای سازمان تعیین شده بودند گ. را راحت نگذاشتند و دوباره با او تماس گرفتند ، در قبرستان با او ملاقات کردند و تله ای علیه گ. آماده کردند. افراد سازمان که با وی در قبرستان ملاقات کردند ، ناگهان انگار وحشت زده گفتند: "پلیس می آید!" آنها سعی می کنند فرار کنند و وانمود می کنند که او را از پلیس فراری داده و سوار ماشین کرده اند. وقتی گ. به خانه می رود ، شخصی که خود را پلیس جا زده با او تماس می گیرد و او را تهدید به مرگ می کند.

گفتمان ضد داعش

پ ک ک می خواست زمینه جدیدی را برای خود باز کند ، به ویژه از طریق سوریه ، پ ی د/ی پ گ ، و خود را در برابر گروه تروریستی داعش ، که با انگیزه های مذهبی اقدام به کشتار اقدامات تروریستی می کرد ، قرار داد. رسانه های طرفدار پ ک ک دائماً، پ ی د/ی، پ گ را با مواضع خود علیه داعش برجسته می کردند و با پیام ها و اقدامات خود علیه داعش در رسانه های غربی مطرح می شدند.



مصاحبه های ما با زنانی که از پ ک ک جدا شده اند نشان می دهد که اکثر شبه نظامیانی که بین سال های ۲۰۱۳-۲۰۱۹ توسط پ ک ک ربوده شده بودند در صفوف پ ی د در سوریه جنگیدند یا با آنها همکاری کردند. همانطور که مشخص است ، از زمانی که عبدالله اوجالان سازمان تروریستی را از سوریه به مدت طولانی رهبری کرده است ، ساختارهایی متعلق به خود این سازمان تروریستی یا سازمان هایی است که با آنها روابط نزدیک دارد. مشخص است که شبه نظامیان زیادی از سوریه در این سازمان تروریستی حضور دارند. به همین دلیل ، سوریه یک کشور خارجی برای پ ک ک نیست. دیده می شود که ی پ گ / پ ی د ، که می خواهد با نشان دادن ضد داعش از حمایت آمریکا و کشورهای اروپایی برخوردار شود ، از مبارزان زن در این زمینه سود می برد. شبه نظامیان زن ی پ گ / پ ی د با لباس هایی که شبه نظامیان پ ک ک در سوریه می پوشند در رسانه های غربی ظاهر می شوند ، آنها با استفاده از دلالت های تصویری از زنان ، هدف اصلی خود را با برجسته ساختن این پیام که آنها در حال مبارزه با داعش هستند ، که گریبان کشورهای آمریکایی و اروپایی را گرفته است ، پنهان می کردند. رسانه هایی مانند بی بی سی ، سی ان ان ، تلگراف ، فرانس ۲۴ ، وال استریت ژورنال ، اشیپگل روسیه امروز و تایمز این زنان مبارز را در صفحه نمایش خود نشان می دادند و تقریباً آنها را قهرمان می کردند. آنچه شگفت انگیزتر است این است که در این گزارش های خبری ، کودکان زن مسلح تحصیلات خود را زیبا توصیف می کنند و آن را با عبارات فانتزی توصیف می

دیده می شود که پ ی د / ی پ گ ، که می خواهد با نشان دادن ضد داعش از حمایت آمریکا و کشورهای اروپایی برخوردار شود ، از مبارزان زن در این زمینه سود می برد. شبه نظامیان زن ی پ گ / پ ی د ، که تصاویری را با لباس هایی که شبه نظامیان پ ک ک در اختیار رسانه های غربی قرار دادند ، با برجسته ساختن این پیام که آنها در حال مبارزه با داعش هستند ، که بلای جان آمریکا و اروپا است ، هدف اصلی خود را پنهان می کردند.

کنند. تروریست های زن پ ک ک / پ ی د در رسانه های غربی به شیوه ای عاشقانه و زیبا معرفی شدند: ماشین های کشتار ، که با اسلحه در کوه ها قدم می زدند ، مانند مدل هایی که روی باند فرودگاه در پاریس قدم می زدند به بازار عرضه شد. عموم مردم غرب با مشاهده این تصاویر ، تروریست های زن پ ک ک / پ ی د را زنان زیبایی می دانند که تحت تأثیر اخبار برای فمینیسم ، مدرنیته و سکولاریسم ، برای محیط زیست و آزادی مبارزه می کنند.

سیاست پ ک ک در زمینه تبدیل زنان کرد

سازمان پ ک ک از نجات ، دگرگونی و آزادی زنان در هر فرصتی صحبت می کند. بدین منظور ، سازمان از امکانات گفتمان مارکسیستی و سپس گفتمان فمینیستی به طور کامل استفاده کرد. با این حال ، واضح است که او هر دو گفتمان را برای اهداف ایدئولوژی ناسیونالیستی/فاشیستی خود ابزار قرار داده است. در حقیقت ، هم مارکسیست ها و هم فمینیست ها این هدف پ.ک.ک را درک کردند و از آن جدا شدند. با این حال ، دشمنی پ ک ک با خانواده و ارزش های خانوادگی همیشه پابرجا بوده است.

این بسیار معنا دار است که پ.ک.ک با هدف قرار دادن خانواده از همان روزهای اول به راه افتاد. به این ترتیب، پ.ک.ک تصور می‌کرد که می‌تواند با از بین بردن وابستگی اعضای فامیل به خانواده و از بین بردن ارزش‌های خانوادگی، شبه‌نظامیان بیشتری را به خدمت گرفته و افراد را راحت‌تر دستکاری کند.

دشمنی با خانواده

این خانواده است که جوامع و ملت‌ها را تشکیل می‌دهد و ارزش‌های ملی و اجتماعی را به نسل‌های آینده منتقل می‌کند. بنابراین ملت و جامعه امتداد طبیعی خانواده یا ارزش‌های خانوادگی و روابط خانوادگی هستند. در این ساختار خانواده، نقشهایی به اعضای فامیل داده می‌شود. اگرچه ممکن است این نقشها با توجه به زمانها و فرهنگهای مختلف تغییر کند، اما اساساً نقش خانواده در شکل‌گیری و تعیین ملت تغییر نمی‌کند. بنابراین، هرگونه مشکلی که ممکن است در رابطه با خانواده ایجاد شود، بطور مستقیم به بقای ملت مربوط می‌شود. این بسیار معنا دار است که پ.ک.ک با هدف قرار دادن خانواده از همان روزهای اول به راه افتاد. به این ترتیب، پ.ک.ک تصور می‌کرد که می‌تواند با از بین بردن وابستگی اعضای فامیل به خانواده و از بین بردن ارزش‌های خانوادگی، شبه‌نظامیان بیشتری را به خدمت گرفته و افراد را راحت‌تر رهنمایی کند.

در متون پ.ک.ک از زمان تأسیس، این خانواده به عنوان مبنای مالکیت مورد هدف قرار می‌گیرد، که به ادعای مارکسیستی که بر اساس آن بنا شده است مردم را برده می‌کند. مارکس بقای خانواده را برای قرن‌ها با قداست منسوب به خانواده توضیح داد. از نظر مارکس، خانواده گسترش مدرن یک ساختار کاملاً مقدس بود. بنابراین باید مانند دیگر ساختارهای مالکیت مورد انتقاد قرار گیرد. اوجالان اغلب در انتقادات خود از خانواده به نظریه پردازان اصلی سوسیالیسم و مارکسیسم اشاره می‌کند. این نشان می‌دهد که مارکسیسم اساس ایدئولوژی پ.ک.ک در مورد زنان است، مانند دیگر مسائل.

از این نظر، اوجالان، رئیس سازمان تروریستی پ.ک.ک، حرکت و موقعیت خود در قبال خانواده



را به مواضع پیشگامان انقلاب های کمونیستی در سایر نقاط جهان تشبیه می کند: "مائو همچنین می گوید که نهاد خانواده در چین یکی از زنجیره های اصلی است که جامعه را متصل می کند. برای ما (خانواده) تقریباً اولین زنجیره است. استعمار، سرکوب صاحبخانه ها و ... اگرچه آنها زنجیره ای هستند، اما مانع زیادی از ما نمی شوند. این رابطه است که امروز ما را بیشتر تهدید می کند و باعث از دست دادن فوق العاده قدرت ما شده است. به دلیل مشکلات خانوادگی تعداد زیادی از کارکنان خود را از دست دادیم. در واقع، بسیاری از کادرها به دلیل این رابطه نمی توانند قدرت خود را به طور کامل به انقلاب ارائه دهند." اگرچه عبدالله اوجالان آن را مانعی برای پیوستن افراد به سازمان می داند، اما نباید تصور کرد که وی عزت و خانواده را کاملاً رد کرده است. برعکس، گاهی اوقات این مفاهیم با رهایی از معانی شناخته شده خود در ادبیات اوجالان معانی جدیدی به دست می آورند و در نتیجه ابزاری می شوند. این وضعیت این ایده را به ذهن متبادر می کند که اوجالان تنها با عزت و خانواده مخالف است زیرا او را مانعی برای ستیزه جویی می داند. چون خانواده، شرافت و ... انتقاد از ارزشهای جامعه سنتی یا تعریف مجدد چنین مفاهیمی همواره در رابطه با موفقیت یا مانع حرکت پ ک ک در جامعه مورد توجه قرار گرفته است. انتقاد از درک سنتی از ناموس نیز به عنوان تلاشی برای رفع موانع مشارکت زنان در پ ک ک تلقی می شود. عملیات علیه «ناموس و خانواده» که مانع از پیوستن زنان به پ ک ک می شود، با هدف درک آنها به راحتی از خانه خارج می شود. به سختی می توان گفت تعریف جدیدی که توسط پ ک ک به مفهوم ناموس و خانواده ارائه شده است منجر به دگرگونی در ساختار منطقه شده است اما پس از اینکه پ ک ک پیوند خانواده و ناموس را با این سازمان ربط داد انتقاد از تصمیم زنی که بخواهد به عنوان شبه نظامی به پ ک ک بپیوندد هم برای سازمان ترویستی و هم برای شاخه های سیاسی آن دشوار می شود.

انتقاد از درک سنتی از ناموس به عنوان تلاشی برای رفع موانع مشارکت زنان در پ ک ک تلقی می شود. عملیات علیه «ناموس و خانواده» که مانع از پیوستن زنان به پ ک ک می شود، با هدف درک آنها به راحتی از خانه خارج می شود.

اگرچه اوجالان با خانواده مخالف است. اگرچه براساس این واقعیت است که خانواده امتداد استعمار، ساختار فئودالی آن و ستم بر اعضای خانواده است، اما یک مطالعه دقیق نشان می دهد که دلیل واقعی خصومت خانواده کاملاً متفاوت است. اگرچه اوجالان با رفتار راهبردی خود دین را هدف قرار نداد (در واقع، او خود دین را نیز در برخی نقاط هدف قرار می دهد)، اما اعتراف می کند که انتقاد خانواده در واقع انتقاد از دین است زیرا او خانواده و دین را یکسان می داند: "خانواده زمینه ای است که تأثیرات مذهبی نیز در آن متمرکز است. به همین دلیل است که ما با دین به عنوان یک نهاد جداگانه برخورد نمی کنیم."

مصطفی کاراسو، یکی از مدیران برجسته سازمان ترویستی پ.ک.ک، در روزنامه اوزگور پولیتیکا، که ارگان نشر پ ک ک است، در ۱۹ آوریل ۲۰۱۷ مدعی شد که زمان آن فرا رسیده است که به دنیایی بدون همسر و شوهر فکر کنیم.

"اجازه دهید بار دیگر تأکید کنم، زمان آن فرا رسیده است که به دنیایی بدون دولت، بدون رئیس، بدون صاحبخانه، بدون زن، بدون شوهر فکر کنیم. یک دولت بدون مدیریت، یک زندگی اقتصادی بدون رئیس و رهبر یک زندگی آزاد همسر بدون زن یا شوهر قابل تحقق است. اکنون

زمان آن است که سلطه ایدئولوژیکی ایجاد شده توسط حاکمان را از بین ببریم ، آزادانه ببندیشیم و تمدن دموکراتیک را که از زمان جامعه نوسنگی بر این اساس وجود داشته است ، بر اساس جامعه دموکراتیک به روز کنیم.

اوجالان گاهی اوقات مفهوم خانواده را تحریف می کرد تا مانع از مخالفت خانواده های منطقه با جدایی فرزندانشان از خانواده هایشان و وضعیت آنها در سازمان شود و ادعا می کرد که کل سازمان یک خانواده است و مبارزان سازمان خواهر و برادران هستند.

ضد دین

سخنان کسانی که توسط پ ک ک ربوده شده و سپس به نحوی جدا شده اند ، علنا دشمنی با ارزشهای اخلاقی در پ ک ک را آشکار می سازد. گ. ، که با او مصاحبه کردیم ، گفت که وقتی به پ.ک.ک پیوست ، بلافاصله اوضاع آنجا را درک کرد. گ. با بیان اینکه به دلیل فریب خوردن در زمان کودکی به پ.ک.ک پیوسته بود ، در حال خواندن قرآن بود ، گ. اظهار می کند که از اینکه مردم آنجا با ارزش های اخلاقی دشمنی دارند پشیمان است و تصمیم به ترک آن گرفت.

"منظور من این است که من از لحاظ وظیفه شناسی بسیار درگیر بودم. من در مورد دین بسیار درگیر بودم زیرا در سنین پایین به دوره قرآن رفتم. من فردی هستم که بارها قرآن می خوانم و دعا می کنم چون من آن را از پدرم دیدم. "

گ. بیان می کند که پ ک ک در تلاش است تا یک سیستم ارزشی متفاوت از اخلاق و ارزشهایی که از خانواده خود می بیند ایجاد کند و آنها افرادی را که نمی توانند چنین شخصیتی را در بین خود شکل دهند ، نگه نمی دارد:

"البته اینطور نبود. از نظر فرهنگی و اخلاقی بسیار متفاوت بود. آنها سعی می کنند شخصیت متفاوتی با شما ایجاد کنند. اگر آن شخصیت را بپذیرید ، در آنجا زندگی خواهید کرد ، اما اگر نتوانید آن شخصیت را بپذیرید ، نمی توانید زندگی کنید. "

قیمت رهایی و آزادی: آزار و سوء استفاده

همانطور که مقامات پ ک ک اعلام کردند ، به منظور اجازه دادن به دختران خود برای دفاع از خود در برابر محیط اطراف و مشروعیت بخشیدن به حضور خود در آنجا توسط خانواده هایی که به ارزش های خانوادگی اهمیت می دهند و دختران آنها در اردوگاه های پ ک ک هستند ، محدودیت هایی برای روابط زن و مرد اعمال می شود. روابط عاطفی در اردوگاه های پ ک ک و حتی کسانی که درگیر روابط عاطفی هستند به شدت مجازات می شوند توضیحاتی داده می شود. قابل درک است که آنها همچنین از انتشار اخبار در این مورد اطمینان حاصل کردند.

عبدالله اوجالان ، در اولین سالهای تأسیس سازمان ، چنین روابطی را حقارت خواند. با این حال ، هنگامی که ما در نظر می گیریم که شبه نظامیان مرد در همه سطوح در سازمان های تروریستی غالب هستند ، نمی توان گفت که این امر هرگز عملی نخواهد شد. در حقیقت ، تعداد قابل توجهی از داستانها درباره زانی روایت می شود که مورد آزار جنسی و سوء استفاده جنسی مردان و رهبران سازمان تروریستی ، از جمله عبدالله اوجالان قرار گرفته اند.

یکی از موضوعاتی که افرادی که از سازمان خارج شده اند در اعترافات خود به آن اشاره کردند این است ، اتهامات سوء استفاده یا آزار و اذیت در اردوگاه های پ ک ک و حتی در خانه عبدالله اوجالان در دمشق است که آنها آن را "خانه تجمع" می نامند. دیده می شود که برخی از اعتراف کنندگان

می گویند سوء استفاده در اردوگاه های پ.ک.ک مواردی معمولی است ، در حالی که برخی دیگر از اعتراف کنندگان هر از گاهی در مورد چنین سوء استفاده هایی صحبت می کنند. در منابع مختلف ، مشاهده می شود که رهبر سازمان عبدالله اوجلان ، سوء استفاده از دختران جوان را قانونی می داند و این امر را "رهایی آنها از قالب افتخار تحمیل شده توسط ساختار فئودالی ، یعنی ساختار خانواده کردها" توضیح می دهد. " دیده می شود که بسیاری از مردم ترکیه در هنگام بحث در مورد مسئله کرد سوء استفاده از زنان کودک را در دستور کار قرار نمی دهند. در این مرحله ، اظهارات دیلارام ، که فرصت یافت تا از نزدیک با عبدالله اوجلان آشنا شود ، مهم است. دیلارام ، که اقدام بدخواهانه اوجلان و نحوه واکنش او به آن را توضیح داد ، بعداً گفت که زنانی که این کار را به صورت درونی درآورده اند گفتند: "رئیس جمهور ما را آزاد می کند. آیا نمی خواهید آزاد باشید؟ شما با چشم مردانه به رئیس جمهور نگاه می کنید. آن رئیس جمهور پیامبری است که زنجیرهای خود را شکست. " این نشان می دهد که چگونه رئیس سازمان هر نگرش سازمان را در چارچوب ایدئولوژیکی توجیه می کند.

اسما ، که پس از ۱۴ سال اقامت در اردوگاه های پ ک ک به نیروهای امنیتی تسلیم شد ، گفت که شرایط زندگی زنان در این سازمان بسیار سنگین بود ، روابط عاطفی قبلاً مجاز نبود ، کسانی که

در منابع مختلف ، مشاهده می شود که رهبر سازمان عبدالله اوجلان ، سوء استفاده از دختران جوان را قانونی می داند و این امر را «رهایی آنها از قالب افتخار تحمیل شده توسط ساختار فئودالی ، یعنی ساختار خانواده کردها» توضیح می دهد. « دیده می شود که بسیاری از مردم ترکیه در هنگام بحث در مورد مسئله کرد سوء استفاده از زنان کودک را در دستور کار قرار نمی دهند.



روابط عاطفی داشتند بلافاصله اعدام شدند ، اما بعداً این امر کنار گذاشته شد و فشار روانی بر افرادی که دارای چنین روابطی بودند اعمال شد. ی.ی ، که با او به صورت خصوصی در دیاربکر صحبت کردیم ، بیان می کند که زنان در اردوگاه های پ.ک.ک به عنوان برده و مورد آزار جنسی مردان قرار می گیرند: "آنها مانند برده ها به زنان نزدیک می شدند و کیسه های آرد را بدون توجه به سن آنها بر پشت شان حمل می کردند. احترام وجود نداشت ، گاهی برخی مردان کثیف علیه زنان بودند ، آنها دختران را به گوشه ای می بردند و کارهای کثیف انجام می دادند. "

سوء استفاده سازمان از کودکان

ما شواهد زیادی داریم که نشان می‌دهد پ ک ک کودکان را ربوده و آنها را مجبور به عضویت در سازمان کرده است. دلایل مختلفی وجود دارد که چرا پ ک ک به کودکان روی می‌آورد و سعی می‌کند آنها را به عضویت سازمان درآورد. مهمترین آنها تمایل سازمان تروریستی برای به دست آوردن پویایی مداوم با درج کودکان است ، تمایل خانواده های دارای فرزندان متعدد برای دسترسی همه اعضای خانواده با پیوستن فرزندان خود به سازمان و مهمتر از همه ، به عنوان اعتراف کنندگان ما مصاحبه شوندهگان اظهار داشتند که کودکان هنوز در سنین لازم برای درک کامل زندگی نیستند. پ.ک.ک و شاخه های ان مانند ی پ گ / پ ی د از یک سو ادعا می‌کنند که از حقوق بشر و حقوق زنان دفاع می‌کنند ، از سوی دیگر ، دختران و پسران را که در سنین بسیار کوچک فریب خورده اند

پ.ک.ک و شاخه های ان مانند ی پ گ / پ ی د ، از یک سو ادعا می‌کنند که از حقوق بشر و حقوق زنان دفاع می‌کنند ، از سوی دیگر ، دختران و پسران را که در سنین بسیار کوچک فریب خورده اند ، بازداشت می‌کنند ، آنها را مجبور به مبارزه می‌کند یا آنها را به فعالیت های دیگر در سازمان تعیین می‌کند. این امر در گزارش های متعدد منتشر شده در تاریخ های مختلف منعکس شده است.



، بازداشت می‌کنند ، آنها را مجبور به مبارزه می‌کند یا آنها را به فعالیت های دیگر در سازمان تعیین می‌کند این امر در گزارش های متعدد منتشر شده در تاریخ های مختلف منعکس شده است.

با توجه به اینکه سوء استفاده از کودکان و پذیرش آنها به عنوان اعضای یک سازمان و سوق دادن آنها به درگیری ها یا محیط های خطرناک منجر به وضعیتی خواهد شد که آنها نمی‌توانند حقوق انسانی خود را ارائه دهند ، ظاهراً ی پ گ / پ ی د / پ ک ک با امضای "تعهد به حفاظت از کودکان در برابر آثار درگیری های مسلحانه" توسط سازمان بین المللی موسوم به تماس ژنواگرچه پیام" حسن نیت" را در این مورد ارائه کرده است ، اما بعداً به راندن کودکان به مناطق درگیری ادامه داد. اگرچه مشخص است که بسیاری از کودکان در اردوگاه های سازمان تروریستی پ ک ک آموزش دیده اند و در درگیری ها شرکت کرده اند ، اما پ ک ک تاریخ تولد شبه نظامیان کشته شده را در وب



سایت های خود مانند استقلال و Hpg-sehit.com مخفی می کند ، زیرا از انتقاد سازمان های حقوق بشری مانند فراخوان بین المللی ژنو می ترسد. در این مرحله ، این سازمان ترجیح می دهد برخی از جنگجویان خود را در ابهام قرار دهد ، زیرا تاریخ تولد آنها سن این شبه نظامیان را مشخص می کند.

اسما ، که پس از ۱۴ سال اقامت در اردوگاه های پ ک ک به نیروهای امنیتی تسلیم شد ، گفت که شرایط زندگی زنان در این سازمان بسیار سنگین بود ، روابط عاطفی قبلاً مجاز نبود ، کسانی که روابط عاطفی داشتند بلافاصله اعدام شدند ، اما بعداً این امر کنار گذاشته شد و فشار روانی بر افرادی که دارای چنین روابطی بودند اعمال شد.

مادران و اعتراف کنندگان ، که در مقابل ساختمان ح د پ در دیاربکر برای فرزندان خود نگرانی می کردند و با آنها به طور خصوصی مصاحبه کردیم ، گفتند که فرزندان آنها که به کوه رپوده شده بودند در سن پایین بودند.

مادر فاطما اکباش که دخترش توسط پ ک ک رپوده شد ، در تحصن مقابل ساختمان ح د پ در دیاربکر شرکت کرد. دخترش چهار سال است که مفقود شده است. مادر شک ندارد که اعضای ح د پ در رپودن دخترش سهم دارد. در گفتگوی خصوصی ما ، مادر می گوید که دخترش هنگام رپوده شدن ۱۴ ساله بود ، او تازه دبیرستان را تمام کرده بود و پس از شروع کار در یک نساجی به دلیل شرایط بدش رپوده شد:

"او ۱۴ ساله بود ، دوقلو. پس از پایان تحصیلات متوسطه ، او نیامد. بعداً گفت مرا در آموزش آزاد ثبت نام کنید. "

ی ی از سوی دیگر می گوید که پس از فارغ التحصیلی از دبیرستان از طریق ح د پ به پ ک ک پیوسته است:

"من درس می خواندم ، به کلاس ۸ می رفتم ، بنابراین کلاس ها کمی بد بود. ما ۳ برادر بودیم ، سپس او چهارم شد. (... من جلوی ح د پ رفتم ، آنها در نوروز یا چیزهای دیگر لباس مشابهی پوشیده بودند. گفتم ، حدس می زنم ح د پ نیز در این امر دخیل است. سال ۲۰۱۵ بود. ابتدا به ح د پ رفتم و گفتم که می خواهم به کوه بروم. اول ، آنها گفتند شما خیلی جوان هستید. وقتی من اصرار کردم ، آنها گفتند خوب ، ما شما را می بریم. "

گ. می گوید اکثر افرادی که در اردوگاه های پ ک ک می بیند ۱۴-۱۶ ساله هستند و کسانی که در



۲۰ سالگی به این سازمان می پیوندند نادر هستند. زیرا گول زدن جوانها آسانتر بود. یکی دیگر از اظهارات شگفت انگیز گ. در این مورد این بود که او کودکی را مشاهده کرد که در ۹ سالگی به سازمان پیوست:

"من خودم شاهد پیوستن یک کودک ۹ ساله به سازمان بودم. به طور کلی ، اکثر شرکت کنندگان ۱۴ ، ۱۵ و ۱۶ ساله هستند. من به ندرت شرکت کنندگان ۲۰ ساله را دیده ام. زیرا آنها جوان و بیهوش هستند و فریب آنها آسان تر است. اما شما نمی توانید یک دختر ۲۰ ساله بزرگسال را فریب دهید. "

در یک دولت قانونی تحت حاکمیت دموکراسی مانند ترکیه ، واضح است که یک حزب سیاسی در چنین شرایطی باید چه کار کند. هنگامی که یک کودک می خواهد توسط یک سازمان تروریستی مورد سوء استفاده قرار گیرد ، لازم است وضعیت را به نیروهای امنیتی گزارش داده و از تحویل کودک به خانواده اش اطمینان حاصل کنید. با این حال ، سازمانهای ح د پ ، که تقریباً مانند شاخه نظامی سازمان تروریستی عمل می کنند ، به آنها اجازه می دهند با بازداشت غیرقانونی آنها در ساختمانهای خود به کوه بروند ، چه برسد به تحویل آنها به خانواده هایشان.

در مجموع ۱۳۱ نفر در سال ۲۰۱۸ به این سازمان پیوستند. تعداد زنان در میان آنها ۳۹ نفر است. همه این زنان در سن کودکی هستند. میزان این مشارکت در سن کودکان در کل مشارکت ۲۹/۷۷ درصد است.

بخش سوم

گسترش منطقه سرزمینی پ ک ک: خط ح آ د پ - ح د پ یا "منطقه حقوقی"

در ۷ ژوئن ۱۹۹۰، برخی از نمایندگان که پس از بحران در حزب سوسیال دموکراتیک پوپولیست اخراج شدند، حزب کار مردم را تأسیس کردند که بر اساس ایدئولوژی قومی-سوسیالیستی بود. چهره های مهم چپ مانند عبدالله باشتورک و فهمی ایشیکلار که بعداً به حزب پیوستند، نماینده ایدئولوژی سوسیالیستی این حزب بودند. در نتیجه ایجاد اتحاد انتخاباتی با س ح پ در انتخابات ۱۹۹۱، ح ا پ حق نمایندگی از ۲۲ نماینده را در مجلس بزرگ ملی ترکیه به دست آورد. بنابراین، خط ج ح پ در تاریخ سیاسی ترکیه از همان ابتدا از نمایندگی و تقویت احزاب سیاسی، که گسترش قانونی تروریسم هستند، در مجلس بزرگ ملی حمایت کرده است. وقتی به عناصر مشترک بین خطوط ج ح پ و ح د پ نگاه کنیم، می توانیم این موضوع را بهتر درک کنیم. هر دو حزب نماینده روشنگری ژاکوبینی هستند. در حالی که ج ح پ همچنان مدافع نوعی دیکتاتوری طبقاتی بود، خط ح د پ هم شعارهای چپ حاشیه ای، فمینیسم رادیکال و دیگر گروه های حاشیه نشین را پذیرفته بود و هم از زمان تأسیس روابط خود را با تروریسم قطع نکرده است.

با این حال، نگرش (سوگند کردی و غیره) که توسط ح ا پ در مجلس بزرگ ملی ترکیه مطرح شد، بحران ایجاد کرد. این وضعیت منجر به آغاز روند جدیدی در زندگی سیاسی ترکیه و درک جدیدی از سیاست حامی خشونت های تروریستی شد. زیرا خط ح ا پ - ح د پ بعنوان احزابی پدید آمد که برخلاف احزاب دیگر مسئله کرد را در مرکز سیاست خود قرار داده و در عین حال مرکز سیاستی شد که دائماً در زمینه حوادث تروریستی مورد بحث قرار می گرفت. سنت سیاسی ح ا پ - ح ا د پ دا ح پ - د ا پ، که از وجود پ ک ک و بخش قابل توجهی از دیدگاه های آن در چارچوب سیاسی قانونی دفاع می کند، از دهه ۱۹۹۰ منجر به گنجاندن هویت قومی در سیاست شده است. نقش مهمی در انتخاب رأی دهندگان داشت. این واقعیت که این خط مشی با سیاست منفی خود مطرح شده است و تعداد آرائی که از روز تأسیس به مجلس بزرگ ملی ترکیه وارد خواهد شد باعث آسیب به تمامیت و وحدت ملی در جامعه ترکیه شده است و منجر به برجسته شدن ترجیحات هویت محور رای دهندگان، گفتمان هویت در احزاب سیاسی و سیاست های ناسیونالیستی شده است.

نکته دیگری که این ساختار در دستور کار سیاست قرار داد درک حزب منطقه ای است. احزاب در خط ح ا د پ - ح د پ ؛ حقوق بشر ، حقوق زنان و غیره آنها به دلیل سیاست های خود در مورد مشکلات یک منطقه خاص ، به جز مسائل خاص ، مشهور شده اند. اگرچه این احزاب اعلام کردند که عموماً در برنامه های حزبی خود به مشکلات ترکیه علاقمند هستند ، اما مشکلات مناطق شرقی و جنوب شرقی آناتولی را در چارچوبی ایدئولوژیک در سیاست فعال مطرح کردند. مسئله دیگری که در سیاست خطوط ح د پ - ح ا پ برجسته شده است ، مسئله زنان است. برجسته سازی مسئله زنان توسط احزاب در این زمینه ابتکار خود آنها نیست ، بلکه یکی از ابزارهایی است که پ ک ک از زمان تأسیس به آن تکیه کرده است. تاکید او بر زنان ، آزادی ، دموکراسی و حقوق دگرباشان جنسی به منظور پنهان کردن ایدئولوژی واقعی و ارتباط وی با تروریسم است.

رابطه خط ح ا د پ - ح د پ با پ ک ک

در پ ک ک ، تاریخ خط سیاسی قانونی در واقع بر اساس سیاست چپ یا سازمان های چپ استوار است. کسانی که ح ا پ را تأسیس کردند ح پ را ترک کردند. کسانی که قبل از ۱۲ سپتامبر در (حزب کارگران ترکیه) و (انجمن های فرهنگ انقلابی شرق) مسئولیت خود را آغاز کردند ، از دهه ۱۹۹۰ شروع به مشارکت در احزاب در خطوط ح ا پ - ح ا پ کردند. امروزه می توان پیشینه تاریخی اتحادهای مخفیانه میان ح ج ح پ و ح د پ را بر این اساس توضیح داد. احزابی که در راستای ح ا پ یا سیاستمداران در این احزاب سیاست می کنند ، فارغ از فاصله گرفتن از سازمان تروریستی ، اغلب از این سازمان حمایت کرده و دستورات عملی های آن را دنبال کرده اند. به عنوان مثال ، تحریم آنها در انتخابات در سال ۱۹۹۴ به دعوت عبدالله اوجالان محقق شد. همانطور که در قسمتهای مربوط به کار در دست شما آمده است ، مشخص است که ایدئولوژی اساسی که سیاست حزب را تشکیل می دهد ، با قانونی شدن ایدئولوژی پ.ک.ک با روتوشهای جزئی شکل گرفته است و تحولات در سیاست حزب به موازات تغییرات و تحولات در پ ک ک بوجود آمده است .

ح د پ دارای گفتمانهای مشابه با پ ک ک ، انجام فعالیتهای مشابه یا مشترک ، نوروز و غیره است. ارزش های فرهنگی مشابه ، آزادی زنان و به اشتراک گذاشتن دیدگاه های مشترک در مورد فمینیسم ، تصور مشروعیت را در درباره مردم منطقه در مورد سازمان تروریستی پ.ک.ک ایجاد می کند. در این زمینه ، مشارکت در سازمان تروریستی پ.ک.ک در بسیاری از نقاط از طریق ح د پ ناشی از این تصور از مشروعیت است ، به ویژه در ذهن جوانان. دختران نوجوان پیوستن به پ.ک.ک را به عنوان یک فعالیت سیاسی عادی تلقی می کنند ، آنها این مکان ها را اردوگاه های قانونی جوانان ح د پ می دانند یا به این ترتیب نشان داده می شوند. ماجراجویی ی.ی برای پیوستن به پ ک ک در سنین پایین می تواند به عنوان شاخصی از نحوه شکل گیری این تصور خوانده شود. وقتی کودکان متوجه می شوند آنچه به آنها گفته می شود واقعیت ندارد ، دیگر دیر شده است و خود را در اردوگاه های سازمان تروریستی می بینند. وقتی می خواستند فرار کنند ، دستگیر و زندانی شدند: "من به ح د پ رفتم ، آنها در نوروز یا چیزهای دیگر لباس مشابهی پوشیده بودند. گفتم ، حدس می زنم ح د پ نیز در این امر دخیل است. سال ۲۰۱۵ بود. ابتدا به ح د پ رفتم و گفتم که می خواهم به کوه بروم. اول ، آنها گفتند شما خیلی جوان هستید. وقتی من اصرار کردم ، آنها گفتند خوب ، ما شما را می پریم. سپس یک شب در ساختمان ح د پ در دیاربکر اقامت داشتیم. ۲۰ شب در ماردین ماندم و سپس به سوریه رفتم. می خواستم آنجا فرار کنم. من فرار کردم ، آنها مرا در مرز گرفتند درست در حال فرار بودم. این اولین فرار من بود ، آنها مرا گرفتند و به زندان انداختند.

(...) من یک هفته در سوریه ماندم و سپس به هر حال فرار کردم. ماردین از مرز قابل مشاهده بود ، اعضای پ ک گ گرفتار شدند ، من ۱۴ ساله هستم ، ۸ ماه در زندان بودم. سپس به کوه رفتیم. « روابط احزاب در راستای ح آ د پ - ح د پ با سازمان تروریستی پ.ک.ک همواره موضوع بحث بوده است ، بنابراین حزب و مدیران و اعضای آن بارها مورد بررسی های حقوقی قرار گرفته اند. در نتیجه تحقیقات ، طرفین بسته شدند. اگرچه رهبران حزب گفتند که آنها عموماً خشونت را محکوم می کنند ، اما آنها به صراحت سازمان تروریستی پ.ک.ک و کشتارهای آن را محکوم نکردند ، برعکس ، در مراسم تشییع جنازه های سازمان تروریستی شرکت کردند که در درگیری با نیروهای امنیتی کشته شدند . و مانند سایر موضوعات ، گفتمانی نزدیک به پ.ک.ک در مورد زنان را ترجیح داد. از سوی دیگر ، در حالی که مدیران ح د پ خشونت را محکوم کردند ، آنها به طور ضمنی یا صریح دولت و سازمان تروریستی را در یک مقیاس قرار دادند.

سازمانهای ح د پ مانند "مرکز استخدام اعضای سازمان پ ک ک" کار می کنند

حتی توصیف احزاب در راستای ح آ د پ - ح د پ با توصیفی نزدیک به پ ک ک ناقص خواهد بود. زیرا پ.ک.ک از روزی که این احزاب تاسیس شده اند از این احزاب حمایت کرده است و آنها را به عنوان یک زمینه قانونی می داند که تبلیغات آنها را انجام داده و اعضای سازمان را جذب کرده است. احزاب در این خط ، تحت عنوان مبارزه برای آزادی و دموکراسی ، به پ.ک.ک کمک کردند تا با توده مردم پیوند برقرار کند و سعی کردند مبنای مشروعیت اقدامات سازمان را ایجاد کنند. اگرچه آنها ادعا می کنند که آنها حزب ترکیه هستند ، اما این گروه را به عنوان هدف انتخاب کرده است تا مشکلات سازمان را ، نه ترکیه را ، در دستور کار ترکیه قرار دهد. ح د پ هرگز دموکراسی ، حقوق بشر ، حقوق زنان ، فقر و غیره را ترویج نکرده است. واقعا با مشکلات برخورد نکرد هدف اصلی ح د پ و احزاب این خط همواره گسترش حاکمیت پ.ک.ک و تلاش برای ایجاد محیطی است که در آن گفتمان های پ.ک.ک با همان گفتمان ها بازتاب یابد. از اظهارات کسانی که سازمان را ترک کردند ، مادران دیاربکر که با آنها مصاحبه کردیم و اعتراف کنندگان ، مشخص می شود که سازمان های استانی یا ناحیه ای ح د پ در منطقه و انجمن های نزدیک به ح د پ به عنوان مرکز استخدام شبه نظامیان برای پ ک ک کار می کنند. یا "آماده شدن برای رفتن به کوه به عنوان یک مبارز ، یک مرکز آگاهی". همچنین قابل درک است که آنها ارتباط بین خانواده های ربوده شده توسط پ ک ک را تضمین کرده و مردان خود را به خانواده ها فرستادند تا خانواده ها را متقاعد کنند که به دنبال فرزندان خود هستند.

ح د پ هرگز دموکراسی ، حقوق بشر ، حقوق زنان ، فقر و غیره را ترویج نکرده است. واقعا با مشکلات برخورد نکرد هدف اصلی ح د پ و احزاب در این خط همواره گسترش حاکمیت پ.ک.ک و تلاش برای ایجاد محیطی است که در آن گفتمان های پ.ک.ک با همان گفتمان ها بازتاب یابد.

روابط احزاب مانند ح د پ ، که نام قانونی را در اصطلاحات پ.ک.ک در نظر گرفته اند ، با پ ک ک بارها موضوع کیفرخواست بوده است. این موضوع در کیفرخواستی که در سال ۲۰۲۰ در چارچوب تحقیقات انجام شده توسط دادستانی عمومی غازیانتاب در مورد ساختار سازمان جدایی طلب تروریستی پ.ک.ک/انجمن های کردستان (ساختار شهری) در مرکز شهر تهیه شده بود ، به وضوح

بیان شد. از اسناد به دست آمده در پایان این عملیات چنین بر می آید که پ ک ک همواره فعالیت های خود را با همکاری ح د پ برای دور نگه داشتن از پیگرد قانونی و قانونی نشان دادن فعالیت های خود انجام می دهد و در صورت انجام هرگونه عملیات نظامی این پیام را می دهد که این یک مانور سیاسی است. بر اساس اطلاعات بدست آمده از این اسناد ، به دست آوردن هویت سیاسی افرادی که در واقع تروریست هستند اهمیت داده شد. اتحادیه پ.ک.ک/کردستان ، سازمان منطقه زنان مستقیماً در "مجمع زنان" ح د پ سازماندهی شد و فعالیتهای سازمان منطقه زنان مستقیماً به عنوان "فعالتهای مجمع زنان" انجام شد. همین امر در مورد ساختارهای جوانان صادق است.

مادران و اعتراف کنندگان که با آنها مصاحبه کردیم می گویند که ساختمان های حزب ح د پ تبدیل به مراکزی شده است که اعضای سازمان را به خدمت می گیرند. خانواده ها می دانند که وقتی فرزندان شان ناپدید شدند چه کسانی آنها را به کوه برده اند. اقدامات مادران در مقابل ساختمان ح د پ در این زمینه بسیار مهم است. تاکنون بسیاری از خانواده ها برای یافتن فرزندان خود به ساختمان ح د پ رفته اند.

مادران و اعتراف کنندگان که با آنها مصاحبه کردیم می گویند که ساختمان های حزب ح د پ تبدیل به مراکزی شده است که اعضای سازمان را به خدمت می گیرند. یکی از آنها فاطما اکباش از مادران دیاربکر بود. اکباش آشکارا تأکید می کند که ح د پ مسئول ربودن دخترش سونگول اکباش است. فاطما اکباش گفت که دخترش بعد از دبیرستان درس نخوانده است ، بنابراین در مغازه لباس فروشی شروع به کار کرد. او می گوید که ۱۲ روز بعد از اینجا رفت و معتقد است که تصمیم گرفت با ورود به ساختمان ح د پ در نزدیکی محل کار خود در این مدت کوتاه به پ ک ک بپیوندد. سانگول ۱۴ ساله بود ، دوقلو بود ، دبیرستان را تمام کردند و بعد نرفت (... جایی در انتهای خیابان ما بود - صد متر با خانه فاصله نداشت - جایی بود که لباس شب می فروخت او ۱۲ روز در آنجا کار کرد. (... او ظرف ۱۲ روز شناسنامه خود را از خانه گرفت. (... این بدان معناست که آنها شناسنامه خواسته اند. (... این بدان معناست که او رفت و با ح د پ ثبت نام کرد. (... یعنی روزی که او گفت به بیمارستان می رود ، به ح د پ رفته است "

بازیهای سیاه نمایی

در دیدار ما با فاطما اکباش یک نکته به ویژه توجه من را به خود جلب کرد. او می گوید که آنها از دخترش سانگول هنگام کار در مغازه لباس شب او عکس گرفتند تا از آنها به عنوان "مدل" استفاده کنند. این تصاویر احتمالاً با فتومونتاز بازسازی شده و برای باج خواهی از افرادی که مایل به پیوستن به سازمان نیستند مورد استفاده قرار گرفته است. سوء ظن فاطما اکباش به نقاشی ها و اتهام او به مغازه دار این را به وضوح آشکار می کند.

"در ظرف ۱۲ روز ، آنها شناسنامه او را گرفتند و ثبت کردند ، عکس او را گرفتند. و من گفتم ، آنها عکس شما را می گیرند ، نباید آن را به کوه یا چیز دیگری بفرستند زیرا یکی از همسایه های ما گفت من صاحب آن مغازه را در سوریه دیدم ، البته نمی دانم زیرا من آن را ندیدم با چشم خودم مامان ، آنها لباس مرا می پوشند و عکس من را می گیرند ، وقتی از آنها خواستم ، گفتند ما از بدن شما به عنوان مدل استفاده می کنیم بدون اینکه صورت شما را بگیریم. "

خانواده‌ها می‌دانند که وقتی فرزندان‌شان ناپدید شدند چه کسانی را به کوه بردند. اقدامات مادران در مقابل ساختمان‌ها در این زمینه بسیار مهم است. تاکنون بسیاری از خانواده‌ها برای یافتن فرزندان خود به ساختمان‌ها در پ‌رفته‌اند. مادر فاطما اکباش نیز همین کار را کرد. او با فکر کردن درباره حوادث آدم ربایی مشابهی که قبلاً در خانواده رخ داده بود، به ریاست استان‌ها در پ‌ می‌رود. وقتی مادر ناراحت می‌بیند که دختری در اتاقی وجود دارد، فکر می‌کند که دخترش نیز ممکن است آنجا باشد، او سعی می‌کند وارد شود اما آنها به او اجازه ورود نمی‌دهند. پس از دیدن دخترش در کانال یوتیوب و گفتن این مطلب به اطرافیانش، برخی از مردم‌ها در پ‌ برای دلجویی از مادر به خانه می‌آیند. او برای آخرین بار از این مادر داغدار پرسید: "آیا مطمئن هستید که اعضای‌ها در پ‌ بودند که دخترتان را به پ.ک.ک بردند؟" بدون تردید وقتی پرسیدم: "من کاملاً مطمئن هستم که اگر آنها خانه من را نمی‌گرفتند چرا می‌آمدند." پاسخ به این سوال نشان می‌داد که این مادر هیچ تردیدی در مورد نحوه تبدیل مراکز‌ها در پ‌ به مراکز جذب تروریست ندارد. اعتراف‌کننده پ.، که در دیاربکر با او خصوصی صحبت کردیم، همچنین توضیح داد که سفر وی برای پیوستن به پ‌ک‌ک در ساختمان‌ها در پ‌ آغاز شد. در مقابل، به پ. وعده حقوق و برآوردن نیازهای خانواده اش داده شد:

"وقتی در کلاس ۶ و ۷ بودم، دوستی داشتم به نام محمت، که در طول کلاس با او ملاقات کردم. ما هنوز در فیس بوک با او صحبت می‌کردیم. به او گفتم باید کارکنم تا پول را به خانه بیاورم. او گفت که من باید به ساختمان استان‌ها در پ‌ بروم، من می‌توانم اینجا جای بیزم و نظافت کنم و حقوق خوبی در شغل دولتی دارم. با هم به ساختمان استان‌ها در پ‌ رفتیم. وقتی به آنجا رسیدیم، آنها شروع به صحبت ایدئولوژیک کردند و گفتند که اگر به آنها ملحق شوم، آنها می‌توانند کمک زیادی به خانواده من کنند." در اینجا، پ‌ به مدت دو روز در خوابگاه می‌ماند و هنگامی که پس از تماس خانواده اش تصمیم می‌گیرد به خانه بازگردد بازی دیگری از سرپرست آنها شروع می‌شود. از آنجا که آنها می‌دانند که پ‌ فقیر و نیازمند کار است، به او می‌گویند که او در سیلوان شغل دارد و او را به زمین خالی می‌برند. "ما در یک زمین مسطح فرود آمدیم. آیا می‌توان در این فضای خالی کار نظافت انجام داد؟ من فکر کردم. سپس به من گفتند که دو دوست می‌آیند و مرا می‌برند. گفتم نمی‌خواهم اینجا بمانم. آنها حدود دو ساعت سعی کردند مرا متقاعد کنند. آنها تبلیغ کردند که شما کرد هستید و کردیت شما در ترکیه پذیرفته نیست."

در گزارش سال ۲۰۱۳ کمیسیون حقوق بشر مجلس شورای ملی ترکیه منعکس شده بود که افرادی بودند که به بهانه جذب و جمع‌آوری کمک برای سازمان تروریستی پ‌ک‌ک ثروتمند شدند. این بدان معناست که استخدام به یک بخش ثبت نشده تبدیل شده است. اظهارات منعکس شده در گزارش به شرح زیر است:

"مظفر ارسلان، شهردار شهرستان ساسون استان باتمان که ۲ برادر و ۱ برادرزاده خود را در درگیری‌ها به سازمان تروریستی پیوسته بودند از دست داده، به انبوه روابط نامشروع که سازمان تروریستی در منطقه وارد کرده است اشاره کرد که پ‌ک‌ک جوانان را فریب داده است. شعارهایی مانند "برای کردستان" و "این کشور متعلق به ما است." او اظهار داشت که برخی افراد از طرف این گروه کارکنان و پول جمع‌آوری کردند و با پول جمع‌آوری شده در استانبول بسیار ثروتمند شدند. وی شنیده بود که میان این گروه و نگهبانان روستا سلاح، مهمات و برخی اقلام معامله می‌شود و اسلحه، نارنجک، بی‌سیم و چیزهای دیگر به فروش می‌رسد."

موضوع زنان ، جنسیت و خانواده

در این روند تا زمانی که ح آ د پ ، ح ا پ و د ا پ سیاست جداگانه ای برای زنان نداشتند ، برای زنان فقط در گفتمان سیاسی عمومی جا داده می شد ، زنان زیر یک سقف جداگانه در داخل حزب سازماندهی نمی شدند ، صرف با ح آ د پ به حیات خود در عرصه سیاسی ادامه داد. برای مدت طولانی ، زنان در حزب شرکت می کردند و تحت نام کمیسیون مرکزی زنان سازماندهی می شدند. در یک شورای حزبی ۳۰ نفره که توسط کمیته بنیانگذار ح آ د پ ، که در ۱ مه ۱۹۹۴ تشکیل شد ، فقط یک زن عضو بود. ورود این زن به شورا احتمالاً پیامی برای پ ک ک بوده است. این عضو زن در مجمع حزب که نام وی سراب موتلو بود، خواهر بزرگتر مظلوم دوغان ، یکی از موسسان گروه پ ک ک است که در متون سازمان تروریستی به نام چاغداش کاوا نامیده می شود و هنگامیکه در زندان دیاربکر محکوم بود، در ۲۱ مارس در حبس خودکشی کرد.

در برنامه حزب هم زنان در بخشی که ح آ د پ از آن استقبال می کرد قرار نگرفتند. بخش مربوط به دموکراتیزه شدن دولت در برنامه ح آ د پ شامل اقدامات لازم برای برابری جنسیتی بود. افزایش فعالیت و سازماندهی زنان در ح آ د پ همزمان در سال ۲۰۰۰ است. در کنگره ح آ د پ در سال ۲۰۰۰ ، سازمان های زنان و جوانان به عنوان ساختارهای تقریباً خود مختار تعیین شدند. مسئله زنان در اساسنامه کمیسیون مرکزی زنان ح آ د پ در دستور کار قرار گرفت و در آن گفتاری، شبیه گفتار پ ک ک استفاده شد:

"هدف ما (...) آشکار کردن اراده جمعی زنان و ایجاد مدیریت جمعی آنها با دیدگاه ایدئولوژی زنان است. سبک ها ، نگرش ها و رفتارهای مشارکتی که به این امر کمک نمی کند ، به جنسیت آنها اعتماد ندارد ، غیرقابل قبول است. "

قابل درک است که عباراتی مانند "ایدئولوژی زنان" ، "عدم اعتماد به جنسیت" ، "شیوه همکاری" در متن از بیان ایدئولوژی فمینیستی یا سازمان های زنان وابسته به پ ک ک گرفته شده است که متن به صورت موازی ایجاد شده است. با متون پ ک ک ، و تقریباً مانند کمونیست در دوران شوروی است.

سازمان زنان ح آ د پ نه تنها از شعارهای پ.ک.ک تقلید نکرد بلکه در سال ۲۰۰۲ ، ح آ د پ اثری اوجالان "کشتن یک مرد" را به عنوان ماده آموزشی برای سازمان های زنان تعیین کرد. چنین به نظر می رسد، پیش نویس های آموزشی که برای سازمان های زنان خود تهیه کرده بود ، مشابه پیش نویس های آموزشی سازمان پ ک ک برای اعضای سازمان زنان بود. به عنوان مثال ، این پیش نویس ها شامل موضوعاتی مانند "ایدئولوژی آزادی زنان" و "نظریه جدایی از مردان" بود.

هم در اساسنامه حزب و هم در برنامه حزب ح د پ ، بیانیه هایی در مورد زنان و برابری جنسیتی گنجانده شده است و بیان شده است که از حقوق افراد همجنسگرایان در هر بستری دفاع خواهد شد. علیرغم اعلام این که آنها در کنفرانس زنان در آنکارا حزب را "حزب زنان" می دانند و مدام در مورد پایان ساختارهای تحت سلطه مردان در اسرع وقت صحبت می کنند ، آنها در مورد سوء استفاده از زنان ، تجاوز و آزار و اذیت زنان ، دختران ربوده شده و خشونت های تروریستی مردان در سازمان تروریستی پ.ک.ک. چیزی نگفتند و در مورد بهبود وضعیت عبدالله اوجالان ، رئیس سازمان تروریستی صحبت کردند.

هدف برنامه ح د پ این است که هر فرد و سازمانی را که با انواع تبعیض ها و استثمارها از نظر کار ، هویت های قومی و مذهبی ، زنان ، گرایش جنسی و هویت جنسیتی ، محیط و منابع طبیعی مخالف است، گرد هم بیاورد تا مردم قادر به فراهم سازی اداره دموکراتیک خود شود. قابل ذکر است که

در هر فرصتی در برنامه حزب از حقوق افراد همجنسگرایان و افراد لزبین صحبت به عمل می آید. سازمان زنان ح د پ بر اساس مجامع زنان است. هدف شورای زنان "تغییر سیاستی که به عنوان یک حوزه قدرتمند و انحصاری مردانه تصور می شود، دموکراتیزه کردن، افزایش مشارکت زنان در سیاست، اجتماعی کردن سیاست، توسعه مکانیسم ها و ابزارهای سیاستگذاری مستقیم است که زنان را قادر می سازد تا نظر خود را بیان کنند و تصمیم گیری در مورد زندگی خود و آشکار کردن اراده خود". بر این اساس، سیستم ریاست مشترک در اداره حزب و شهرداری ها ایجاد شده است. در برنامه حزب ح د پ، به هیچ عنوان به خانواده یا مشکلاتی که خانواده تجربه می کند اشاره نشده است. تنها از "استثمار نیروی کار زنان در خانواده" نام برده می شود و این وضعیت با یک مفهوم منفی در دستور کار قرار می گیرد. در بخشی از برنامه این حزب در مورد زنان، به جای حقوقی که به زنان داده می شود و یا تغییراتی که به نفع زنان ایجاد می شود، از دیدگاه ایدئولوژیکی استفاده می نماید و از یک زبان فمینیستی رادیکال استفاده می شود. در فصل خانواده، ذکر شده است که زنان در "جامعه تحت سلطه مردان" مورد پذیرش فمینیسم تحت ستم و استثمار قرار می گیرند و ذکر شده است که آنها در مبارزه آزادی خواهانه در کنار زنان خواهند بود. در برنامه حزب به خشونت مردان و دولت علیه زنان اشاره می نماید و استدلال می کند که سقط جنین حق زن است. مشاهده می شود که عبارات فمینیستی در برنامه ح د پ بسیار شبیه به عبارات زن فمینیست زن پ. ک. ک. است که وی ساکینه جانسز نام داشت و در نتیجه درگیری درون سازمانی در پاریس کشته شد. ساکینه جانسز همچنین دولت و مردان را متهم می کند که با شناسایی زنان از خشونت علیه آنها استفاده می کنند.

در برنامه حزب ح د پ، به هیچ عنوان به خانواده یا مشکلاتی که خانواده تجربه می کند اشاره نشده است. فقط از «استثمار نیروی کار زنان در خانواده» نام برده می شود و این وضعیت با یک مفهوم منفی در دستور کار قرار می گیرد.

ح د پ با اتخاذ نظرات حاشیه ای با نادیده گرفتن ارزشهای تاریخی جامعه ترکیه در تاریخ سیاست ترکیه، خود را متعهد به دفاع از حقوق افرادی با گرایش های جنسی مختلف با قرار دادن آن در قوانین داخلی خود کرده است. حتی ج ح پ که سالها نماینده سیاست چپ گرا بود، عناصری را که می توان به عنوان حمایت از فمینیسم و یا همجنسگرایان یا لزبین در نظر گرفت باشد را در برنامه حزب خود قرار نداده است. عبارت بند (ای) ماده ۲ اساسنامه ح د پ به شرح زیر است: "توسعه مبارزه با خشونت، محرومیت، تبعیض، جنایات نفرت و گفتارهایی که افراد لزبین، همجنسگرا، دوجنسگرا و تراجنسیتی در زندگی عمومی و اجتماعی ناشی از دگرجنس گرایی در معرض آن قرار می گیرند..."

دیدگاه های مشابه نیز در برنامه حزب گنجانده شده است:

"حزب ما دگرجنس گرایی را نوعی نژادپرستی می داند. این حزب علیه تبعیض و خشونت مبتنی بر همجنس هراسی و ترنس هراسی علیه افراد لزبین، همجنسگرا، دوجنسگرا و تراجنسیت (لزبین، همجنسگرا، دوجنسگرا و تراجنسیتی) مبارزه می کند. حزب ما با استدلال اینکه آزادی افراد دگرپاش

جنسی باعث آزادسازی دگرجنسگرایان می شود ، با سخنان نفرت انگیز و جنایات نفرت که ناهمجنس گرایی را به عنوان یک ضرورت نشان می دهد و تحمیل می کند، مبارزه می نماید. " استفاده از عبارات تحقیرآمیز مانند ترسنفوبیک نسبت به افرادی که در صفحات ح د پ علیه افراد لزبین، همجنسگرایان، دوجنسگرا و تراجنسیتی تظاهرات می کنند و اعلام اینکه افراد نزدیک آنها از لزبین، همجنسگرا، دوجنسگرا و تراجنسیتی ها در برابر این حملات دفاع می کنند ، به وضوح گرایش حزب در این زمینه را آشکار می کند. علاوه بر این ، انجمن های خطوط دگرپاش جنسی همبستگی خود را با ح د پ در مورد حقوق دگرپاشان جنسی نشان نمی دهند. به عنوان مثال ، یک انجمن در وب سایت خود اعلام می کند که ح د پ در انتخابات محلی افرادی با گرایش های جنسی مختلف را معرفی کرده است و اسامی این نامزدها را اعلام می کند.

سوء استفاده از زنان

به نظر می رسد احزاب همسو با ح د پ نسبت به مشکلات زنان در سایر نهادها و سازمان ها بسیار حساس هستند و دائماً در مورد مشکلاتی که زنان در طول کار در پارلمان با آنها روبرو هستند ، سوال می کنند یا این مسائل را مطرح می کنند. با این حال ، هیچگاه دیده نمی شود که خط مشی ح د پ مشکلاتی را که زنان در پ.ک.ک. تجربه کرده اند ، یا مشکلاتی که پ.ک.ک. بر زنان تحمیل کرده ، آزار و سوء استفاده آنها ، ساختار مردسالارانه پ.ک.ک. و مواضع ضد خانوادگی پ.ک.ک. ، معلم زن کشته شده و دخترانی که در کودکی به کوه ربوده شدند را از خود نشان دهد. در سال ۲۰۲۰ ، منصور ایشیک نماینده ح د پ از استان موش در مجلس به دلیل اعمال خشونت علیه همسرش تحت تعقیب قرار گرفت. با انعکاس این حادثه در مطبوعات ، هیئت انتظامی ح د پ منصور شاهین را با مجازات دو سال اخراج از حزب محکوم کرد. بعدها مشخص شد که توما چلیک نماینده مردم استان ماردین در مجلس به زنی تجاوز کرده است. این واقعیت که رهبری حزب از این امر آگاه بودند و سعی کردند قربانی را از پرونده منصرف کنند، و اینکه کمیته انضباطی حزب تصمیم گرفت توما چلیک را از حزب اخراج کند تنها پس از گزارش حادثه در مطبوعات میزان سوء استفاده زنان از ح د پ را فاش می کند. اگرچه ابرو ایشیک، همسر منصور ایشیک، گفت که هیچ خشونتی رخ نداده است، اما این واقعیت که منصور ایشیک بیانیه ای صادر کرده و از خود ، حزیش و همه زنان عذرخواهی کرده است، حقیقت این حادثه را آشکارا نشان می دهد. واضح است که ح د پ در اینجا موضع ناسازگاری اتخاذ کرده است. در حالی که مقامات حزب ح د پ از تجاوز، خشونت و سوء استفاده در مطبوعات انتقاد می کنند، آنها این را به یک دیدگاه یا حزب سیاسی خاص نسبت می دهند، اما یک رویداد مشابه را که در حزب خود آنها رخ داده است را به عنوان یک نگرش فردی توضیح می دهند.

توما چلیک که مورد تجاوز قرار گرفته و متضرر بوده می گوید که وی را تهدید کردند که از شکایت خودداری کند و برخی نمایندگان ح د پ به این حادثه علاقه ای ندارند و سعی کردند آن را پنهان کنند. ابرو گنای نماینده ح د پ از استان ماردین در مجلس، با عبدالقادر نویسنده روزنامه حریت تماس گرفت و گفت: "او به هیچ وجه با من از آزار و اذیت ، تجاوز یا خشونت سخن نگفت." من برای محافظت از زن اقدام کردم. اگر آن روز از آنچه امروز در مطبوعات منعکس شده بود مطلع می شدیم، به او رحم نمی کردیم. در غیر این صورت ، من از متجاوز محافظت نخواهم کرد. در زمینه من به کسی رحم نمی کنم... " ح د پ تا کنون آزار و سوء استفاده در پ.ک.ک. و رفتار زنان کرد در مطبوعات را محکوم نکرده است. به همین دلیل ، نمی توان این اظهارات را جدی گرفت.

بخش چهارم

رویای ترسناک سازمان تروریستی: مادران دیاربکر

قدرت مادران

تروریسم تنها یک مسئله امنیتی نیست. تا زمانیکه با تروریسم و اقتصاد، فرهنگی و غیره همه با هم مبارزه صورت نگیرد، پایان یافتن تروریسم و رسیدن مردم منطقه به آرامش دشوار به نظر می‌رسد. در این زمینه، همانطور که بارها تکرار کرده ایم، حمایت مردم منطقه در مبارزه با تروریسم همیشه بسیار مهم بوده است. از آنجا که سازمان تروریستی می‌داند که این خانواده به عنوان سپری محافظ در برابر تروریسم عمل می‌کند، از ابتدا علیه ارزشهای خانوادگی و نقشهای سنتی خانواده، مفاهیمی مانند پدر، خانواده، همسر، شرف می‌باشد و در مقابل این موضوعات قرار می‌گیرد. با از بین بردن مقاومت هویت‌های خانوادگی و خانواده در برابر تروریسم، فضایی برای خود ایجاد می‌کند. با این حال، اخیراً مردم با هویت خانوادگی و ارزش‌های خانوادگی خود مقابله با تروریسم را آغاز کرده و چهره واقعی سازمان تروریستی و خصومت آن با ارزش‌ها را آشکار می‌کنند. در این زمینه، اقدامات مادران در مواجهه با تروریسم بسیار مهم است. این اقدام مادران دیاربکر از یک سو باعث گسست با اعضای سازمان تروریستی و ایده زیر سال بردن وجود آنها در آنجا می‌شود، از سوی دیگر خانواده‌های دیگری را که درد مشابهی را تجربه می‌کنند، را جرات می‌دهد و آنها را تشویق می‌کند تا در این اقدامات شرکت کنند. با آشکار شدن رنج این خانواده‌ها از طریق رسانه‌ها، خانواده‌ها را قادر می‌سازد تا علاقه بیشتری به فرزندان خود داشته باشند و در برابر تروریسم بی‌باک تر صحبت کنند. بدون شک ح د پ یکی از آنانی است که باید از این تحصن برای مادران دیاربکر درس بگیرد. مادران به نوعی گروه فشار دموکراتیک تبدیل شده‌اند. ح د پ اکنون باید فاجعه ناشی از تروریسم را ببیند و با ایجاد فاصله با تروریسم به عضویت ترکیه درآید. در واقع، حزبی که خود را حزب کردها نشان می‌دهد باید این فریاد مادران را بشنود. در غیر این صورت معلوم می‌شود که نخبگان مشغول سیاست در ح د پ برای مردم منطقه و مشکلات مردم منطقه بیگانه هستند.



"من پرونده کردستان شما را آغاز خواهم کرد! .. فرزندان مان را بدهید": تحصن مادران دیاربکر در مقابل ریاست استانی ح د پ

همه چیز از آنجا شروع شد که حاجره آکار ۷۰ ساله در آگوست ۲۰۱۹ متوجه پیام های تلفن پسر گمشده اش شد. این پیامها از طرف سازمان استانی ح د پ در دیاربکر ارسال شده است. حاجره مادر با تجربه بود. قبلاً نیز پسر و خویشاوند دیگر وی به کوه رفته بودند و کشته شدند. تنها یک هفته پس از نامزدی محمد آکار، وی ناگهان ناپدید شد.

حاجره مادر تصمیم خود را گرفته بود. وی به ساختمان ریاست ح د پ رفت. رهبران حزب ح د پ با مادرانی که فرزندان خود را در دوره های قبل جستجو می کردند، کدام رفتار متفاوتی انجام نداده و آنها تمام درها را به روی حاجره مادر بستند. با این حال، حاجره آکار تسلیم نشد، شیشه های ساختمان را با سنگ شکست و در ۲۲ آگوست ۲۰۱۹ تحصن اعتراضی کرد و گفت که بدون پسرش جایی نمی رود. حاجره مادر از مزاحمت ها و حملات اعضای حزب ناراحت نشد، وی بدون اینکه آنجا را ترک کند به تحصن خود ادامه داد و در نتیجه پیگیری مداوم پلیس، محمد آکار در چهارمین روز تحصن اعتراضی خود پیدا شد و به مادرش تحویل داده شد. برخی افراد از شهرداری و ریاست استانی حزب در ارتباط با این رویداد بازداشت شدند. محمد آکار ازدواج کرد و صاحب فرزند شد. به دعوت حاجره آکار و به لطف رفتار شجاعانه وی، خانواده های دیگری که فرزندان آنها توسط پ ک ک ربوده شده بودند نیز به ساختمان ح د پ آمده و به تحصن اعتراضی پیوستند.

این اقدام مادران دیاربکر از یک سو باعث گسست با اعضای سازمان تروریستی و ایده زیر سال بردن وجود آنها در آنجا می شود، از سوی دیگر خانواده های دیگری را که درد مشابهی را تجربه می کنند، جرات می دهد و آنها را تشویق می کند تا در این اقدامات شرکت کنند.

در ۴ سپتامبر ۲۰۱۹، زیات جیلان رئیس استان دیاربکر ح د پ، همراه با برخی از نمایندگان و اعضای حزب ح د پ، در مقابل ساختمان استان اعلام کردند و مادرانی را که جلوی ساختمان نشسته بودند را متهم کردند که وسیله ای برای بازی در مورد حزب خود هستند. تهمت زدن ح د پ که در حمایت از مادران شنبه و مادران صلح که آنها رهبری می کنند، در هیچ فرصتی دریغ نمی کند. نادیده گرفتن

مادران مخالف سیاست های آنها، حمایت فعال آنها از تروریسم و خشونت و متهم ساختن آنها به توطئه.

مشخص شده است که سازمان های ح د پ نه تنها با سیاست سر و کار ندارند، بلکه به عنوان شاخه ای از سازمان برای پ ک ک اعضا استخدام می کنند. حاجرہ مادر اکنون به نمادی از امید برای مادرانی تبدیل شده است که فرزندان آنها توسط پ ک ک ربوده شده اند. خانواده های دیگر نیز از او پیروی کردند و در مقابل ساختمان ح د پ تحصن کردند. هر از گاهی اعضای حزب خودشان را قلدری می کردند. نمایندگان ح د پ که می گویند نماینده کردها هستند، هنگام دید و بازدید با حزب از مادران چشم پوشی کردند، صدای گریه آنها را نشنیدند. اما هیچ چیز مانع مادران نشد. مادران موفق شده اند در مدت کوتاهی سیاست کثیف ح د پ را که به بازیچه سیاست آمریکا تبدیل شده و همه چیز را ابزار کرده است، فاش کنند.

مادران شرکت کننده، این اقدام را نمی توانند قبول کنند که اعضای ح د پ فرزندان شان را شایسته "کوه" می دانند در حالی که فرزندان خود آنها در بهترین مدارس ترکیه یا اروپا تحصیل می کنند. آنها در صورت خود فریاد زدند.

تحصن مادران تأثیر زیادی در ترکیه و خارج از کشور گذاشت. مدافعان حقوق زنان و کسانی که از آزادی زنان حمایت می کردند سکوت کردند. همچنین اشخاصی از آلمان و سایر استانهای ترکیه بودند که در اقدامات مادران دیاریکر شرکت کرده و از آنها حمایت کردند. امروز، ۱۸۸ خانواده به اعتراضات خود در مقابل ساختمان حزب ادامه می دهند. ۲۰ خانواده فرزندان خود را تسلیم گرفتند. در زمینه داستانی "دیگر کافی است" شکل گرفت. مادران کرد با مقاومت مادری خود در برابر تروریسم ظهور کردند و پرده بر سیاست های ریاکارانه ح د پ برداشته اند. ما در اینجا داستانهای مادران در مورد فرزندان ربوده شده خود و داستانهای تجدید دیدار را جا خواهیم داد. ما با برخی از مادرانی که در این تحصن شرکت کرده بودند، رو در رو ملاقات کردیم. ما از این موارد به عنوان دیدار خصوصی یاد می کنیم.

حُسنیه کایا پنج بعد از سال دخترش مکیه کایا را تسلیم گرفت. حُسنیه کایا با این اظهارات خوشحالی از دیدار مجدد با دخترش را بیان کرد:

"دخترم لحماجون، دونر کباب و کباب را خیلی دوست دارد. من امروز برایش لحماجون و فردا کباب درست می کنم. روز بعد یک دونر می گیرم. هر روز یک غذایی می آورم که او دوست دارد. من باور نمی کردم که دخترم بیاید، من برایش غذا درست کنم. اما خدا را شکر که او آمد، من او را تسلیم گرفتم. دلم برای دخترم خیلی تنگ شده بود، بویش را می دادم، خیلی خوشحال بودم. امیدوارم آن مادران به تحصن خود در آنجا ادامه دهند. من هم مادر هستم، خیلی رنج کشیدم، درد دیدم. من به کنار آنها می روم و از آنها حمایت می کنم. امیدوارم فرزندان آنها نیز بیایند. بیایید مادران حمایت کنید، بچه ها شما را می بینند و می آیند. من مکی را تسلیم گرفتم. امیدوارم همه شما فرزند خود را تسلیم گیرید."

تحصن اعتراضی جوریه مادر که در میان مادران دیاریکر بود، نتیجه ای به همراه داشت و وقتی دخترش پ. مادرش را در میان تحصن کننده گان مقابل ساختمان ح د پ دیده است، تصمیم گرفته تا بدون تردید سازمان را ترک کند، پ. این تصمیم را در دیدار خصوصی ما با وی به شرح زیر توضیح داد:

"در اوایل سال ۲۰۲۰ زمانیکه خیمه شروع شد، وقتیکه مادرم را آنجا دیدم، بسیار خوشحال و هیجان زده بودم، انگار دوباره متولد شده بودم (۱) از آنجا که در آنجا راننده بودم، در صورت تمام

شدن بنزین ، پولی به من پرداخت می شد. من با آن پول یک رایانه لوحی خریدم تا با مادرم تماس بگیرم، اینترنت به محل اقامت ما متصل بود، و من در فیس بوک به برادرم پیام دادم. برادرم ۲۰ روز بعد جواب داد چون اینترنت نداشت. او ابتدا باور نمی کرد، بنابراین من یک عکس ارسال کردم. بعد با مادرم صحبت کردم. گفت تو بیا سربا، پلیس کمک می کند. چنانچه ما را از سرباز ترساند، وقتیکه سرباز گفتند، من گفتم: "من نمی آیم." برادرم گفت تو بیا من در آنجا با پلیس و سربازان می باشم، آنها به هیچ وجه آسیبی به تو نمی رسانند. گفت و ۴ روز با هم صحبت کردیم. آنها یک ساعت مچی به من دادند و من گفتم: "ساعت ۲:۳۰ دقیقه زمانی که افراد خانه خواب هستند ، می روم." اما برادرم نقشه ای را برای من ارسال کرد زیرا با خروج از خانه قطع می شود. وقتی دو فرمانده خانه و دختری که مثل من راننده بود به خواب رفتند، من رادیو و اسلحه آنها را در اتاقی جمع کردم و در را قفل کردم. طبق آن نقشه من خانه را ترک کردم. آنها مرا در نقطه امنیتی کوبانی متوقف کردند. گفتم دوستانم تصادف کردند، من به بیمارستان رفتم و آنها مرا رها کردند. جلوی بیمارستان توقف کردم، به سمت مرز قدم برداشتم. سربازان مرا روشن کردند ، و من نیز آنها را روشن کردم. ماشین آمد، آنها گفتند: تو پ. هستی، آیا تو تنها هستی؟ من هم گفتم بله. تسلیم شدم، به کلانتری رفتم، بیانیه دادم و سرانجام به خانواده ام بازگشتم. "

بخش پنجم

کشتن دانش: معلمانی که توسط پ ک ک شهید شده اند

پ ک ک دائماً از تأثیر منفی ساختار فئودالی در منطقه بر کردها صحبت می کند و ماموریت خود را برای از بین بردن آن تعیین می کند. یکی از بزرگترین نشانه هایی که نشان می دهد این چیزی بیش از یک عنصر تبلیغاتی ساده نیست این است که سازمان تروریستی پ ک ک پس از افسران امنیتی بیشترین معلمان را در منطقه هدف قرار داده است. زیرا وقتی به ساختار منطقه نگاه می کنیم، مشاهده می شود که میزان سواد و میزان فارغ التحصیلان دبیرستان و دانشگاه از سایر مناطق کمتر است. از سوی دیگر، اگرچه پسران به غیر از محل خانواده خود به مدرسه فرستاده می شدند، اما متأسفانه دختران چنین نبودند. میزان دخترانی که پس از دبیرستان در این مناطق به مدرسه فرستاده می شوند، بسیار پایین است. به لطف کاهش تروریسم، اجباری کردن دبیرستان ها و حمایت ویژه دولت از مادرانی که دختران خود را به مدرسه می فرستند، بیشتر فرزندان ما از فرصت های آموزشی بهره مند می شوند و با تحصیلات دانشگاهی که تقریباً برای همه در دسترس قرار گرفته است. امروزه جوانان بیشتری می توانند شغل داشته باشند. علیرغم انواع مشکلات، نقش معلمان ما در منطقه در این پیشرفت بسیار مهم است.

پ ک ک از زمان تأسیس خود همواره معلمان و مدارس را مورد هدف قرار داده است. دلیل این امر این است که کودکانی که سازمان آنها را شبه نظامی احتمالی می داند از طریق آموزش از آینده خود آگاه می شوند و معلمی که به روستا و منطقه می رود چهره داخلی PKK را به مردم منطقه و آنها را در این مورد آگاه می سازد. پ ک ک معلمان ما را می کشد تا بالای معلمانی که به منطقه خواهند آمد، ترس ایجاد کند و اطمینان حاصل کند که معلمان فعلی در اسرع وقت منطقه را ترک می کنند. علاوه بر این، سازمان تروریستی تجهیزات ساختمانی را سوزاند و مهندسان را به منظور جلوگیری از فعالیت های سرمایه گذاری در منطقه کشته است. به نفع پ.ک.ک نیست که پتانسیل های موجود منطقه را فعال کند، مردم منطقه را با افراد دیگر مناطق گرد هم بیاورد، فرصت های سرمایه گذاری و اشتغال را افزایش دهد و حرفه ای داشته باشد که با آن بتواند در هر مکانی کار پیدا کند. محلی که

جوانان منطقه در آن زندگی می کنند. زیرا همانطور در اظهارات کسانی که از سازمان خارج شده اند نشان داده شده است ، پ.ک.ک از جهل و ترس ناشی از آن تغذیه می کند. در منطقه ؛ این دختران هستند که بیشتر به اطلاعات ، آموزش ، آشنایی با ارزشهای شهری و آگاهی برای تصمیم گیری درست در مورد آینده خود نیاز دارند. در حالی که پ.ک.ک از یک سو در مورد آزادی زنان و روشننگری کردها سخن می گوید، از سوی دیگر معلم های منطقه را به شهادت می رساند ، حملات را سازماندهی می کند ، به مدارس حمله می کند ، به طوری که آنها از فرصت آموزشی برخوردار نیستند. آنها تصمیمات درستی در مورد آینده خود می گیرند ، جهان را درک می کنند و درباره رویدادهای پیرامون خود قضاوت درستی انجام می دهند. تلاش می کند تا با راندن کودکان سن مدرسه به خیابان ها ، گروه بندی آنها ، فرستادن آنها به مدارس حمله کرده یا آنها را مجبور به پیوستن به سازمان کنند. این وضعیت تناقض در ایدئولوژی سازمان را آشکار می کند. نکته دیگری که توجه ما را به خود جلب می کند این است که مشخص است که این سازمان با آموزش کودکان ، به ویژه دختران مخالف است. نگرش خانواده ها علیه تحصیل دختران شان آنها را مستقیماً به آغوش سازمان تروریستی سوق می دهد. به همین دلیل است که سازمان تروریستی به ویژه کودکان خردسال که از دبستان ، دبیرستان یا فارغ التحصیل نشده اند یا کسانی که از دبیرستان رها کرده اند ، را به عنوان گروه هدف برای پیوستن به این سازمان تعیین کرده است.

نکته دیگری که توجه ما را به خود جلب می کند این است که مشخص است، این سازمان با آموزش کودکان به ویژه دختران مخالف است. نگرش خانواده ها علیه تحصیل دختران شان آنها را مستقیماً به آغوش سازمان تروریستی سوق می دهد.

وقتی به اخبار منعکس شده در گزارش ها نگاه می کنیم ، مشاهده می شود که مدرسه ابتدایی باتمان سلچوکلو و مدرسه ابتدایی باتمان واکف بانک بارها مورد حمله قرار گرفته اند و یکی از عوامل دستگیر شده در سازمان جوانان سازمان بوده است. مختار روستای بشیری شهرستان باشری استان باتمان اظهار داشت که مدرسه روستای آنها توسط پ.ک.ک سوخته است.

پ.ک.ک از زمان تأسیس، معلمان و نیروهای امنیتی را مورد هدف قرار داده است. تا کنون ۱۴۷ معلم توسط این گروه تروریستی به شهادت رسیده اند و بسیاری از معلمان از این حملات با مجروحیت جان سالم به در برده اند. خانواده معلمان در دیدارهای خود با اعضای کمیسیون حقوق بشر مجلس شورای ملی ترکیه اعلام کردند که "فرزندان ، همسران یا خواهر و برادران آنها که معلم هستند مورد حمله سازمان تروریستی قرار گرفتند ، اگرچه آنها هیچ هدف دیگری جز برای آموزش مردم محلی و کمک به توسعه منطقه نداشتند." ۱۳

معلمان هر جا که می روند الگو می شوند و به کودکان نشان می دهند که زندگی متفاوت امکان پذیر است. سازمان تروریستی پ.ک.ک به عنوان نمایندگان زندگی متفاوت و راهی روشن ، نمی خواهد معلمان منطقه الگوی کودکان باشند و به آنها بفهمانند که زندگی غیر از ستیزه جویی امکان پذیر است.

همه آنها داستانی غم انگیز و دلخراش اما در عین حال شرافتمندانه دارند. در این قسمت ، به داستان برخی از معلمان شهید خود جا می دهیم.

پ ک ک از زمان تأسیس، معلمان و نیروهای امنیتی را مورد هدف قرار داده است. تا کنون ۷۴۱ معلم توسط این گروه تروریستی به شهادت رسیده اند و بسیاری از معلمان از این حملات با مجروحیت جان سالم به در برده اند.



محمت سایگی گودر

محمت سایگی گودر که به عنوان دستیار مدیر در دبستان علی عمر باتال در شهرستان شاهینبی استان غازی انتپ کار می کرد، در ۲۶ ژوئن ۱۹۷۹ در باغ مدرسه ای که در آن کار می کرد به شهادت رسید. سایگی گودر که در روبروی شاگردانش با ۷ گلوله از پشت سرش شلیک شد، به عنوان اولین معلم به شهادت رسیده توسط پ ک ک، ثبت شد. دخترش فیلیز سایگی گودر باره شهادت پدرش چنین می گوید:

پدرم در باغ بود چون بین کلاس بود. حوالی ساعت ۸:۱۵ دقیقه، دو نفر در باغ مدرسه گلوله باران کردند. در اسنادی که به دست ما رسید دو نفری که به او شلیک کردند می گویند که پدرم را اصلاً نمی شناسند. آنها فقط یک عکس در دست خود گذاشتند و گفتند بروید به این مرد شلیک کنید. اینقدر ارتباط این افراد با سازمان تروریستی پ.ک.ک نیز مشخص شد. نوشته های دادگاه قانون نظامی و حکم نیز این را نشان می دهد. ما بسیار جوان بودیم، ما این حادثه را از آنچه در این صورتجلسه خواندیم می دانیم."



شنای آیبوکه یالچین

معلم شهید شنای آیبوکه یالچین تنها ۲۲ سال داشت که توسط پ ک ک به شهادت رسید. او معلم موسیقی بود. هنگامی که وی برای اولین بار منصوب شد، پدرش نگرانی های خود را درباره دخترش ابراز کرد. با این حال طبق اظهارات پدرش، وی اولین درس خود را به پدرش داد و گفت: "بابا، ما عشق وطن، ملت و پرچم را از شما آموختیم، با خود در تضاد نباشید. هر جایی که پرچم به اهتزاز در می آید وطن من است. من به آنجا می روم و وظیفه خود را آغاز می کنم." او با کلمات خود موضع محکمی گرفت. معلم آیبوکه در ۹ ژوئن ۲۰۱۷ توسط تروریستهای پ ک ک به شهادت رسید، در حالی که با دوستانش پس از توزیع کارنامه ها، به شهر خود می رفت.



نجم الدین بیلماز

او که در سال ۲۰۱۷، در بزرگراه تونجلی پولومور از استان شانی اورفا شهرستان سیورک به زادگاه خود گوموشحانه در حرکت بود، توسط پ ک ک ربوده شد و به شهادت رسید. بیلماز که در روستای دمیروکاپی شهرستان تورول گوموشانه متولد و بزرگ شده بود و در مدرسه ابتدایی تحصیل کرده بود، در روستای چیفچیباشی در شهرستان سیورک استان شانلی اورفا در اکتبر سال گذشته منصوب شده بود، به عنوان معلم کلاس درس کار می کرد.

بخش ششم

به سوی پایان: نجات یافتن از شر نجات دهندگان

ناامیدی و از هم پاشیدگی

در اظهارات شبه نظامیان زن جدا شده از سازمان تروریستی پ.ک.ک مشاهده می شود که ایده آل سازی های اولیه با ناامیدی جایگزین شده است و این ایده که رهبر این سازمان، اوجالان، فردی است که از زنان سوء استفاده می کند، درک کرده اند. این، پس از تجربه در ادراک مردم قرار می گیرد. سازمانی که زمانی ادعا می کرد خود را آزاد کرده است، اکنون این افراد را دوستدار و خیانتکار می داند. می توان گفت که انتظارات زنان شرکت کننده در سازمان عموماً برآورده نشده و آنها ناامید شده اند. بنابراین، بخش قابل توجهی از این زنان سازمان را ترک کردند و زندگی جدیدی را خارج از سازمان ایجاد کردند. این از هم پاشیدگی امروز نیز ادامه دارد.

نووال که در خط ایدئولوژیکی رهبر سازمان، اوجالان قرار داشت، مدت زیادی در پ.ک.ک ماند، به سطح یک مدیر رسید، اما پس از روبرو شدن با حقایقی که با "دعوی" خود او در تناقض بود، پ.ک.ک را ترک کرد. نووال بیان می کند این واقعیت که اوجالان تنها واقعیت مشخصی است که زنان در پ.ک.ک عاشق خواهند شد از این واقعیت نشأت می گیرد که ضعیف ترین حلقه یعنی زن، با ایجاد "تنها پناهگاهی که او را نجات می دهد" ارائه می شود. شخصیتی که در آن تمام قدرت در خودش تجسم یافته است. نووال این را نبرد قدرت بر زنان می دانست.

گ. که با او صحبت کردیم، از اولین روزهایی که رفته بود پشیمان شده و گفت: "چرا من اینجا آمدم؟" از خودش پرسید با این حال، تجربیات و احساسات او در داخل سازمان او را از فرار منصرف کرد:

"ما مستقیماً به روستا رفتیم. ما تقریباً ۱۰ روز در آنجا ماندیم، به طرف عراق رفتیم و یک ماه صبح و عصر پیاده راه رفته عبور کردیم. آنچه در آن سفر دیدم بسیار بر من تأثیر گذاشت. پشیمان می شوید، اما نمی توانید بروید. چون نمی دانستم چگونه باید برگردم. نمی دانستم کجا هستم، چگونه برمی گردم، سپس همیشه آن را داخل می انداختم. سپس با خود می گوید کجا هستم،

چه کار کردم. به خانواده ام فکر می‌کنم. آنها چند سال نمی‌توانستند بچه دار شوند. چگونه می‌توانستم چنین کاری با آنها انجام دهم؟ آنچه در آنجا دیدم خیلی مرا تحت تأثیر قرار داد. چون هیچ چیز آنطور که به نظر می‌رسد، نیست. من همین الان به اطرافیانم نیز می‌گویم. " اما لازم است همه کسانی که در سازمان در همان موقعیت باقی مانده اند را مورد ارزیابی قرار نگیرند. از آنجایی که برخی از زنان موجود در سازمان جرات نمی‌کنند که آنها را ترک کنند زیرا روابط خود را با خانواده های خود قطع کرده اند و کسی برای محافظت از آنها وجود ندارد، یا از این که می‌ترسند سازمان به آنها آسیب برساند، و آنها همچنان به ماندن خود در بین سازمان را ادامه می‌دهند. در سازمان بخش مهمی از افرادی که در این وضعیت قرار دارند اعضای سازمان هستند که وقتی خانواده یا محیط خود را ترک می‌کنند هیچ صاحبی ندارند.

به عنوان مثال، آنچه نووال می‌گوید در این مرحله بسیار مهم است. بر اساس اظهارات وی، نووال قبل از پیوستن به سازمان، تصویری ایده آل از "سازمانی که برای رفاه زنان کرد مبارزه می‌کند" در ذهن خود داشت. پس از پیوستن نووال به سازمان، او دید که واقعیت و خیال با یکدیگر بسیار متفاوت است. نکته دیگری که نباید در اظهارات نووال از آن غافل شد این بود که او فهمیده بود که سیاست پیش بینی شده توسط پ ک ک برای مدیریت یک منطقه حتی در صورت پیروزی کافی نیست و این، منافع کردها را نشان نمی‌دهد. با وجود همه اینها، نووال به دلیل ناامیدی خود مدتی در سازمان ماند.

پ.آ که با او به صورت خصوصی در دیاربکر دیدار کردیم و با دیدن مادر خود در میان مادران دیاربکر، از سازمان فرار کرده و تسلیم شد، وی می‌گوید که اگرچه در هر فرصتی اظهار داشته است که از روز اول پیوستن به سازمان می‌خواهد از سازمان خارج شود. سازمان، آنها از این امر جلوگیری کرده است:

"از اولین روزی که رفتم پشیمان شدم. مردی ۴۰-۴۵ ساله بود، موهایش سفید بود. دستم را روی شانه هایش گذاشتم و گفتم: " شما این را موفق خواهید شد." می‌گفت من به او گفتم: "تو تا این سن موفق نشده ای، آیا من موفق می‌شوم؟" گفتم.

اگرچه پ.آ باعث می‌شود در هر فرصتی احساس ناراحتی خود را در سازمان برساند، مدیران سازمان



تلاش کردند تا او را در آنجا نگه دارند و از او خواستند که برای چنین درخواستی گزارش توبه خود بنویسد. او می گوید وقتیکه این کار را انجام نداد یا نگرشی را که می خواستند ایجاد نکرد، زندانی شد :

"حدود یک سال از رفتن او می گذرد ، آنها می خواستند من تحصیلات ایدئولوژیکی داشته باشم ، و هنگامی که من مخالفت کردم ، از من خواسته شد که یک گزارش انتقاد از خود بنویسم. مجازاتها از گزارش انزوا و انتقاد از خود شروع شد. در گزارش انتقاد از خود ، از شما خواسته می شود بپذیرید که پشیمان هستید و آنچه انجام داده اید یک اشتباه بوده است. من گزارش نوشتم. یا می رفتم مادرم را ببینم یا خودم را اذیت می کردم. آنها من را باور نمی کردند ، من گفتم این کار را در ملاء عام انجام می دهم ، نه در حضور آنها و روانشناسی دیگران را خراب می کنم. بین ما مشاجره شد. آنها مرا دستگیر کردند ، در خانه زندانی کردند. «

پ.آ. او همچنین اظهار می کند که گفته است وقتی تسلیم شد ، سربازان ترک با او بد رفتاری کردند:

آنها گفتند که اگر از خانواده فرار کنید یا با خانواده صحبت کنید ، سرباز ترک خانواده شما را دستگیر کرده و به شما تجاوز خواهد کرد. آنها همیشه این ترس را می دادند ، اما من گفتم: "به هر حال من می روم." اصرار می کردم. من خیلی سرسخت بودم. "

به همین ترتیب ، گ. ، که متوجه شد قصد دارد در قندیل فرار کند ، سعی کرد آنها را بترساند و گفت که پیشمرگه آنها را می فروشد و آنها را مجبور به تن فروشی می کند ، پلیس آنها را مجبور به مامور شدن در ترکیه می کند ، اما هنگامی که او فرار کرد از سازمان و تسلیم شد ، هم پیشمرگه و هم پلیس ترکیه با او بسیار خوب بودند .او گفت که رفتار می کند.

"به عنوان مثال ، من در عراق بودم. آنها می گفتند: "پیشمرگه ها شما را می فروشند ، شما را مجبور به تن فروشی می کنند ، به همین ترتیب اگر به ترکیه بروید ، مامور می شوید و در نهایت پلیس شما را اعدام می کند." وقتی اینها را می شنوید ، می ترسید زیرا چاره دیگری ندارید. اما من نیز تسلیم پیشمرگه شدم و رویکرد آنها را به من دیدم ، رویکرد ترکیه را نیز نسبت به من دیدم. حداقل اگر من مجرم باشم ، دولت مرا به زندان خواهد انداخت. می توانم با تلفن تماس بگیرم ،



با خانواده ام ملاقات کنم و بعد از گذراندن دوران محکومیتم بیرون هستم. اما او در سازمان نیست. آنها حتی اجازه ندادند که با خانواده ام صحبت کنم."

سازمان گاهی اعضای سازمان را بدون ذکر دلیل فقط برای ایجاد ترس و تنبیه آنها دستگیر و زندانی می‌کرد. دلیل این امر این بود که وی قدرت توضیح تناقض بین ایدئولوژی مورد تبلیغ خود و وضعیت اردوگاه های سازمان را نداشت. در این مورد ، آنچه باقی ماند ایجاد ترس با استفاده از نیروی وحشیانه و سرکوب بود. برخی از دستگیر شدگان ؛ آنها در خارج از گرما و بدون آب رها شده بودند ، سیگار بر بدن آنها خاموش شده بود و روشهای شکنجه مازوخیستی مانند ذوب نایلون بر روی آنها استفاده شد. هلین بیان می‌کند که اگرچه در عرض یک سال متوجه شد که پ ک ک "کابوس زنان" است نه "آزادی زنان" ، که تبلیغ می‌شد ، اما نمی‌تواند آنجا را ترک کند زیرا می‌ترسید خانواده و دوستانش او را نپذیرند.

نجات یافتیم از دست ناجیان: فرار زنان از ترور و روی آوردن به حیات

بسیاری از سازمانهای توده‌ای ایدئولوژیک در جهان ادعا می‌کنند که نجات مردم، تأمین آزادی و یا ساختن دنیایی شاد برای انسانها از اهداف آنها است. این بخش مهمی از گفتمانهای "رهایی مستضعفین" ، "آزادی زنان" یا "رهایی" را تشکیل می‌دهد. اما حقیقت امر این است که این سازمانها در راه نجات دیگران به خاطر جهان یا نظام آرمان شهر خود، درد بیشتری را به مردم تحمیل کرده‌اند. این بهترین نمونه از وضعیتی است که مردم در رژیم‌های کمونیستی یا دیکتاتوری‌های فاشیستی در کشورهای بلوک شرق سابق تجربه می‌کنند. همین امر در مورد گفتمان رهایی بخش سازمان تروریستی پ.ک.ک در مورد آزادی نیز صدق می‌کند. زنان عضو پ.ک.ک که معتقد به نجات از طرف اوجالان هستند رنج می‌کشند. این امر در گفتارهای کسانی که از گروه تروریستی فرار کرده‌اند به وضوح دیده می‌شود.

پ.ک.ک، تصاویری از زنان عضو سازمان را در اختیار رسانه های غربی قرار داد. پ.ک.ک تصاویری را انتخاب می‌کند که بتواند برای تأمین منافع خود و برای ایجاد تصویر سیاسی و تبلیغات استفاده کند. این تصاویر "تصاویر رسمی" سازمان هستند و هدف آنها تحریف کامل واقعیت است. این تصاویر از میان تصاویر زنان اسلحه به دست، زنان پا برهنه، زنان با پوشش تی شرت، زنان بدون حجاب و تصاویری که دارای جنسیت زنانه مورد توجه است انتخاب شده‌اند.

با این حال ، تصاویر دیگری نیز وجود دارد که وضعیت زنان مبارز در سازمان را نشان می‌دهد، که احتمالاً به رغم سازمان بدون اطلاع آنها به دست آمده است، این تصاویر در واقع به وضعیتی اشاره می‌کند که نظم فئودالی مورد انتقاد آنها برای زنان با شدت بیشتری تجربه می‌شود و یا به تحقیر و مشکلاتی که زنان به خاطر آزادی تجربه می‌کنند و اینکه چگونه زندگی آنها تباہ شده اشاره می‌کند. این دو تصویر وضعیت متناقضی را در مورد زنان عضو سازمان برای ما آشکار می‌کند.

گ.، بعد از فرار از دست پ.ک.ک که آزادی خود را به دست آورد، مدت کوتاهی پس از عضویت در سازمان متوجه بی اساس بودن تبلیغاتی که پ.ک.ک هنگام ربودن او می‌کرد شد. آزادی ، حقوق زنان و غیره در واقع عبارت از کلماتی هستند که برای ترغیب دختران جوان برای رفتن به کوه ساخته شده‌اند:

"دختران جوان را دیدم که خودکشی می‌کردند (...). وقتی می‌گویند آزادی زنان، چنین چیزی وجود ندارد، این یک دروغ است. می‌بینید فرمانده زن شما را اذیت می‌کند، شما را تحقیر می‌کند. پس سیستم کجاست ، پس آزادی کجاست؟ همانطور که گفتم، پس از ۱۸ سالگی، متوجه برخی چیزها

شدم."

در پایان ملاقات باگ،، وقتی از وی در مورد دیدگاه‌های فعلی خود در مورد سازمان تروریستی پ.ک.ک و اینکه آیا می‌خواهد دوباره به این سازمان بپیوندد، پرسیدم، او به صراحت گفت که نخواهد پیوست:

"هرگز. خودم را از اینجا می‌اندازم ولی دیگر نمی‌روم. چون دیدم تجربه کردم. اگر واقعاً چنین نیتی



داشته باشم، احمق‌تر از من وجود ندارد. جوانی ام از من گرفته شد، کودکی ام از من گرفته شد، نتوانستم بخوانم. من در حال حاضر از دو خواهرم مراقبت می‌کنم و آنها خواندن را یاد گرفته‌اند. اگر نرفته بودم، دوست داشتم معلم ادبیات شوم. شاید بتوانم همین الان معلم شوم. اما نشد."

"برخی از ما آزادتر از دیگران هستیم"

از اعترافات کسانی که از پ.ک.ک جدا شدند می‌توان فهمید که ساختار سلسله مراتبی سنگینی در پ.ک.ک وجود دارد و برخی از آنها دارای امتیاز بیشتری نسبت به دیگران هستند، به خصوص عبدالله اوجالان و دیگر رهبران سازمان، زندگی مجلل تری دارند، بسیاری از چیزهایی که برای دیگران ممنوع است برای فرماندهان و مدیران ارشد آزاد است. عملکرد پ.ک.ک، که مدام دم از آزادی و رهایی می‌زنند در اصل نشان می‌دهد که همه به یک اندازه آزاد نیستند و نمی‌توان همه را به یک شکل دید چون برخی از آنها زندگی آزادتری نسبت به دیگران دارند:

"از نظر خوردن، نوشیدن و لباس پوشیدن برابر نبودیم. غذا در جاهای جداگانه خورده می‌شد. اگرچه نوشیدنی‌های انرژی‌زا ممنوع بود، اما در اتومبیل هر یک از فرماندهان ارشد موجود بود. سیگار کشیدن نیز برای آنها مجاز بود. چنین تبعیضی وجود داشت. به عنوان مثال، اگر شما فرمانده من بودید، من حق نداشتم در مقابل شما صحبت کنم. اگر ما به دنبال آزادی بودیم، آزادی در کجای آن است؟"

"... زنان در سمت مدیریتی در کوه، وسایل شخصی و زندگی خصوصی داشتند. می‌توانم بگویم اولین

ناامیدی خود را با دیدن آنها تجربه کردم. به عنوان مثال، ما از آموزش نظامی بیرون آمدیم، به مکان‌هایی که می‌رفتیم غیر سنگ چیزی نبود. نه یک درخت، نه یک سایبان. کنفرانس جهانی زنان برگزار می‌شود، چهره همه زنان از آفتاب سوخته و زخم شده است. آنها زیر آن آفتاب داغ غذا می‌پزند، نان می‌پزند، در زیر نور آفتاب درمانده می‌شوند. اما برای خانم‌هایی که در مدیریت هستند، چادرها باز شده و سایبان‌ها ساخته شده. آنها گرم و حناهایی دارند که یافتن آنها در کوهستان بسیار مشکل است. دستشان را از آب گرم به آب سرد نمی‌زنند، آنها امنیت دارند. حتی آب حمام نیز از طرف دوستان حافظ امنیت آورده می‌شود. یعنی اینکه آنها تمرکز می‌کنند و برای پیشرفت خود تلاش می‌کنند. کسانی که مانند ملکه خدمت می‌کنند برده تمام به عیار هستند. آنها این اختیار را دارند که درباره هر کس در هر موضوعی تصمیم‌گیری کنند ..."

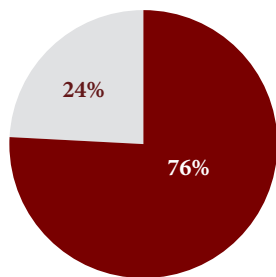
در نتیجه سیاست مصمم دولت از سال ۲۰۱۶ و عملیات انجام شده توسط نیروهای امنیتی در داخل و خارج از کشور پیشرفت قابل توجهی در مبارزه با تروریسم پ.ک.ک حاصل شده است. البته این بدان معنا نیست که تروریسم به طور کامل پایان یافته است. از این پس، مبارزه جامعه شناختی و روانی با تروریسم باید با قاطعیت ادامه یابد. به ویژه استادان ما در زمینه علوم اجتماعی و استادان الهیات باید در مورد عواملی که تروریسم را تغذیه می‌کند و ادغام جامعه ترکیه فکر کنند. ما باید از تعصبات مربوط به استفاده از فرهنگ و زبان سنتی در مورد شهروندان همسایه کرد خود که در طول تاریخ در جبهه‌ها باهم جنگیده و در یک صف نماز خوانده‌ایم خلاص شویم.

در سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸، در مجموع ۷۸۰ نفر از پ.ک.ک جدا شده یا دستگیر شدند. ۱۷۲ نفر از آنها زن هستند.

اطلاعات مربوط به اعضای سازمان که بین ۱ ژانویه ۲۰۱۵ تا ۳۱ دسامبر ۲۰۲۰ اسیر یا تسلیم شده‌اند به شرح زیر است.

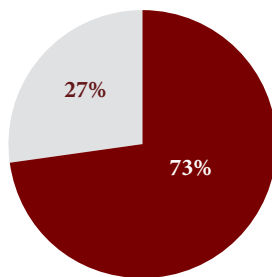
- در سال ۲۰۱۵، در مجموع ۳/۸۸۴ نفر، - ۹۲۱ (۲۴٪) زن و ۲۹۶۳ (۷۶٪) مرد،
- در سال ۲۰۱۶، در مجموع ۷۰۳ نفر، ۱۸۹ (۲۷٪) زن و ۵۱۴ (۷۳٪) مرد،
- در سال ۲۰۱۷، در مجموع ۱۶۱ نفر، ۵۵ نفر (۳۴٪) زن و ۱۰۶ (۶۶٪) مرد،
- در سال ۲۰۱۸، در مجموع ۱۳۶ نفر، ۴۰ (۲۹٪) زن و ۹۶ (۷۱٪) مرد،
- در سال ۲۰۱۹، در مجموع ۱۳۰ نفر، ۲۹ نفر (۲۲٪) زن و ۱۰۱ (۷۸٪) مرد،
- در سال ۲۰۲۰، در مجموع ۵۳ نفر، ۱۴ نفر (۵،۲۶٪) زن و ۳۹ نفر (۵،۷۳٪) مرد بودند،

تعداد اعضای سازمان اسیر/ تسلیم شده در سال ۲۰۱۵ و نسبت به توزیع جنسیتی



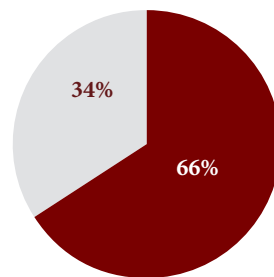
مرد - ۲۹۶۳ نفر
زن - ۹۲۱ نفر
مجموع - ۳,۸۸۴ نفر

سازمان اسیر/ تسلیم در سال ۲۰۱۶ تعداد اعضا و نسبت توزیع جنسیتی



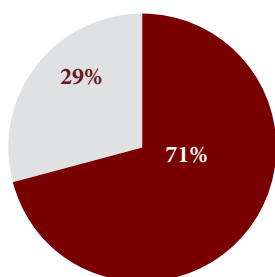
مرد - ۵۱۴ نفر
زن - ۱۸۹ نفر
در کل - ۷۰۳ نفر

سازمان تسخیر/ تحویل در سال ۲۰۱۷ تعداد اعضا و نسبت توزیع جنسیتی



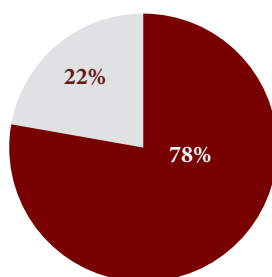
مرد - ۱۰۶ نفر
زن - ۵۵ نفر
در کل - ۱۶۱ نفر

تعداد اعضای سازمان تسلیم شده/ اسیر در سال ۲۰۱۸ و نسبت توزیع جنسیتی



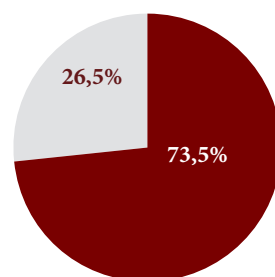
مرد - ۹۶ نفر
زن - ۴۰ نفر
در کل - ۱۳۶ نفر

تعداد اعضای سازمان تسلیم شده/ اسیر در سال ۲۰۱۹ و نسبت توزیع جنسیتی



مرد - ۱۰۱ نفر
زن - ۲۹ نفر
در کل - ۱۳۰ نفر

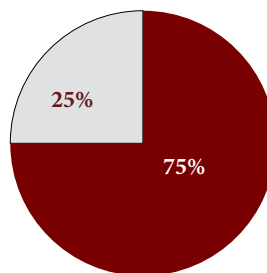
سازمان اسیر/ تسلیم در سال ۲۰۲۰ تعداد اعضا و نسبت توزیع جنسیتی



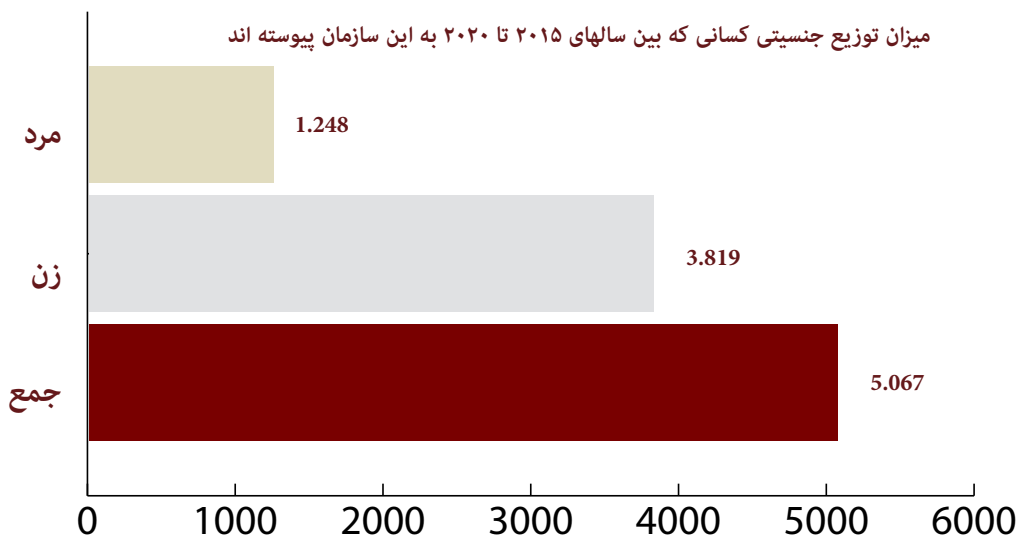
مرد - ۳۹ نفر
زن - ۱۴ نفر
در کل - ۵۳ نفر

- میزان زنانی که در پنج سال گذشته به این سازمان پیوسته‌اند تقریباً ۲۵ درصد است.

تعداد افراد عضو سازمان بین سالهای ۲۰۲۰-۲۰۱۵



زن مرد



• بین ۵۱۰۲-۲۰۲۰ ، در مجموع ۷۶۰،۵ نفر ، ۸۴۲،۱ زن و ۹۱۸،۳ مرد ،

همانطور که در نمودارهای بالا مشخص است، پ.ک.ک مدام در حال از دست دادن تروریست‌های زن و تروریست‌های مرد است. هم مشارکت‌ها کاهش می‌یابد و هم تعداد تسلیم شدگان افزایش می‌یابد. این را می‌توان به وضوح از اعترافات گ. که در میان تسلیم شده‌گان است فهمید: "اخیراً ، پس از سال ۲۰۱۹ میزان مشارکت بسیار بسیار کم شد. بیشتر اعرابی بودند که از سوریه به آنها ملحق شد. شرکت چندانی از سوی ترکیه صورت نگرفت. در واقع، سازمان اکنون متوجه بعضی از موارد است. او واقع متوجه از دست دادن نیروهایش است ولی به زبان نمی‌آورد. سعی می‌کند نسلی را که در دست دارد حفظ کند. قبل از آمدن من، سازمان نامه ای از امرالی دریافت کرده بود که عصابانیت امرالی مشهود بود. چرا نمی‌توانید این جوانان را حفظ کنید ؟ جنگ در سوریه باعث سقوط شما شد. " این حقیقت دارد. ۹۹ درصد افراد سازمان در بلا تکلیفی به سر می‌برند. شما می‌توانید آن را احساس کنید. اما ترک سازمان شجاعت می‌خواهد. من تا زمانی که تصمیم به خروج گرفتم در تصمیم مصمم بودم ، اما رویارویی با ترس‌هایم سخت بود. "

نتیجه و توصیه‌ها

مانند دیگر جنبش‌های تروریستی در جهان، پ.ک.ک نیز با شعارها و اقدامات خود پیام‌هایی می‌دهد، هدف این پیام‌ها ایجاد رعب و وحشت در جامعه و ذهن‌ها، قطع پیوندهایی که جامعه را به هم وصل می‌کند و از بین بردن صلح و آرامش است. رویدادهای پ.ک.ک به تمامیت اجتماعی مردم ترکیه آسیب می‌رساند. متأسفانه برخی اشتباهات استراتژیک در مبارزه با تروریسم تا به امروز انجام شده است. نگرش‌های طردکننده نسبت به سنت، نحوه بیان اعتقادات، هویت دینی و فرهنگی جامعه کردی و نگاه مترقی، روشن‌بینانه و منفرد‌نخبگان جمهوری خواه باعث شد مردم منطقه به جریان‌های سیاسی ناسازگار با فرهنگ خودشان روی بیاورند. در مرحله‌ای که امروز به آن رسیده ایم، به نظر می‌رسد حل تروریسم تنها از منظر امنیتی، بدون در نظر گرفتن ویژگی‌های اجتماعی، مذهبی و فرهنگی جامعه ترکیه، دشوار است. عناصر خاصی وجود دارد که جامعه ما را قادر می‌سازد تا برای مدت طولانی در صلح با هم زندگی کنند. وقتی این عناصر نادیده گرفته می‌شوند و سعی بر ایجاد هویت جدیدی می‌شود که در گذشته تاریخی و فرهنگ اجتماعی ما جایگاهی ندارد و دربرگیرنده همه اقشار جامعه نیست، فضایی برای دیگران باز می‌شود تا هویت خود را بسازند. در چنین حالتی تعارض هویت‌ها با یکدیگر اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.

درک زنان در گفتمان پ.ک.ک پراز تناقض است. پ.ک.ک که در ابتدا زنان را در چارچوبی که ایدئولوژی مارکسیستی ترسیم کرده بود تعریف می‌کرد و با تعاریف خانوادگی و سنتی زنان مخالف بود، اما از دهه ۱۹۹۰ سعی کرد پیام‌های سیاسی خود را در مقیاس جهانی با مضامین اجتماعی جدیدی مانند دموکراسی، فمینیسم، حقوق زنان، محیط زیست و تعادل محیطی ارائه دهد. با این حال، در هر دو دوره، مقوله جدیدی از زنانگی که توسط پ.ک.ک بیان می‌شود، زنی نیست که در زندگی روزمره زندگی می‌کند، بلکه قهرمان اسطوره‌شناسی و اتوپیا است. حتی موقعیت زنانگی در گفتمان پ.ک.ک چیزی نیست که به خودی خود وجود داشته باشد، بلکه موضعی است که با مشارکت در اقدامات تروریستی به دست می‌آید. در متون پ.ک.ک، زنانگی که با تلاش خود خوانده، صاحب حرفه شده و به نفع بشریت به موفقیت دست یافته‌اند، از زنانی که دارای فعالیت‌هایی هستند که می‌تواند الگوی کل جامعه باشد و یا مادر فرزندان خود در خانواده هستند، اشاره نمی‌کند. این متون همیشه در مورد "زنان جنگجو"، "شبه نظامیان زن عضو سازمان"، از زنانی که "از بردگی شهرشان رهایی یافته‌اند"، از زنانی که "با عمل خودکشی به الهه تبدیل شده‌اند" و از زنانی که "تنها عشقشان پ.ک.ک و رهبر آن است" نام می‌برد و تجلیل می‌کند. گفتمان پ.ک.ک جنسیت‌ها را از بین می‌برد و همه کردها را به دو دسته "شبه نظامیان و دیگران" تقسیم می‌کند.

پ ک ک هر زنی را که به این سازمان ملحق نشود به عنوان برده در خانواده می داند. خواسته های درون سازمان برای آرام کردن اپوزیسیون خانوادگی که ایدئولوژی پ.ک.ک را تشکیل می دهد با واکنش های بسیار تندی مواجه شد و کسانی که خواستار آن بودند سازمان را ترک کردند. در واقع ، "زن جدید" پ.ک.ک زنی است که هویت زنانه خود را از نظر سنتی و مدرن از دست داده است، فرزند، همسر یا خواهر و برادری ندارد، خودش را در اختیار ایدئولوژی قرار داده و مایل است تحت تأثیر محیطی متشکل از اعضای سازمان مانند خودش قرار گیرد. واضح است که این امر باعث ایجاد یک وضعیت مخدوش در مورد زنان می شود. زیرا در این صورت، زن به ربای تبدیل می شود که آنطور که سازمان می خواهد فکر کند و رفتارهای مورد نظر خود را نشان دهد. همراه با جنسیت، ایده آل ها، احساسات و رویاهایش از بین می رود و در یک زندگی چرخه ای زندانی می شود. اکثر زنان فمینیست که قبلاً با سازمان های زنان پ.ک.ک همکاری کرده بودند، به دلیل مشاهده این وضعیت از پ.ک.ک جدا شدند.

البته زنان کرد نیز مشکلاتی دارند. زنان کرد که پ.ک.ک مدام از آن صحبت می کند مشکلاتی از جنس مشکلات زنان کرد نیست ، بلکه مشکلاتی از گفتمان ایدئولوژی در حال گردش هستند. به همین دلیل، حضور پ.ک.ک به حل مشکلات زنان کرد کمک نکرد و شاید به دلیل اولویت دادن به مبارزه با تروریسم، نهادهای دولتی نتوانستند به اندازه کافی به این مشکلات رسیدگی کنند. در درون سازمان تروریستی پ.ک.ک، خانواده، در دوره اول آشکارا و در دوره دوم به طور غیر مستقیم از نظر فمینیست و ایدئولوژی های مشابه محکوم و مورد نقد قرار گرفته و یا مفهوم "خانواده حزب" از بین رفته است. اساساً به عدم نیاز به خانواده توسط متون و رهبران پ.ک.ک به عنوان بازمانده قرون وسطی تلقی می شود و از آن به عنوان یک مانع در مقابل آزادی یاد می کنند. زیرا برای افرادی که به واسطه پیوندهای خانوادگی با یکدیگر مرتبط بودند و به ارزش های خانوادگی وابسته بودند، پیوستن به سازمان آسان نبود.

زنان عضو سازمان که به پ.ک.ک ملحق و سپس از سازمان جدا و یا تسلیم نیروهای امنیتی شده اند از تجربیات خود در اردوگاه های پ.ک.ک سخن گفتند و اظهار داشتند که گفتار رسمی پ.ک.ک در مورد زنان و رویکرد آن در عمل کاملاً متفاوت از یکدیگر است. با زنانی که با آنها مصاحبه کردیم یا نظرات آنها را در مطالعات انجام شده در این زمینه قرار دادیم چنین اظهار کرده اند که زنان به طور کلی در اردوگاه های پ.ک.ک تحت فشار بیشتری نسبت به نظام فئودالی هستند، و شبه نظامیان زن در مقایسه با مردان در شرایط نامطلوب تری قرار دارند و آزار و اذیت و تحت آزار جنسی قرار می گیرند.

مشاهده می شود که گفتمان های احزاب که شاخه سیاسی پ.ک.ک در حوزه حقوقی هستند، در مورد زنان تا حد زیادی با گفتمان های پ.ک.ک منطبق است و در بسیاری از مسائل اصلاً تفاوتی وجود ندارد. به موازات تغییر و تحول در پ.ک.ک، احزاب این نیز سیاست های خود را به روز کرده و تغییر می دهند. شاید تفاوتی که برای ح.د.پ می توان گفت این است که از حقوق دگرپاشان جنسی هم در اساسنامه و هم در برنامه خود دفاع می کند و رهبران حزب در تظاهرات سازماندهی شده توسط این گروه شرکت می کنند.

برخی از سازمان های زنان در خط فمینیستی جلساتی را برای اصطلاح صلح و حقوق زنان ترتیب می دهند. برخی از مدافعان حقوق زنان که نسبت به این موضوع حساس هستند، تبلیغات سازمان پ.ک.ک را در چنین جلساتی مشاهده کرده و ابراز تاسف کرده اند. بنابراین، هنگامی که پ.ک.ک برنامه مشترکی را با هر سازمانی در خارج از کشور تنظیم می کند، هدف این جلسه را گمراه می کند

و این دیدار را فرصتی برای تبلیغات خود می داند.

از ملاقات‌هایمان با زنانی که از پ.ک.ک جدا شده و مادران دیاربکر، که با اقدامات شرافتمندانه و شجاعانه خود در مقابل ساختمان مرکزی حزب ح.د.پ اعتراضات خود را ادامه می‌دهند می‌توان نتایج و پیشنهادهای را به شرح زیر خلاصه کرد:

۱- مشارکت در سازمان تروریستی پ.ک.ک، به ویژه مشارکت زنان، روند نزولی زیادی را در پنج سال گذشته نشان داده است. داده‌های وزارت کشور ما نیز این را تأیید می‌کند. با تدابیر انجام شده توسط دولت، شهروندان زن ما در منطقه، آزادتر از همیشه حرکت می‌کنند و آشکارا ابراز نگرش خود نسبت به سازمان تروریستی را بیان می‌کنند. از آنجا که رهبران سازمان این را می‌بینند، آنها استخدام پرسنل از کشورهای دیگر (اردوگاه‌های پناهندگان) را انتخاب می‌کنند. تدابیر امنیتی موثر و مدرن به موقع، اطمینان از اقتدار دولتی در همه زمینه‌ها، از جمله ادارات محلی، تضعیف منابع تدارکات تروریسم و برقراری ارتباط صحیح با مردم منطقه، مشارکت در سازمان تروریستی را کاهش داده است.

۲- دلیل اینکه پ.ک.ک زنان بیشتری را به عنوان شبه نظامی به خدمت می‌گیرد این است که زنان به دلیل مشکلات خانوادگی و مشکلاتی مانند فقر در موقعیت نامطلوب‌تری قرار دارند. خانواده‌ها تمایلی به فرستادن دختران خود به مدارس ندارند، به ویژه به دلیل نگرانی‌هایی که از مدرسه دارند. از سوی دیگر، کسانی که والدین آنها جدا از هم زندگی می‌کنند، کسانی که تحت فشار شدید در یک خانواده بزرگ یا فقیر قرار دارند، کسانی که در مدرسه شکست می‌خورند، کسانی که به دلیل فقر خانواده مجبور به کار در سنین پایین هستند، کسانی که در روانشناسی نوجوانی دارای نگرش بیش از حد واکنش نشان می‌دهند، کسانی که در خانواده خود اقوامی درگیر حوادث تروریستی دارند و افرادی که در شرایط امنیتی بستگان دارند و کسانی که در عملیات نیروهای خود شکست می‌خورند، بیشترین آسیب را در برابر تبلیغات تروریستی دارند.

۳- سازمانهای استانی ح.د.پ هم در استانهای غربی و هم در استانهای شرقی و جنوب شرقی محیطی روانی- اجتماعی برای مشارکت زنان در پ.پ.ک ایجاد می‌کنند. همپوشانی گفتمان‌های ح.د.پ و پ.پ.ک در نگاه مردم به پ.پ.ک مشروعیت می‌بخشد و رفتن به کوه را برای زنان جذاب می‌کند. ملاقات خصوصی که با مادران دیاربکر و کسانی که پ.ک.ک را ترک کردند، داشتیم، فهمیدیم که به خصوص دخترانی که به پ.ک.ک پیوستند و ارتباط با خانواده، متقاعد کردن، کمک کردن و غیره. مقامات ح.د.پ نقش قابل توجهی ایفا می‌کنند. علاوه بر این، مشاهده می‌شود که گفتمان سیاسی تفرقه افکنانه‌ای که توسط حزب دموکراتیک خلق (ح.د.پ) اتخاذ شده و حمایت‌هایی که از این گونه تشکلهای می‌کند به شکل‌گیری ایده پیوستن به پ.ک.ک در بین زنان کمک می‌کند. در این زمینه، مهم است که سیاستمداران ما نقش خود را ایفا کرده و در هر فرصتی اساسنامه، برنامه و فعالیتهای ح.د.پ را که با ارزشهای مردم منطقه در تعارض است بیان کنند. گفتمان ح.د.پ در مورد "آزادی زنان" و "ایدئولوژی جنسیتی" زنان را مجبور می‌کند بین ارزش‌های خانوادگی و آزادی یکی را انتخاب کنند و می‌تواند منجر به درگیری‌های درون خانواده شود.

۴- ملاقات خصوصی که با برخی از مادران دیاربکر و شبه نظامیانی که پ.ک.ک را ترک کردند انجام دادیم،

مشخص شد که زنان ربوده شده نیز به شبه نظامیان پ.ی.د/ی.پ.گ در سوریه ملحق شده‌اند. این نشان می‌دهد که ی.پ.گ/پ.ی.د به عنوان شاخه‌ای از پ.ک.ک فعالیت می‌کند، ی.پ.گ در سوریه برخی از سلاح‌هایی را که از کشورهای مختلف خریداری کرده به بهانه مبارزه با داعش به

پ.ک.ک منتقل کرده است و هدف پ.ک.ک مشروعیت بخشیدن به فعالیت های خود است. به همین دلیل، عملیات جمهوری ترکیه در سوریه در تأمین امنیت بسیار مؤثر بوده است.

۵- ظهور مادران دیاربکر از نظر افشای مقاومت و موضع زنان در برابر تروریسم در منطقه بسیار مؤثر است. انتخاب سازمان استانی ح.د.پ به عنوان محل برگزاری، از نظر افشای رابطه پ.ک.ک و ح.د.پ و واسطه بودن ح.د.پ در رپوده شدن فرزندان آنها، انتخاب درستی است. تاکنون بیش از ۲۰ مادر فرزندان خود را در آغوش گرفتند. این نشان دهنده مشارکت غیرنظامی حیاتی در مبارزه ترکیه با تروریسم است. همراه با تحصن مادران مردم منطقه، تمام ترکیه و جهان دردهایی را که تروریسم بر منطقه، خانواده و جامعه وارد می کند، دیدند. این قابل درک است که اگرچه مادران قبلاً اقداماتی را برای این کار برنامه ریزی کرده بودند، اما آنها از این کار منصرف شدند زیرا می ترسیدند که سازمان تروریستی مانع آنها شود و به آنها آسیب برساند. به همین دلیل، باید محیطی ایجاد شود که در آن مردم منطقه و سازمان های غیردولتی بتوانند آزادانه واکنش های خود را در برابر تروریسم بیان کنند. در عین حال مادران، روحیه اعضای سازمان تروریستی را تضعیف می کنند و به شبه نظامیان شجاعت ترک از سازمان را می دهند. زنانی که پ.ک.ک را ترک کردند و به طور خصوصی با آنها صحبت کردیم، گفتند که اقدام مادران باعث شد تا آنها از سازمان خارج شوند. این واقعیت که اساس ایدئولوژی سازمان تروریستی و مغایر با فرهنگ سنتی مردم منطقه در هر فرصتی استوار است، سازمان های غیردولتی را ملزم به انجام وظیفه ای در این زمینه می کند. لازم است از شهروندان خود در منطقه محافظت کنیم و امنیت آنها را در برابر تروریسم به بهترین شکل ممکن تضمین کنیم. در جلسات خصوصی ما با کسانی که پ.ک.ک را ترک کردند، مشخص می شود که وقتی در بین مردم منطقه آگاهی ایجاد می شود که هدف آنها تأمین آرامش شهروندان است، از اقدامات امنیتی حمایت می کنند و این امر، عادی سازی را تسریع می کند. با این حال، این امر باید با اقدامات لازم در زمینه های اجتماعی و اقتصادی پشتیبانی شود. مسئله آموزش و پرورش منطقه باید بسیار جدی مورد بازنگری قرار گیرد.

آموزش، خدمات بهداشتی و فعالیتهای اجتماعی در همه سطوح باید به راحتی در دسترس هر زنی قرار گیرد. هدایت جوانان به فعالیتهای ورزشی، علمی و فرهنگی و افزایش تعداد امکانات ورزشی بسیار مهم است. حمایت دولتی باید از شرکتهای خصوصی در آموزش و پرورش و تنوع در آموزش و پرورش تضمین شود.

مطالعات نشان می دهد که تبلیغات سازمان تروریستی بیشترین تأثیر را بر روی افرادی که سطح تحصیلات پایین دارند و افرادی که تحصیلات بالایی دارند کمتر تحت تأثیر تبلیغات این سازمان قرار می گیرند. این امر با توجه به معایب تحصیلی دختران منطقه اهمیت بیشتری پیدا می کند. به همین دلیل، افزایش کیفیت آموزش در منطقه، انجام اقدامات لازم برای نگره داشتن کودکان در سیستم مدرسه، افزایش فعالیت های اجتماعی و ورزشی در مدارس و ایجاد یک سیستم راهنمایی که در آن دانش آموزان، به ویژه دختران، بسیار مهم است و می تواند مشکلاتی را که تجربه می کنند به اشتراک بگذارند و مطالعات سیستماتیک در مورد حل این مشکلات انجام دهند. راهنمایی برای دختران همچنین توجه به ارزشهای مردم منطقه و موفقیت اقدامات انجام شده را تسهیل می کند. افزایش اشتغال زنان و تشویق سرمایه گذاری در منطقه، آموزش و اشتغال را جذاب می کند. دانشگاه هایی که در ۱۵ سال گذشته تأسیس شده اند و گام های مهمی برای نهادینه شدن برداشته اند و نقش مهمی در کاهش حوادث تروریستی دارند. دانشگاهها باید مشکلات خود را حل کرده، به آموزش محور اشتغال اهمیت دهند و در مورد مشکلات تجربه شده در منطقه تحقیق کنند.

دانشگاه‌های منطقه باید هم برای سازماندهی برنامه‌های مشترک با دانشگاه‌های دیگر ترکیه ترغیب شوند و هم با امکان تحصیل دانشجویان در دانشگاه‌های معادل غرب، شرکت در دوره‌های آنلاین و انجام تحقیقات و همچنین باید به دانشجویان و اعضای هیئت علمی در غرب فرصت تحصیل و تحقیق در این دانشگاه‌ها داده شود.

باید اقدامات موثری در رابطه با خانواده‌های متاثر از حوادث منطقه انجام شود و از قرار گرفتن آنها در معرض تبلیغات سازمان تروریستی جلوگیری شود. علاوه بر این، مطالعات خاصی باید برای خانواده‌هایی انجام شود که بستگان آنها در سازمان تروریستی هستند.

پدیده مهاجرت از یک منطقه به منطقه دیگر باید به طور مفصل مورد بررسی قرار گیرد. از آنجا که فرزندان خانواده‌های مهاجر، به ویژه دخترانی که به دلیل تحصیل فرصت کمتری برای معاشرت دارند، در معرض انواع تأثیرات رادیکالیزاسیون قرار دارند، زیرا احساس ثبات و اعتماد ناشی از استقرار آنها در منطقه خود است. فرهنگ و محیطی که آنها با آن آشنا هستند از بین می‌رود و کنترل بزرگان خانواده به ویژه در شهرهای بزرگ بی‌اثر می‌شود و در فضاهای فیزیکی و مجازی در معرض تبلیغات مختلف سازمان تروریستی پ.ک.ک قرار می‌گیرند. به همین دلیل، شهروندان کرد ما باید با برنامه خاصی به محل سکونت خود مهاجرت کنند.

تلاشها برای به رسمیت شناختن بیشتر تحصن مادران دیاربکر باید افزایش یابد و حمایت سازمانهای غیردولتی که نماینده بخشهای مختلف هستند ارائه شود. این شناخت؛ باعث از بین رفتن ترس‌ها در مردم، مخالفت شجاعانه‌تر با تروریسم و مادران بیشتری برای شرکت در این اقدام خواهد شد. بر این اساس، نفوذ آن گسترش یافته و سود مهمی را در مبارزه با تروریسم به همراه خواهد داشت.

افسران و نیروهای امنیتی که در منطقه کار خواهند کرد باید از میان افرادی انتخاب شوند که بتوانند به خوبی با مردم منطقه ارتباط برقرار کنند. کسانی که به هر نحوی مرتکب جنایت می‌شوند، فساد، مقامات دولتی که جنایات آنها ثابت شده است باید مجازات شوند و نباید به رویدادهایی که به احساس عدالت در ذهن مردم منطقه لطمه می‌زند اجازه داده شود.

منابع

آچار، حسن، در زمینه رویکرد پدیدارشناختی، مطالعه بر روی زنانی که سازمان تروریستی پ.ک.ک را از طریق منابع مشترک دانش، تایپ و پذیرش مشترک ترک کردند، موسسه علوم دفاعی آکادمی نظامی ترکیه، گروه علوم امنیتی، پایان نامه کارشناسی ارشد، آنکارا ۲۰۱۴.

ال علی نادجا، تاس لطیف، دیالکتیک مبارزه: چالش‌های جنبش زنان کرد، سری مقاله‌های مرکز ال سی ای مرکز خاورمیانه، ۲۲ مارس ۲۰۱۸.

"جنگ مانند یک پتو است... همگرایی‌های فمینیستی در حقوق زنان کرد و ترکیه برای صلح" مجله مطالعات زنان خاورمیانه □ ۱۳: ۳ نوامبر ۲۰۱۷. ۲۰-۱.

آلپ، روکن، «احیای زنان در جنبش آزادی‌کرد»، جامعه و نظریه، ص. ۱۰ بهار ۲۰۱۵، ۷۵-۹۸. آرسلان، اسرا «پیگیری جنسیت در احزاب سیاسی؛ نمونه‌هایی از آ.ک.پ، ج.ح.پ، م.ح.پ و ح.د.پ " مجله اف ای ۱۱، شماره ۱ (۲۰۱۹)، ۷۶-۵۹.

بارلاس ، آسما ، زنان مومن در اسلام ، آستین: دانشگاه تگزاس ، ۲۰۰۲.

بایراکلی انس، یالچین حسن بصری، یشیل تاش مورات، ساختار پ.ک.ک در اروپا، آنکارا: س.ت.آ. ۲۰۱۹.

Bodziany ، Marek ، Marzena Netczuk-Gwoździewicz "زنانگی ترور: تحلیل روانشناختی نقش زنان در ساختارهای تروریستی" ، مطالعات درگیری و تروریسم ، (۲۰۱۹): ۱-۱۸. DOI: ۲۰۱۸.۱۵۳۱۵۴۲.۱۰۵۷۶۱۰X/۱۰.۱۰۸۰.

جوشکون وهاب، حزب دموکراتیک خلقها (ح.د.پ) به سوی انتخابات ۷ ژوئن، آنکارا: ستا ، ۲۰۱۵.

چاها عمر، جنبش زنان کردی: فمینیسم موج سوم در بافت ترکی، مطالعات ترکی، جلد ۱۲، شماره ۳ ، ۴۳۵-۴۴۹. سپتامبر ۲۰۱۱.

چاغلایان هاندان، مادران، رفقا، الهه ها: زنان در جنبش کردی و شکل گیری هویت زن، استانبول: انتشارات ارتباطات، ۲۰۰۹.

چی، شوکرو اوکیار، تجزیه و تحلیل مبارزان زن در پرونده تروریسم، آکادمی نظامی ترکیه، موسسه علوم دفاعی، گروه علوم امنیتی، آنکارا ، ۲۰۱۰.

دیویس، نیرا یووال، "کلید واژه"، شکستن دیوارها، ساختن پل ها: ظهور و امکانات ویرایشگر جدید فمینیسم جهانی: ناسید بربر، ترجمه: آیتن داوود اوغلو، استانبول ، ۲۰۱۸.

دمیر، آ. زن در جنگ، صلح، آزادی، عشق و کوه. استانبول: انتشارات سیلان، ۲۰۱۴.

دمیرل، ای.، ترور، استانبول: آکیو، ۲۰۰۷.

دمیرکران، سامی، اعترافات تکان دهنده: ۳.۵ سال با پ.ک.ک، استانبول: بیلگه کارنچا ، ۲۰۰۸.

اردم نرگیز، "ریشه های روانی اجتماعی هویت تروریستی زن و سیاست های اجتماعی"، مجله مطالعات امنیتی، سال ۱۹، ج. ۱۹، شماره ۳.، دسامبر ۲۰۱۷، ۸-۲۶.

ارگیل، شرق، شمال شرقی، استانبول: انتشارات تیماش، ۲۰۰۹.

هکمن، لاله یالچین و یائولین وان گلدر «تصویر زنان کرد در زمینه تغییرگفتمان سیاسی در ترکیه در دهه ۹۰: برخی ارزیابی های انتقادی» وطن ارزن و زنان (ویراستار ، آیشگل آلتینای)، استانبول: انتشارات ارتباطات، ۲۰۰۴، ص. ۳۲۵-۳۵۷.

ایشین، موسی، آزمایش کردها با پ.ک.ک ، استانبول: انتشارات تیماش، ۲۰۱۸.

کلوکیروک، س. "تحول مرکز در روند نوسازی ترکیه: جستجوی هویت جدید از محلی به جهانی"، مجله علوم اجتماعی دانشکده هنرها و علوم دانشگاه سلیمان دمیرل، شماره. ۱۸، (۲۰۰۸) ص. ۱۲۱-۱۳۴.

مارکوس، آلیزا، خون و باور: پ ک ک و کردها برای استقلال می جنگند. نیویورک: انتشارات نیویورک، ۲۰۰۹.

میش، نبی، "ترک شدن اتفاق نیفتاد، بگذار ترکی شدن آن معکوس شود!" ترکیه، ۲۰ اکتبر ۲۰۲۰.

موراتا، ساچیکو، دیالکتیک جنسیتی در اسلام، ترجمه. س. اوچال آنکارا: انتشارات هجا، ۲۰۱۹.

نولیس، آندریا "ظهور فمینیسم در پ.ک.ک: ایدئولوژی یا استراتژی؟" زنج: مجله مطالعات مهم جهانی جنوب ، جلد. ۲، شماره ۱، (تابستان ۲۰۱۸)، ۱۱۵-۱۳۳.

اوزجان، نیهات علی آ. پ.ک.ک (حزب کارگران کردستان)، تاریخ، ایدئولوژی و روش. آنکارا: آسام. ۱۹۹۹

پالابییک، آدم، "آ جامعه شناسی ارزیابی پ.ک.ک در زمینه جنبش های اجتماعی"،

- مجله بین المللی مطالعات اجتماعی، ول ۸، پ. ۳۹، اوت، ۲۰۱۵، ۵۱۱-۵۲۸.
- پوش، والتر پ ک ک جدید: مجله نظامی اتریش، برلین ۲۰۱۶.
- عزیز، ماهیر، کشتن یک مرد، استانبول: نشر زلال، ۱۹۹۸.
- رئیس، ملسا، قرارداد اجتماعی زنان، استانبول: انتشارات هوی، ۲۰۰۱.
- توسکا، زهرا، "آیده آل زنان جمهوری: کسانی که از آستانه عبور کردند، کسانی که نتوانستند از آستانه عبور کنند"، زنان و مردان در ۷۵ سال / تراژنامه ۹۸، استانبول: بنیاد تاریخ و بانک ایش، ص. ۷۱-۸۸.
- ترک، ح. بهادر، "مردانگی هژمونیک و تروریسم: مورد پ.ک.ک و عبدالله اوجالان" مطالعات انتقادی در مورد تروریسم ۱۳: ۲، ۲۵۸-۲۷۹، DOI: ۱۷۵۳۹۱۵۳/۲۰۱۹/۱۷۰۸۰۳۹/۱۰/۱۰۸۰
- وگل، دبیرستان، زنان در نظریه مارکسیستی، استانبول: انتشارات پنجره ۱۹۹۰.
- برن، سلالتین (تحلیل جامعه شناختی مفاهیم قومیت، هویت و ناسیونالیسم «کایگی، ۲۰/۲۰۱۳، پ پ. ۲۲۵-۲۳۷.
- پیشلتاش، مورات، دوران برهانتین، بازیگران مسلح غیر دولتی در خاورمیانه، آنکارا: سات آ، ۲۰۱۸.
- گزارش ها
- بهره برداری از کودکان و زنان توسط سازمان تروریستی اتحادیه پ.ک.ک/کردستان، گزارش وزارت کشور جمهوری ترکیه، ۲۰۱۷.
- شاخه سوریه از گروه تروریستی اتحادیه پ.ک.ک/کردستان: پ.ی.د.ی.پ.گ، وزارت کشور جمهوری ترکیه، آنکارا ۲۰۱۷.
- کمیسیون تحقیقات حقوق بشر مجلس ملی بزرگ ترکیه، گزارش کمیته فرعی در زمینه بررسی نقض حقوق زندگی در محدوده حوادث تروریسم و خشونت، ژانویه ۲۰۱۳.
- ساخت هویت ستیزه جویانه و مشخصات کارکنان در سازمان های تروریستی: نمونه ای از انجمن های پ.ک.ک/کردستان، آکادمی پلیس سری گزارش اوتسام: ۲۰ اکتبر ۲۰۱۲.
- تحلیل عوامل ایجاد انقباض زنان با سازمان تروریستی اتحادیه پ.ک.ک/کردستان، فرماندهی ژاندارمری، گزارش، ۲۰۱۹.
- زنانی که مصاحبه خصوصی با آنها داریم
- ۱-فاطما اکباش (مادر دیاربکر)
 - ۲.پ.آ (اعتراف کننده).
 - ۳-گ (اعتراف کننده)
 - ۴-ی ی (اعتراف کننده)
 - ۵-نجمیه آیباز (مادر دیاربکر)
 - ۶-تارکان موتلو (مادر دیاربکر)
 - ۷-نجیبه چیفتچی (مادر دیاربکر)
 - ۸-زمرد سلیم (مادر دیاربکر)

یادداشت:

این مطالعه به عنوان محصولی برای افشای چهره واقعی سازمان تروریستی ترتیب داده شد. در این زمینه، می‌خواستیم حقایق مربوط به گفتمان زنانه سازمان تروریستی و دیدگاه‌های آن در مورد زنان و خانواده را که جامعه را ویران می‌کند، بررسی و افشا کنیم. در مطالعه ما با عنوان تروریسم پ.ک.ک و زنان، ما از سایر مطالعات انجام شده تا کنون، گزارش واحدهای خود در زمینه امنیت، کیفرخواست دادگاه، نشریات سازمان تروریستی و اخبار رسانه‌ها استفاده کرده ایم. در مطالعه ما با عنوان تروریسم و زنان پ.ک.ک، ما از سایر مطالعات انجام شده تا کنون، گزارش واحدهای خود در زمینه امنیت، کیفرخواست دادگاه، نشریات سازمان تروریستی و اخبار رسانه‌ها استفاده کرده ایم. ما سعی کردیم اطلاعات پراکنده را جمع‌آوری کرده و در زمینه‌هایی که می‌دانیم درست است تفسیر کنیم. آنچه این مطالعه را منحصر به فرد می‌کند این است که ما نگرش ریاکارانه سازمان تروریستی پ.ک.ک نسبت به زنان را بر اساس گفتارهای خود آشکار می‌کنیم، ما می‌توانیم بگوییم که مصاحبه‌هایی با مادران دیاربکر و شبه نظامیان سابق که سازمان را ترک کرده اند و نتایجی که از آنها جمع‌آوری کرده ایم، وجود دارد. نسخه جامع‌تری از این مطالعه در روزهای آینده به صورت کتاب منتشر خواهد شد.

امیدوارم که کار ما از نظر شفاف‌سازی چهره‌های واقعی سازمان تروریستی پ.ک.ک و شاخه قانونی آن ح. د.پ در مورد زنان، خانواده و جنسیت مفید واقع شود.

